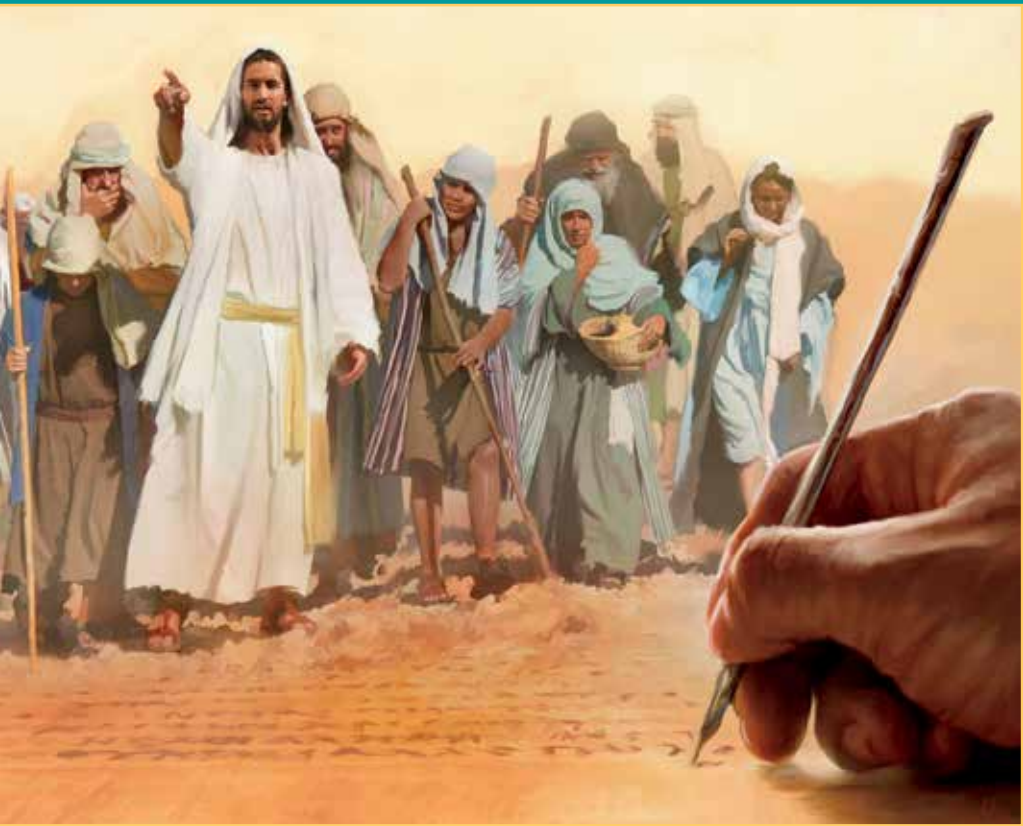


راهنمای مطالعه کتاب مقدس

سه ماهه دوم ۲۰۱۶ | آوریل - ژوئن

انجیل مَتَّى



محتویات

مقدمه

۱. پسر داود — ۲۶ مارس تا ۱ آوریل ۶
۲. خدمت آغاز می‌شود — ۲ تا ۸ آوریل ۱۴
۳. موعظه بر بالای کوه — ۹ تا ۱۵ آوریل ۲۲
۴. ”برخیز و راه برو!“ ایمان و شفا — ۱۶ تا ۲۲ آوریل ۳۰
۵. نبرد مرعی و غیرمرعی — ۲۳ تا ۲۹ آوریل ۳۸
۶. آرامش در مسیح — ۳۰ آوریل تا ۶ مه ۴۶
۷. خداوند یهود و غیر یهود — ۷ تا ۱۳ مه ۵۴
۸. پطرس و صخره — ۱۴ تا ۲۰ مه ۶۲
۹. بت‌های نفس (و درس‌هایی دیگر از عیسی) — ۲۱ تا ۲۷ مه ۷۰
۱۰. عیسی در اورشلیم — ۲۸ مه تا ۳ ژوئن ۷۸
۱۱. رویدادهای آخر زمان — ۴ تا ۱۰ ژوئن ۸۶
۱۲. روزهای پایانی عیسی — ۱۱ تا ۱۷ ژوئن ۹۴
۱۳. مصلوب شده و قیام نموده — ۱۸ تا ۲۴ ژوئن ۱۰۲

Editorial Office: 12501 Old Columbia Pike, Silver Spring, MD 20904

Come visit us at our Web site: <http://www.absg.adventist.org>

Principal Contributor

Martin Pröbstle

Co-contributor

Steven Thompson

Editor

Clifford R. Goldstein

Associate Editor

Soraya Homayouni

Publication Manager

Lea Alexander Greve

Editorial Assistant

Sharon Thomas-Crews

Pacific Press® Coordinator

Wendy Marcum

Art Director and Illustrator

Lars Justinen

Design

Justinen Creative Group

Middle East and North Africa Union

Publishing Coordinator

Michael Eckert

Translation to Arabic

Ashraf Fawzi

Arabic Layout and Design

Marisa Ferreira and Olivia Adel

مجمع عمومی ادونتستیهای روز هفتم* حق نشر و چاپ محفوظ است. هیچ بخش از راهنمای مطالعه کتاب مقدس برای مدرسه سبت بزرگسالان (ویرایش استاندارد) ممکن نیست توسط شخص یا نهادی بدون اجازه کتبی از مجمع عمومی ادونتستیهای روز هفتم* مورد اصلاح و استفاده، ترجمه، تکثیر یا انتشار قرار بگیرد. دفاتر بخش های مجمع عمومی ادونتستیهای روز هفتم* مجاز هستند تا مسئله ترجمه راهنمای مطالعه کتاب مقدس برای مدرسه سبت بزرگسالان را تحت راهنمایی ویژه سازمان ترتیب دهند. حق چاپ و انتشار این ترجمه ها با مجمع عمومی باقی می ماند. «ادونتستیهای روز هفتم»، «ادونتستها» و نشان تجاری مجمع عمومی ادونتستیهای روز هفتم ثبت شده است و بدون اجازه قبلی از مجمع عمومی امکان استفاده از آنها ممنوع است. راهنمای مطالعه کتاب مقدس برای مدرسه سبت بزرگسالان توسط دفتر راهنمای مطالعات کتاب مقدس بزرگسالان در مجمع عام ادونتستیهای روز هفتم* آماده شده است. تهیه راهنماها تحت نظارت عمومی هیئت انتشارات مدرسه سبت است که یک کمیته فرعی از کمیته اداری مجمع عام است (ADCOM) که ناشر راهنماهای مطالعه کتاب مقدس است. راهنمای منتشر شده منعکس کننده همکاری کمیته ارزشیابی جهانی است و تأیید شده توسط هیئت انتشارات مدرسه سبت است و منحصر آن‌ها ندهنده نیت نویسنده یا نویسندگان نیست.



Sabbath School
Personal Ministries

إنجيل مَتَّى

أثناء ولادته في مدينة وينشستر بماساشوستس، تعرّض ريك هُوَيْت للاختناق نتيجة التواء الحَبْل السُّرِّيّ حول عنقه مما تسبب في إصابته بالشلل الدماغي وجَعَلَهُ غير قادر على السيطرة على أطرافه وأوصاله. وبعد مرور بضعة أشهر على ولادته، أخبر الأطباء أسرة هُوَيْت بأن ريك سوف يعيش في حالة غيبوبة بقية حياته وأنه ينبغي أن يُوضع في مؤسسة ترعى مثل هذه الحالات.

وبخصوص هذا الأمر، كتب ريك رايلي في نُبْدَة عن عائلة هُوَيْت تم طباعتها في مجلة الرياضة المصورة (٢٠ حزيران/يونيو ٢٠٠٥) يقول: «لكن أسرة هُوَيْت لم تقبل بهذا الاقتراح.» فقد لاحظوا أن عينا ريك كانتا تتبعانهم في جميع أنحاء الغرفة. وعندما كان عمر ريك ١١ عاماً، قامت الأسرة بأخذه إلى قسم الهندسة في جامعة «تافتس» وهناك استفسرت الأسرة عمّا إذا كان هناك أي شيء يمكن لقسم الهندسة بالجامعة عمله لمساعدة الصبي على التواصل مع المحيطين به.

قال المتخصصون لوالد ريك، الذي يُدعى ديك، «ليس هناك طريقة يمكن من خلالها التواصل مع ريك، فإن دماغه لا يستطيع إرسال الرسائل الصحيحة لأعضاء جسمه.» فَرَدَّ ديك قائلاً، «قولوا له نكتة.» «وقد فعل المتخصصون بقسم الهندسة ذلك. وعندها ضحك ريك. وهكذا تبين أن دماغه كان يعمل بشكل جيد.»

تم تصميم حاسوب خاص يُكُن ريك من الكتابة عليه بمجرد تحريك رأسه وبالتالي يستطيع التعبير عن نفسه؛ كما أن هذا الجهاز كان قادراً على نطق الكلمات المكتوبة. وهكذا استطاع ريك أخيراً التواصل مع الآخرين. وقد مكّنته هذه التكنولوجيا من بدء حياة جديدة. واشتملت حياته الجديدة، من بين أمور أخرى، على أن يقوم والده بدفعه بينما يجلس ريك على كرسي متحرك في ماراثون خيري. وبعد السباق، طبع ريك على

الحاسوب ما يلي، «يا أبي، عندما كنا نركض معاً لم أشعر أنني معاق بعد الآن!» وقد عزم الأب على جعل ابنه يشعر بهذا الشعور كلما كان ذلك ممكناً. وبعد مرور أربع سنوات، ركض الأب وابنه في ماراثون «بوسطن» معاً. ثم اقترح أحدهم أن يشترك الأب وابنه في «تريثلون»، وهو سباق ثلاثي أشبه بالماراثون، يبدأ بالسباحة ثم ركوب الدراجات ثم ينتهي بالركض. ومنذ ذلك الحين، اشترك الاثنان في المئات من الأحداث الرياضية، حيث كان يقوم الأب إما بسحب ابنه أو دفعه إلى الأمام أثناء اشتراكهما في السباقات معاً. وقد طبع ريك على حاسوبه الكلمات التالية: «مما لاشك فيه أن أبي هو الأب المثالي للقرن.» نحن لدينا الكثير من القواسم المشتركة مع ريك هُوَيْت، لأن لدينا أباً سماوياً يحبنا محبة تفوق حتى محبة ديك لابنه ريك. وهو يهتم بنا و قد ضحى بنفسه من أجلنا. ومثل ريك، فقد عملت آثار الخطية المأساوية والمدمرة على إصابتنا جميعاً بالشلل. ولا يمكننا بقوتنا الخاصة أن نحيا بأي شكل من الأشكال حياة قريبة من الحياة التي كان المقصود لنا أن نحياها. ومهما حاولنا جاهدين، فإننا لن نحسن أنفسنا بما فيه الكفاية لِنُخَلِّصَ أنفسنا. «لقد صيرت الخطية حالتنا حالة غير طبيعية، فالقوة التي تُرجعنا يجب أن تكون فوق الطبيعة، وإلا فلا قيمة لها» (روح النبوة، آفاق عيش أفضل، صفحة ٤٥٢ و ٤٥٣). فلا بد وأن يأتي خلاصنا من خارج أنفسنا لأنه لا بد وأن يكون واضحاً لنا الآن أننا لا نستطيع أن نُخَلِّصَ أنفسنا.

ولهذا السبب ينظر الناس في بعض الأحيان إلى السماء لئلاً طالبين معونة «مُخَلِّصٍ» ما. وكان بنو إسرائيل يطلقون على هذا المُخَلِّصِ المنتظر اسم «ابن داود» وهو الذي نَعْرِفُهُ باسم يسوع الناصري. وإنجيل متى، موضوع دراستنا لهذا الربع، هو سردٌ، بإلهام من الروح القدس، لقصة المسيح. كان متى واحداً من اليهود الذين آمنوا بالمسيح، وكان واحداً من تلاميذ المسيح الأوائل. ويروي متى قصة المسيح من منظوره الشخصي، ولكن بإلهام من الروح القدس. وعلى الرغم من القواسم المشتركة بين إنجيل متى وأناجيل كلاً من مرقس ولوقا ويوحنا، إلا أن الموضوع الذي يركّز عليه متى بصورة خاصة هو تجسّد وحياة وموت وقيامته وصعود المسيح. ويركّز متى بقوة أيضاً على حقيقة أن المسيح هو المسيا المنتظر. لقد أراد متى لقرائه أن يعرفوا أن خلاص إسرائيل كان بواسطة المسيح الذي تحدث عنه الأنبياء والذي كانت جميع رموز العهد القديم تشير إليه. وعلى الرغم من أن جمهور متى كان يهودياً في المقام الأول، إلا أن رسالته الخاصة بالرجاء والفداء تتحدث إلينا نحن أيضاً؛ فإننا أشخاص مثل ريك هُوَيْت بحاجة إلى شخص يفعل من أجلنا ما لا يمكننا أبداً القيام به لأنفسنا. ونقرأ في إنجيل متى قصة المسيح وهو يقوم بذلك العمل من أجلنا.

آندي ناش، دكتوراه في الفلسفة، هو أستاذ جامعي وقس في جامعة «سوثرن» الأذفنتستية في كوليدجال، تينيسي. وقد قام بتأليف العديد من الكتب بما في ذلك «كنيسة أكوام القش» و كتاب بعنوان: «إنجيل متى: نُخَلِّصُنا الآن، يا ابن داود.»

پسر داود



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۱؛ مرقس باب ۱۲ آیات ۳۵ تا ۳۷؛ اشعیا باب ۹ آیات ۶ و ۷؛ رومیان باب ۵ آیه ۸؛ یوحنا باب ۲ آیه ۲۵؛ ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۳؛ متی باب ۲ آیات ۱ تا ۱۴.

آیه حفظی: «او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید» (متی باب ۱ آیه ۲۱).

متی که توسط روح القدس الهام گرفته بود، کتابش را با یک شجره‌نامه آغاز کرد؛ اما نه هر شجره‌نامه‌ای، بلکه شجره‌نامه عیسی مسیح. و این مانند هر شجره‌نامه‌ای نیست بلکه پیشینیانی را آشکار می‌سازد که اکثر مردم لزوماً مایل به پذیرفتنشان به عنوان اجداد خود نیستند.

شاید متی خود به عنوان یک متردود می‌توانست به آن اجداد موافق باشد. گذشته از هر چیز، او یک باجگیر یهودی بود که خود را به دشمن باخته بود و برای امتیاز گرفتن مالیات از ملت خود یعنی یهودیان به روم باج داده بود. به طور حتم او فردی مورد احترام ملتش نبود.

با این اوصاف، انسان‌ها ممکن است به ظاهر توجه کنند اما خدا به قلب اهمیت می‌دهد. و شکی نیست که خداوند با نگاه کردن به قلب متی، او را که یک باجگیر منفور بود به عنوان یکی از حواریونش انتخاب نمود. و متی این فراخواندگی را پذیرفت و به زندگی گذشته‌اش پشت کرد تا در عیسی حیاتی دوباره را آغاز کند. از این رو، متی از خداوندش پیروی نمود و وقایع را ثبت کرد تا روزی برای مردمش و جهان چیزی برای جبران کردن داشته باشد. این یک رسید مالیاتی نخواهد بود، بلکه در عوض روایتی با ارزش از زندگی عیسی خواهد بود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲ آوریل آماده شوید.

کتاب پیدایش

”کتاب نسب نامه عیسی مسیح بن داود“ (متی باب ۱ آیه ۱).

متی درست از ابتدا نوشته‌اش را یک ”کتاب“ (گرفته شده از واژه یونانی *biblos* به معنی ”نوشته مقدس“) می‌نامد، یک ”کتاب شجره‌نامه“ از اجداد عیسی. در حقیقت، واژه یونانی که به ”شجره‌نامه“ یا ”دودمان“ ترجمه شده است از واژه‌ای است که می‌تواند ”پیدایش“ ترجمه شود. از این‌رو، می‌توان گفت که متی انجیل خود را با ”یک کتاب پیدایش“ آغاز کرد. دقیقاً همانطور که عهد قدیم خود با کتابی درباره خلقت جهان شروع می‌شود، متی (و در نتیجه عهد جدید) با کتابی درباره خود خالق و کار نجات که تنها او می‌تواند انجام دهد، آغاز می‌شود.

این آیات درباره عیسی به ما چه می‌گویند؟ یوحنا باب ۱ آیات ۱ تا ۳، عبرانیان باب ۱ آیه ۱ تا ۳، میکا باب ۵ آیه ۲، مرقس باب ۱۲ آیات ۳۵ تا ۳۷.

”خداوند عیسی مسیح از ابدیت با پدر یکی بود؛ او ’تصویر خدا‘، تصویر عظمت و شکوه او، ’نور درخشان شکوه او‘ بود... عیسی با آمدنش برای سکونت با ما، قصد داشت خدا را برای بشریت و فرشتگان آشکار سازد. او کلام خدا بود، - اندیشه خدا که قابل استماع شده بود.“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 19

با این حال الهی بودن مسیح در ذهن متی در درجه اول قرار نداشت، درست بر خلاف یوحنا (باب ۱ آیات ۱ تا ۴ یوحنا را ببینید) که بلافاصله قبل از پرداختن به جنبه انسانی عیسی، درباره الوهیت او می‌نویسد (یوحنا باب ۱ آیه ۱۴ را ببینید). در عوض، متی تمرکز بسیار بر انسانیت مسیح دارد، مسیح به عنوان ”پسر داود، پسر ابراهیم“. او سپس از ابراهیم جد بشری عیسی تا به دنیا آمدن او می‌نویسد و همه این‌ها به منظور نشان دادن این حقیقت به خوانندگان است که عیسی ناصری مسیح پیشگویی شده در نبوت‌های عهد قدیم بود.

بدون شک خانواده و اجداد مهم هستند. در عین حال تا آنجا که به انجیل مربوط می‌شود، والدین یا پدربزرگ و مادربزرگ‌های ما یا هر کدام از اجدادمان مناسبی ندارند. در عوض چه چیزی مهم است و چرا؟ غلطیان باب ۳ آیه ۲۹ را ببینید.

دودمان سلطنتی

با وجود نقطه نظرات متفاوت یهودیان درباره آمدن مسیح، یک چیز قطعی بود: مسیح از نسل داود خواهد بود. (حتی امروزه بسیاری از یهودیان دیندار که منتظر آمدن مسیح هستند، معتقدند که او باید از خاندان داود بیاید.) به این دلیل است که متی انجیلش را آنگونه شروع کرد؛ او قصد داشت هویت عیسی را به عنوان مسیح تعیین کند. زیرا مسیح قرار بود از نسل ابراهیم (غلاطیان باب ۲۲ آیه ۱۸، غلاطیان باب ۳ آیه ۱۶)، پدر ملت یهود و از نسب داود باشد و متی بلافاصله از جد داود به دنبال نشان دادن جد عیسی است که نه تنها به ابراهیم (که برای اکثریت بنی اسرائیل چنین بود) بلکه به پادشاه داود نیز مرتبط است. بسیاری از مفسران بر این باورند که متی در درجه اول مخاطبان یهودی را مد نظر داشته است؛ بنابراین تأکیدش بیشتر بر استوارنامه مسیح بودن عیسی ناصری است.

آیات زیر را بخوانید. آن‌ها چگونه به ما در درک منظوری که متی قصد رساندنش را داشت، کمک می‌کنند؟

سموئیل دوم باب ۷ آیات ۱۶ و ۱۷

اشعیا باب ۹ آیات ۶ و ۷

اشعیا باب ۱۱ آیات ۱ و ۲

اعمال رسولان باب ۲ آیات ۲۹ و ۳۹

همه این‌ها به ما کمک می‌کنند تا دلیل نحوه شروع انجیل متی را درک کنیم: “کتاب نسب نامه عیسی مسیح بن داود” (متی باب ۱ آیه ۱). در ابتدا و مهم‌تر از همه چیز، عیسی مسیح به عنوان “پسر داود” معرفی شده است. و درست همانطور که عهد جدید با چنین توصیفی از عیسی آغاز می‌شود، خود عیسی نیز چنین کلامی را بیان می‌کند: “من عیسی فرشته خود را فرستادم تا شما را در کلیساها بدین امور شهادت دهم. من ریشه و نسل داود و ستاره درخشانده صبح هستم” (مکاشفه یوحنا باب ۲۲ آیه ۱۶). در کنار همه چیزهایی که عیسی هست، او از “ریشه و نسل داود” باقی می‌ماند.

چه شهادت قدرتمندی از ماهیت انسانی عیسی و جوهر بشری او؛ خالق ما خود را به روش‌هایی که از تصور ما خارج است، به ما مرتبط ساخته است.

شجره‌نامه نخستین اجداد عیسی

به غیر از داود، چه فرد دیگری را در شجره‌نامه عیسی می‌یابیم؟ متی باب ۱ آیات ۲ و ۳.

معمولاً در شجره‌نامه‌ها به نام زنان اشاره‌ای نمی‌شد؛ پس چرا باید زنی به نام تامار در اینجا نام برده شود؟ اولاً او چه کسی بود؟
تامار زنی کنعانی بود که به ترتیب با دو پسر یهودا ازدواج کرده بود. هر دوی این پسرها در شرارت درحالی که تامار فرزندی نداشت مردند. پدر شوهر او یهودا به تامار قول داد که پسر سومش پس از رسیدن به سن مجاز با او ازدواج خواهد کرد. اما هرگز چنین اتفاقی نیافتاد.

پس تامار چه کاری انجام داد؟ او به یک روسپی تغییر قیافه داد و با یهودا که نمی‌دانست او تامار است، رابطه برقرار کرد. ماه‌ها بعد، زمانی که بارداری تامار آشکار شد، یهودا اقدامی کرد تا تامار فاسد به مرگ محکوم شود؛ این تا زمانی بود که تامار به یهودا آشکار کرد که او پدر فرزندش است.

اگر چه ممکن است این‌ها مانند یک سریال تلویزیونی پر زرق و برق به نظر برسند، اما همچنان جزئی از تبار انسانی عیسی هستند.

آیات ۴ و ۵ باب ۱ متی را بخوانید. به چه فرد دیگری در اینجا اشاره شده است که به نوعی عجیب است؟

راحاب، روسپی کنعانی؟ ظاهراً اینگونه است. او پس از کمک کردن و محافظت از جاسوسان بنی‌اسرائیل در کنعان، به قوم خدا ملحق شد و به نظر می‌رسد با یکی از اجداد عیسی ازدواج کرد.

چه فرد دیگری در شجره‌نامه وجود داشت؟ متی باب ۱ آیات ۵ و ۶.

روت زن با فضیلتی بود اما اگرچه خود بی‌گناه بود، او از موآبیان منفور بود - حاصل رابطه‌ای با محارم بود که بین لوط یک پدر مست و یکی از دخترانش اتفاق افتاد. بتشبع همسر اوریا بدون شک زنی بود که پادشاه داود خودخواهانه فراخواند درحالی که همسرش اوریا در میدان نبرد بود. داود نیز گناهکاری بود که به یک نجات دهنده نیاز داشت. داود خصوصیات خوب زیادی داشت اما مطمئناً الگویی از یک مرد خانواده نبود.

اگر خدا ما را با وجود اشتباهات و کوتاهی‌هایمان می‌پذیرد، ما چگونه می‌توانیم بیاموزیم نسبت به سایرین با وجود خطاها و کاستی‌هایشان، اینگونه باشیم؟

۳۰ مارس

چهارشنبه

زمانی که هنوز گناهکار بودیم

آیات زیر در مورد طبیعت بشری چه می‌گویند؟ چه شواهد قدرتمندی درباره حقیقت این تمایلات داریم؟ رومیان باب ۳ آیات ۹ و ۱۰، باب ۵ آیه ۸؛ یوحنا باب ۲ آیه ۲۵؛ ارمیا باب ۱۷ آیه ۹.

همانگونه که اغلب گفته شده است، اما ارزش تکرار کردن را دارد، کتاب مقدس تصویر درخشنده از انسانیت یا طبیعت بشری ارائه نمی‌دهد. از سقوط در گناه در باغ عدن (پیدایش باب ۳) تا سقوط بابل در روزهای آخر (مکاشفه یوحنا باب ۱۸)، حالت غم‌انگیز انسانیت به آسانی نمایان است. و با این وجود ما تمایل به ایده‌آل سازی داریم، برای مثال نخستین روزهای کلیسا پیش از "ارتداد" (تسالونیکیان دوم باب ۲ آیه ۳) که یک اشتباه است (قرنیتیان اول باب ۵ آیه ۱). ما همگی مردمی سقوط کرده و ناقص هستیم و این شامل دودمانی که خود عیسی از آن آمده است نیز می‌شود.

دانشمند مایکل ویلکینز (*Michael Wilkins*) می‌نویسد، "اصالت و غیر محتمل بودن این شجره‌نامه حتماً خوانندگان متی را مات و مبهوت کرده است. اجداد عیسی با تمام نقاط ضعف و مع‌الوصف توانایی‌های مردم عادی، انسان بودند. خدا توسط ایشان کار کرد تا نجاتش میسر شود. هیچ‌الگویی برای عدالت در اجداد عیسی وجود ندارد. در میان آن‌ها زناکار، روسپی، قهرمان و غیر یهودی وجود داشت. رجب‌عام شیریر پدر ابیاه بدجنس و ابیاه پدر پادشاه خوب آسا بود. آسا پدر پادشاه نیک یهوشافاط بود... که پدر پادشاه نابکار یورام بود. خدا در سراسر نسل‌ها که هم خوب و هم بد میان آن‌ها وجود داشت کار می‌کرد تا هدف‌هایش تحقق یابند. متی نشان می‌دهد که خدا می‌تواند هر کسی را که حتی متروذ شده و یا تحقیر شده، انتخاب کند - تا هدف‌هایش تحقق یابند. این‌ها آنگونه افرادی هستند که عیسی برای نجاتشان آمد." Zondervan Illustrated Bible Backgrounds Commentary: Matthew (Grand - Rapids: Zondervan, 2002), p. 9

این نکته‌ای است که ما باید به خاطر بسپاریم، نه تنها وقتی که به دیگران نگاه می‌کنیم بلکه هنگامی که به خودمان نیز می‌نگریم. کدام مسیحی است که گهگاهی در مسیر ایمانش

دل‌سرد نشده باشد، ایمانش را زیر سؤال نبرده باشد و یا از خود نپرسیده باشد که آیا واقعاً تغییر کرده است یا خیر؟ بنابراین اغلب آنچه که باعث بروز این دل‌سردی می‌شود در حقیقت طبیعت سقوط کرده ما، گناه‌مان و کوتاهی‌هایمان هستند. از این رو، در میان این ناامیدی، ما می‌توانیم و باید امید داشته باشیم که خدا همه این چیزها را می‌داند و تنها برای انسان‌هایی همچون ما بوده است که مسیح به این جهان آمد.

در زمان‌های ناامیدی روحانی و دل‌سردی، با چه وعده‌هایی از کتاب مقدس می‌توانید متمسک شوید؟

۳۱ مارس

پنجشنبه

تولد پسر لاهوتی داود

جایی در فضای شب در فاصله زمانی باب‌های ۱ و ۲ متی، عیسی به دنیا آمد. احتمالاً در روز ۲۵ دسامبر نبوده است. دانشمندان بر اساس زمان خدمت زکریای کاهن در معبد، اظهار می‌کنند که شاید عیسی در پاییز زمانی که گوسفندان هنوز در چراگاه بودند، یعنی احتمالاً اواخر سپتامبر یا اوایل اکتبر متولد شد. این بسیار طعنه‌آمیز است که برخی از نخستین افرادی که در جستجو و به دنبال عبادت مسیح بودند، یهودی بودند. در حالی که بسیاری از افراد قوم عیسی (و پادشاه هیرودیس، چهار سؤزن و نیمه یهودی) فکر می‌کردند می‌دانند منتظر چه نوع مسیحی باشند، این مسافران اهل مشرق قلب‌ها و ذهن‌های بازی داشتند. مجوس یا حکما، فلاسفه مورد احترامی از سرزمین فارس بودند که زندگی خود را وقف یافتن حقیقت از هر کجا که باشد، کرده بودند. پس جای تعجب نیست که مشغول پرستش کسی که در واقع خود «حقیقت» بود، شدند. اگر چه زمینه متفاوت است اما ما می‌توانیم در اینجا نمونه‌ای از کلام حقیقت که قرن‌ها پیش بیان شده بود را ببینیم، «مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل خود جستجو نمائید، مرا خواهید یافت» (ارمیا باب ۲۹ آیه ۱۳).

آیات ۱ تا ۱۴ باب ۲ متی را بخوانید. چه تفاوتی میان نگرش این مردان حکیم و پادشاه هیرودیس دیده می‌شود؟

این بت پرستان در مقایسه با پادشاه ملت که به دنبال کشتن عیسی بود، او را تعظیم کرده و عبادت نمودند!

این روایت باید یک یادآوری قدرتمند بر این باشد که وابستگی به کلیسا تضمینی به بودن در رابطه درست با خدا نیست. همچنین باید یادآوری کننده این موضوع باشد که درک درست از حقیقت بسیار مهم است. اگر هیروودیس و کاهنان درک بهتری از نبوت‌های راجع به مسیح داشتند، می‌توانستند بفهمند که عیسی چنان تهدیدی که از آن ترسیدند نبود. هیروودیس باید متوجه می‌شد که این "پادشاه یهود" کسی نبود که باید نگرانش می‌بود، دست کم از این نظر که هیروودیس قدرت سیاسی‌اش را مورد حفاظت قرار می‌داد.

ما به عنوان ادونتیست‌های روز هفتم، مردمی که با نور بسیار زیادی برکت داده شده‌ایم، چگونه می‌توانیم از فریب این که این دانش بطور خودکار به این معنی است که ما در رابطه درست با خدا هستیم، در امان باشیم؟ در عین حال، به دلیل قدردانی از سرشت خدا که این حقیقت را برای ما آورده است، این دانش چگونه می‌تواند به ما در داشتن رابطه‌ای عمیق‌تر با خدا کمک کند؟

۱ آوریل

جمعه

تفکری فراتر:

به این نقل قول از خانم الن جی. هوایت توجه کنید: "چنین است که هر گناهکار ممکن است به مسیح روی آورده باشد. "نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد" (تیتوس باب ۳ آیه ۵). زمانی که شیطان به شما می‌گوید که گناهکار هستید و نمی‌توانید امید به دریافت برکات خدا را داشته باشید، به او بگویید که مسیح به این جهان آمد تا گناهکاران را نجات دهد. ما چیزی نداریم که ما را به خدا توصیه کند؛ بلکه تقاضایی که ما ممکن است اکنون و همیشه به آن نیاز داشته باشیم، شرایط ناتوانی همیشگی ماست که باعث می‌شود قدرت نجات او الزامی باشد. – *The Desire of Ages*, p. 317. چه تفکر قدرتمندی: این شرایط مطلقاً ناتوان ماست که مسیح به عنوان نجات دهنده را برای ما الزامی می‌کند. این حقیقت در هر دو حالت یعنی زمانی که ما نخستین بار به عیسی روی آوردیم و یا اگر در تمام مدت زندگی با او همراه بودیم، یکسان است. ما نیز مانند افرادی که در شجره نامه انسانی عیسی بودند، گناهکاریم و نیازمند فیض هستیم. اطاعت ما از احکام، غلبه بر گناه و وسوسه و رشدمان در مسیح هر قدر هم که بخشی از زندگی مسیحی هستند، نتیجه نجات و نه دلیل آن هستند. چه دزد بر روی صلیب یا فرد مقدسی در حال تبدیل در بازگشت مسیح، همه ما در شرایط مطلقاً ناتوانی هستیم که قدرت نجات او را برای ما الزامی می‌سازد. این بسیار مهم است که ما هرگز این حقیقت اساسی را فراموش نکنیم.

سوالاتی برای بحث

۱. همان طور که این هفته دیدیم، هیروودیس تصورات نادرستی در مورد نبوت داشت که باعث شد کارهای وحشتناکی انجام دهد. به برخی از تصورات اشتباه امروزی در مورد نبوت بیاندیشید. برای مثال، بسیاری بر این باورند که مسیحیان با ایمان به طور مخفیانه و در خفا به بهشت برده خواهند شد، در حالی که خانواده و دوستان آنها باقی می ماند و متعجب می شوند که همه این افراد یک دفعه به کجا غیب شدند. برخی از خطرات احتمالی داشتن چنین درک اشتباهی از نبوت چیست؟ یا در این مورد چطور که معبد اورشلیم باید دوباره ساخته شود و قربانی کردن حیوانات به عنوان آخرین اتفاق تاریخ زمین دوباره انجام شود؟ چه تصورات غلط دیگری در مورد نبوت باید ما را تحت تاثیر این موضوع قرار دهد که درک درست از نبوت واقعا مهم است؟

۲. اغلب اوقات، در بسیاری از فرهنگها و جوامع، اینکه والدین شما چه کسی هستند و یا در چه طبقه اجتماعی به دنیا آمده اید، بسیار مهم تلقی می شوند. این رسمی است که به نظر می رسد در طول تاریخ وجود داشته و در بسیاری از مجامع حتی امروزه ریشه دوانده است. چرا این تفکر جهانی با هر آنچه که انجیل ارائه می دهد، در تضاد است؟ و اندیشه تولد تازه چگونه باید بر نگرش ما به این سوال که ما یا دیگران در چه سطح اجتماعی به دنیا آمده ایم، تاثیر بگذارد؟

خدمت آغاز می‌شود



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۳ آیات ۱ تا ۱۲؛ پطرس دوم باب ۱ آیه ۱۹؛ فیلیپیان باب ۲ آیات ۵ تا ۸؛ متی باب ۴ آیات ۱ تا ۱۲؛ اشعیا باب ۹ آیات ۱ و ۲؛ متی باب ۴ آیات ۱۷ تا ۲۲.

آیه حفظی: “بدیشان گفت: از عقب من آید تا شما را صیاد مردم گردانم” (متی باب ۴ آیه ۱۹).

یکی از چالش‌های بزرگ بشریت دانستن معنا و هدف از زندگی بوده است و اینکه چگونه باید زندگی کرد. گذشته از این، ما با دستور عملی نوشته شده در دست به این دنیا نمی‌آییم که به ما بگوید چگونه زندگی کنیم، آیا چنین نیست؟

پسری ۱۷ ساله از یک خانواده ثروتمند که به مواد مخدر اعتیاد آورد چنین گفت: “من معنای زندگی را متوجه نشدم. هنوز هم نمی‌دانم مفهوم زندگی چیست، اما فکر می‌کردم که دیگران معنی زندگی را می‌دانند و یک راز بزرگ وجود داشت که همه از آن با خبر بودند به جز من. فکر می‌کردم همه متوجه هستند که ما چرا در اینجا هستیم و همه به جز من مخفیانه در خوشحالی زندگی می‌کردند.”

پل فیرابند (*Paul Feyerabend*) نویسنده و فیلسوف علوم آلمانی در شرح حال خود چنین اعتراف نموده است: “روز پس از روز می‌گذرد و مشخص نیست که هدف از زندگی افراد چیست.” اکنون می‌رسیم به کتاب مقدس، انجیل، و روایت زندگی عیسی و کاری که او برای ما انجام داده است. در عیسی - وجود قبل از تجسدش، تولدش، زندگی‌اش، مرگش، خدمتش در آسمان و بازگشتش - ما می‌توانیم پاسخ سخت‌ترین پرسش‌های زندگی را بیابیم. این هفته نگاهی خواهیم انداخت به آغاز زندگی مسیح و خدمتش بر روی زمین، زندگی و خدمتی که به تنهایی می‌توانند معنای کاملی به زندگی ما بدهند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۹ آوریل آماده شوید.

یحیی تعمید دهنده و حقیقت فعلی

باب ۳ انجیل متی با یحیی تعمید دهنده آغاز می شود که نخستین کلماتش امری ثبت شده است- ”توبه کنید!“ (متی باب ۳ آیه ۲). از یک سو، این خلاصه ای است از آنچه خدا از ابتدای سقوط بشریت سالها گفته است: توبه کنید، بخشش مرا بپذیرید، گناهانتان را کنار بگذارید و در روحتان نجات و آرامش را خواهید یافت. و همچنان گذشته از جهانی بودن پیام، یحیی باز هم بر حقیقت فعلی (پطرس دوم باب ۱ آیه ۱۲)، پیامی برای مردم هر زمان خاص به نوبتشان، تاکید می کند.

آیات ۲ و ۳ باب ۳ متی را بخوانید. پیام حقیقت فعلی که یحیی موعظه می کرد و همراه فراخواندنش به توبه، تعمید و اعتراف چه بود؟ آیه ۶ باب ۳ متی را نیز ببینید.

یحیی در اینجا همچنین کاری را انجام می دهد که در سر تا سر عهد جدید انجام شده است. او از عهد قدیم نقل قول می کند. نبوت های عهد قدیم در عهد جدید احیاء می شوند. بارها عیسی، پولس، پطرس و یوحنا، همگی از عهد قدیم نقل قول کرده اند تا کمکی باشد برای تأیید، توضیح و یا حتی اثبات مفهوم آنچه که در عهد جدید در جریان بود. جای تعجب نیست که پطرس حتی در زمینه معجزاتی که خود شخصاً مشاهده کرده بود، باز هم زمانی که درباره خدمت عیسی صحبت می کرد، بر ”تصدیق کلام انبیا“ (پطرس دوم باب ۱ آیه ۱۹) تاکید داشت.

آیات ۷ تا ۱۲ باب ۳ متی را بخوانید. یحیی در اینجا چه پیامی برای رهبران دارد؟ علیرغم کلمات خشن او، چه امیدی در اینجا به آنها داده شده است؟

به اهمیت و مرکزیت عیسی در تمام موعظه های یحیی توجه کنید. حتی در آن زمان همه چیز درباره عیسی و اینکه او چه کسی بود و چه کاری قرار بود انجام بدهد، بود. با وجود اینکه انجیل ارائه شده بود، یحیی از حسابرسی نهایی خبر داد، تفکیکی نهایی میان گندم ها و علف های هرز و اینکه همان کسی که پیشگویی شده بود، این تفکیک را انجام خواهد داد. باز هم اثبات بیشتری بر اینکه انجیل و داوری تا چه حد جدایی ناپذیر هستند. در اینجا مثال دیگری درباره اینکه چگونه در کتاب مقدس نخستین آمدن عیسی و بازگشتش به صورت یک واقعه مشاهده شده است، وجود دارد، همان طور که یحیی- در ابتدای متن آمدن نخستین مسیح- درباره بازگشت او نیز صحبت می کند.

تباین در بیابان

”آنگاه روح خدا عیسی را به بیابان برد تا ابلیس او را در مقابل وسوسه‌ها امتحان کند“ (متی باب ۴ آیه ۱).

این صحنه را از دید خود شیطان تصور کنید. یک وجود بلندمرتبه و لاهوتی که او را پسر خدا می‌شناسد اکنون خود را کوچک نموده - و جسم انسانی به خود گرفته- تا نژاد بشری را نجات دهد. این همان عیسی‌ئی است که در برابر او در آسمان جنگید و عیسی او و فرشتگانش را بیرون راند (مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیات ۷ تا ۹). اما اینک این عیسی- چه کسی بود؟ انسانی لاغر و نحیف، تنها در بیابانی ناخوشایند که به طور آشکار پشتیبانی ندارد؟ به طور حتم اکنون عیسی هدف آسانی برای فریب‌های شیطان است.

”زمانی که شیطان پسر خدا را در نبرد برای نخستین بار ملاقات نمود، مسیح فرمانروای افواج آسمانی بود؛ و شیطان رهبر طغیان گران در آسمان، بیرون رانده شد. اکنون شرایط شان به نظر معکوس می‌آید و شیطان تلاش دارد از این برتری مفروضش بیشترین سود را ببرد.“ الن جی. هوایت،

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 119

چه تضادی: اگر چه زهره به دنبال ”مانند قادر متعال“ شدن (اشعیا باب ۱۴ آیه ۱۴) بود، عیسی خود را از جلال آسمانی تهی نموده بود. در اینجا و در این صحنه ما می‌توانیم تفاوت بسیار زیاد میان خودخواهی و از خود گذشتگی را ببینیم؛ تفاوت زیاد میان قدوسیت و آنچه که گناه انجام می‌دهد.

آیات ۱۲ تا ۱۴ باب ۱۴ اشعیا را با آیات ۵ تا ۸ فیلیپیان مقایسه کنید. این آیات درباره تفاوت میان سرشت عیسی و شیطان به ما چه می‌گویند؟

تصور کنید فرشتگانی که عیسی را در جلال آسمانی‌اش دیده بودند، اکنون آنچه را که در اینجا در حال اتفاق افتادن بود می‌دیدند، که این دو دشمن اکنون رو در رو در حالتی از مجادله که هرگز میانشان تجربه نشده بود، قرار گرفته‌اند. اگر چه ما این برتری آشکار را داریم که می‌دانیم عاقبت این ماجرا چگونه شد، اما فرشتگان - در حقیقت همه آسمان- نمی‌دانستند؛ در نتیجه آن‌ها می‌بایست این نبرد را با تعجب و شگفتی نظاره می‌کردند.

شیطان خود را اعتلا داد. مسیح خود را حتی تا مرحله مرگ، فروتن نمود. ما از این تضاد قدرتمند، چه چیزی می‌توانیم بیاموزیم و چگونه می‌توانیم این حقیقت مهم را برای خود اعمال کنیم؟ این حقیقت چگونه باید بر تصمیم‌گیری‌های مهم مان به ویژه آن‌هایی که مربوط به نفسمان می‌باشد، تاثیر گذار باشد؟

۵ آوریل

سه شنبه

وسوسه‌ها

آیات ۱ تا ۱۲ باب ۴ متی را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی در مورد این وسوسه‌ها افتاد؟ چرا عیسی باید این چیزها را تجربه می‌کرد؟ این داستان چه ارتباطی با نجات دارد؟ عیسی چگونه در برابر چنین وسوسه‌های قدرتمندی در شرایطی بسیار سخت تاب آورد و این به ما درباره تحمل در برابر وسوسه‌ها چه چیزی باید بگوید؟

آیه ۱ باب ۴ متی با بیانی که به نظر اندیشه‌ای عجیب می‌آید، آغاز می‌شود: روح‌القدس بود که عیسی را به بیابان راهنمایی کرد تا توسط شیطان وسوسه شود. ما باید دعا کنیم که توسط شیطان وسوسه نشویم. ”و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شیر ما را رهایی ده“ (متی باب ۶ آیه ۱۳). پس چرا روح‌القدس عیسی را به این راه هدایت نمود؟

در باب قبل هنگامی که عیسی برای تعمید نزد یحیی می‌آید، یک راهنمایی وجود دارد. عیسی با دیدن مقاومت یحیی می‌گوید، ”الان بگذار، زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم“ (متی باب ۳ آیه ۱۵). عیسی می‌بایست برای تحقق عدالت که انجام همه الزامات نمونه و نماینده بی‌عیب بشریت بودن است، تعمید بگیرد حتی اگر چه او از گناه عاری بود.

در وسوسه بیابان، عیسی می‌بایست همان راهی را که آدم طی کرده بود طی کند. او لازم بود که در برابر وسوسه پیروز شود، که همه ما از آدم تا به امروز در انجام آن ناتوان بودیم. و بنابراین با انجام این کار ”مسیح می‌بایست عدم موفقیت آدم را جبران کند“ (الن جی. هوایت، *Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 117*). با این تفاوت که او این کار را در شرایطی انجام داد که آدم هرگز با آن روبرو نشده بود.

عیسی با این پیروزی نشان می‌دهد که ما هرگز نمی‌توانیم بهانه و توجیهی برای گناه داشته باشیم و همچنین هنگامی که وسوسه می‌شویم، نباید سقوط کنیم بلکه از طریق ایمان و اطاعت می‌توانیم بر آن غلبه کنیم. همان طور که به ما گفته شده است: ”پس خدا را اطاعت نمایید و با ابلیس مقاومت کنید تا از شما بگریزد. و به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید. دستهای خود را طاهر سازید، ای گناهکاران و دلهای خود را پاک کنید، ای دو دلان“ (یعقوب باب ۴ آیات ۷ و ۸).

این روایت چگونه با نشان دادن به ما، به روشی بسیار قدرتمند که بهانه‌ای برای گناه وجود ندارد، می‌تواند باعث شود که ما به عدالت مسیح بسیار احساس نیاز کنیم؟ تصور کنید اگر قرار بود در عدالت خودمان بدون هیچ پوشش و هیچ توجیهی برای گناهانمان مسئول باشیم! چه امیدی می‌توانستیم داشته باشیم؟

۶ آوریل

چهارشنبه

سرزمین زبولون و نفتالی

آیه ۱۲ باب ۴ متی درباره زندانی شدن یحیی و در نتیجه پایان خدمتش صحبت می‌کند. در اینجا خدمت عیسی ”رسماً“ آغاز می‌شود. کتاب مقدس به ما می‌گوید که چرا عیسی پس از شنیدن خبر زندانی شدن یحیی به جلیل می‌رود اما این کاری است که او انجام داد. (مرقس باب ۱ آیات ۱۴ تا ۱۶ و لوقا باب ۴ آیه ۱۴ را نیز ببینید.) شاید زمانی که یحیی هنوز موعظه می‌کرد، عیسی قصد داشت که در نظرها نباشد تا مبدا مسئله رقابت پیش بیاید؟ یونانی این فعل در آیه ۱۲ باب ۴ متی که اغلب ”ترک کرده“ ترجمه می‌شود، می‌تواند منظور ”صرف نظر کردن“ به مفهوم دوری کردن از خطر را برساند. از این رو، شاید مانند همیشه محطاط، عیسی بدنیال دوری از دردر سر بود.

آیات ۱۳ تا ۱۶ باب ۴ (اشعیا باب ۹ آیات ۱ و ۲ را نیز ببینید) که درباره ساکن شدن عیسی در منطقه زبولون و نفتالی هستند را بخوانید. این آیات درباره خدمت عیسی چه می‌گویند؟

زبولون و نفتالی دو تا از پسران یعقوب بودند (پیدایش باب ۳۵ آیات ۲۳ تا ۲۶ را ببینید)، و نسل ایشان دو قبیله‌ای شدند که در نهایت در منطقه زیبای شمالی ساکن شدند.

متأسفانه، این دو قبیله جزء ده قبیله‌ای بودند که ایمانشان به خدا را از دست دادند و به مادیات این جهان روی آوردند. بسیاری از انبیا عهد قدیم اعمال گناه‌آلود، دنیوی و شریر این قبایل شمالی را که نهایتاً توسط آشوریان به تاراج رفتند و در سراسر جهان آن زمان پراکنده شدند را محکوم کردند. در پی آن، غیر یهودیان در اسرائیل ساکن شدند و جلیل به مکانی تاریک و مغشوش با جمعیتی از ملیت‌های مختلف تبدیل شد. مشهورترین نبی جلیل یونس بود که باید به ما چیزی درباره سطح تعهد ایشان بگوید.

مشکلات در جلیل هر چه که باشند، این نبوت زیبا در اشعیا وجود داشت که - حتی در سرزمین تاریک زبولون و نفتالی، "بر نشینندگان دیار موت و سایه آن نوری تابید" (متی باب ۴ آیه ۱۶). به عبارت دیگر، در اینجا - جایی که نیاز بسیار بود و مردم بی نزاکت، عقب افتاده و خشن تلقی می‌شدند - عیسی آمد و در میان ایشان زندگی و خدمت کرد. با وجود متعالی بودنش، تمایل عیسی به فروتن کردن خود به خاطر دیگران را می‌بینیم. در اینجا همچنین نمونه دیگری از چگونگی در مرکزیت قرار داشتن عهد قدیم در خدمت عیسی را می‌بینیم.

ما چگونه می‌توانیم از وسوسه بی ارزش تلقی کردن دیگران در برابر خدمت و شهادت دادن خود به ایشان، جلوگیری نماییم؟ چه چیزی در مورد این دیدگاه بسیار نادرست است؟

۷ آوریل

پنجشنبه

فراخوانده شدن ماهیگیران

"توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است" (متی باب ۴ آیه ۱۷). عیسی نیز مانند یحیی خدمتش را با دعوت به توبه آغاز نمود. او مانند یحیی از وضعیت سقوط کرده بشریت و نیاز همه مردم به توبه و دریافت دانش نسبت به خدا آگاه بود. از این رو جای تعجب ندارد که نخستین بیانیه عمومی او دست کم همان طور که در متی آمده است، دعوت به توبه باشد.

آیات ۱۷ تا ۲۲ باب ۴ متی را بخوانید. این آیات درباره جامعیت فراخوانی عیسی بر زندگی ما چه می‌گویند؟

در اینجا در سرزمین فراموش شده جلیل، شرکت ماهیگیری کوچکی وجود داشت که چهار مرد جوان آن را اداره می‌کردند: آن‌ها دو به دو با هم برادر بودند. این مردان احتمالاً قلبی برای خدا داشتند، زیرا مدتی برخی از آن‌ها پیرو یحیی تعمید

دهنده بودند. اما در شگفتی‌شان، یحیی تعمید دهنده آنها را به سمت مرد جوان دیگری که اهل منطقه خودشان بود، راهنمائی کرد.

این مردان به عیسی ناصری نزدیک شده و از او تقاضا کردند که با او وقت بگذرانند (باب ۱ یوحنا را ببینید). فرهنگ آن زمان این گونه بود: افراد به خاخم‌ها نزدیک شده و تقاضای پیروی از ایشان را می‌کردند. اما این خاخم یا رهبر یهودی بود که تصمیم نهایی را می‌گرفت که چه کسی جز پیروان او باشد و هنگامی که یک خاخم از فردی تقاضا می‌کرد که جز شاگردان او باشد، برای آن فرد لحظه هیجان‌انگیزی بود.

بسیاری از مردم با این عقیده پرورش یافتند که هنگامی که عیسی حواریونش را در کنار دریا فراخواند، این نخستین بار بود که آنها او را ملاقات می‌کردند. اما ما بر اساس باب های ۱ تا ۵ یوحنا، می‌دانیم که این مردان پیش از این حدود یک سال با عیسی وقت گذراندند - ظاهراً به گونه‌ای پاره وقت را.

”عیسی این ماهیگیران بی سواد را انتخاب نمود، زیرا آنها در سنت و آداب و رسوم نادرست زمانشان تعلیم ندیده بودند. آنها مردانی با توانائی ذاتی، فروتن و تعلیم پذیر بودند، مردانی که او می‌توانست برای مأموریتش به ایشان آموزش دهد. در مسیر روزمره زندگی مردان زیادی وجود دارند که صبورانه کار روزانه خود را انجام می‌دهند، غافل از اینکه قدرتهایی دارند که اگر به فعالیت گرفته شوند، آنها را به درجه تساوی با شناخته شده ترین افراد جامعه اعتلاء خواهند داد. کمک دست با مهارتی لازم است که این استعدادهاى خفته را بر خیزاند. این‌ها چنین مردانی بودند که عیسی به عنوان همکارانش فراخواند؛ و به ایشان مزیت مشارکت با خودش را داد.“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 250

۸ آوریل

جمعه

تفکری فراتر:

مبلغی مسیحی به شهر آمد و جلساتش را این چنین تبلیغ نمود: بیائید و واعظی را ببینید که ورقی از کتاب مقدس را پاره می‌کند! این بدون شک جمعیت زیادی را گرد آورد. سپس او در مقابل ایشان ایستاد و در حالی که همه متحیر بودند، ورقی از کتاب را پاره کرد. او گفت این ورق هرگز به اینجا تعلق نداشته است. این ورقی است که عهد قدیم را از عهد جدید جدا می‌سازد. گذشته از هر برداشتی که از حرکت نمایشی او بشود، در واقع واعظ به نقطه خوبی اشاره کرد. این دو کتاب در حقیقت یکی هستند. در سراسر عهد جدید از عهد قدیم نقل قول شده است. بارها وقایع در زمان عهد جدید توسط خود

عیسی و دیگر نویسندگان عهد جدید با ارجاع دادن به عهد قدیم توضیح داده و توجیح شده‌اند. عیسی چندین بار این موضوع را به شکل‌های متفاوت بیان نموده است که کتاب مقدس باید تحقق یابد؟ از خود عیسی گرفته که مداوم به نوشته‌های عهد قدیم اشاره می‌کرد (یوحنا باب ۵ آیه ۳۹، لوقا باب ۲۴ آیه ۲۷، متی باب ۲۲ آیه ۲۹، یوحنا باب ۱۳ آیه ۱۸)، تا پولس که همواره از عهد قدیم نقل قول می‌نمود (رومیان باب ۴ آیه ۳، باب ۱۱ آیه ۸، غلاطیان باب ۴ آیه ۲۷)، و همچنین کتاب مکاشفه یوحنا با حدود ۵۵۰ اشاره به عهد قدیم، عهد جدید به طور مداوم خود را به عهد قدیم مرتبط می‌کند. عهد قدیم و جدید، مکاشفه نوشته شده خدا از نقشه نجات برای بشریت هستند. اگر چه شکی نیست که برخی از قسمت‌های عهد قدیم از جمله قربانی کردن‌ها دیگر برای مسیحیان الزامی نیستند، اما ما هرگز نباید این اشتباه را مرتکب شویم که ارزش عهد قدیم را کمتر از عهد جدید بدانیم. کتاب مقدس از هر دو عهد تشکیل شده است و از هر دوی آن‌ها ما حقایق بسیار مهمی درباره خدا و نقشه نجات می‌آموزیم.

سوالاتی برای بحث

۱. می‌توانیم روش‌های متفاوتی را ببینیم که شیطان، عیسی را وسوسه نمود و این که چگونه در هر مورد عیسی در دام هیچ کدام از وسوسه‌ها و فریب‌های شیطان نیفتاد. به این نکته نیز توجه کنید که تا چه حد کلام خدا در اینجا حالت مرکزیت دارد. اگر چه عیسی خود خداوند است، اینک ”در شبیه جسم“ (رومیان باب ۸ آیه ۳)، از کتاب مقدس به عنوان وسیله‌ای برای دفاع از وسوسه‌های شیطان استفاده کرد. اگر خود عیسی می‌بایست چنین کاری انجام دهد، پس تا چه حد کتاب مقدس باید در زندگی ما، بخصوص زمانی که با وسوسه دست و پنجه نرم می‌کنیم، مرکزی و مهم باشد؟ در عین حالی که مهم است بصورت اصولی بدانیم که باید از کتاب مقدس در نبردمان با وسوسه استفاده کنیم، در عمل چگونه این کار را انجام می‌دهیم؟ برخی از روش‌هایی که می‌توانیم از کتاب مقدس برای کمک به مقاومت در برابر حملاتی که با آن‌ها روبرو هستیم استفاده کنیم، کدامند؟

۲. چرا فروتنی یکی از صفات‌های بسیار مهم برای مسیحیان است؟ چگونه می‌توانیم بیاموزیم که فروتن باشیم و بدانیم؟ صلیب در این زمینه باید چه نقش مهمی برای کمک کردن به ما ایفا کند؟

موعظه بر بالای کوه



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب های ۵ تا ۷؛ رومیان باب ۷ آیه ۷؛ پیدایش باب ۱۵ آیه ۶؛ میکا باب ۶ آیات ۶ تا ۸؛ لوقا باب ۶ آیه ۳۶؛ متی باب ۱۳ آیات ۴۴ تا ۵۲، رومیان باب ۸ آیات ۵ تا ۱۰.

آیه حفظی: ”و چون عیسی این سخنان را ختم کرد، آن گروه از تعلیم او در حیرت افتادند، زیرا که ایشان را چون صاحب قدرت تعلیم می داد و نه مثل کاتبان“ (متی باب ۷ آیات ۲۸ و ۲۹).

در کتاب خروج می بینیم که خدا فرزندان اسرائیل را از مصر خارج کرده، آن‌ها را در دریای سرخ تعمیم داده، ایشان را به مدت چهل سال از بیابان گذرانده، نشانه‌ها و معجزاتی به عمل می‌آورد و در نهایت به شخصه در بالای کوه جایی که احکامش را به ایشان می‌دهد، با آنان ملاقات می‌کند.

در انجیل متی، می‌بینیم که عیسی از مصر خارج شده و در رود اردن تعمیم دیده، برای مدت چهل روز به بیابان رفته، نشانه‌ها و معجزاتی به عمل آورده و شخصاً بر بالای کوه با بنی اسرائیل ملاقات نموده و بار دیگر همان احکام را بسط می‌دهد. عیسی تاریخ اسرائیل را پیمود، اسرائیل شد و در او همه پیمان‌ها و عهدها تحقق یافتند.

موعظه بر بالای کوه قویترین موعظه‌ای است که تا کنون وعظ شده است. کلام او عمیقاً نه تنها شنوندگان آن زمان را تحت تأثیر گذاشت بلکه هر کس در طول قرن‌ها و حتی زمان ما که پیام‌های تغییر دهنده زندگی آن را بشنود نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

و با این حال، ما نباید به این موعظه فقط گوش بدهیم؛ بلکه باید آن را در زندگی نیز اعمال نمائیم. این هفته در راستای مطالعه آن چه عیسی در موعظه روی کوه گفت (متی باب های ۵ تا ۷)، آنچه او در باب ۱۳ متی در مورد اعمال سخنانش در زندگی مان گفت را نیز مطالعه خواهیم کرد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۶ آوریل آماده شوید.

اصول و معیارها

به سرعت نگاهی به موعظه بر روی کوه در باب‌های ۵ تا ۷ متی بیاندازید. در زیر خلاصه‌ای از آنچه که به نظر شما مهم جلوه می‌کند، بنویسید.

”شاید هیچ گفتار دینی دیگری در طول تاریخ بشریت ثبت نشده باشد که چنین توجهی مشابه موعظه بر روی کوه به خود جلب کرده باشد. فلاسفه و اصالت عمل‌گرایان غیر مسیحی بسیاری بودند که با وجود نپذیرفتن پرستش عیسی، معنویات او را تحسین نمودند. ماه‌ها گاندی در قرن بیستم مشهورترین غیر مسیحی بود که طرفدار این موعظه بود.“ – کریگ ال. بلومبرگ، *The New American Commentary: Matthew*, Craig L. Blomberg, (Nashville: B&H Publishing Group, 1992), vol. 22, pp. 93, 94

این موعظه به روش‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. برخی آن را یک معیار اخلاقی والا و غیرممکن می‌بینند که ما را به زانو در می‌آورد و مجبور می‌سازد عدالت عیسی را به عنوان تنها امید نجات بطلبیم، زیرا همه ما از استاندارد الهی که خدا ما را به آن فرا می‌خواند و در موعظه بر روی کوه آشکار شد، به دور هستیم. دیگران آن را یک دعوت به صلح طلبی، به عنوان گفتمانی در زمینه معنویات مدنی می‌بینند. برخی در آن انجیلی اجتماعی دیده‌اند، یعنی فراخوانی به آوردن ملکوت خدا بر روی زمین با تلاش‌های بشری. احتمالاً به نوعی هر کس برداشت خود را از این موعظه دارد، زیرا این موعظه به طور قدرتمندی بر جنبه‌های مهم زندگی ما تاثیر می‌گذارد؛ از این رو همه ما به روش خود، نسبت به آن عکس‌العمل نشان می‌دهیم.

خانم الن جی. هوایت می‌نویسد: ”در موعظه بر روی کوه عیسی به دنبال باطل کردن چیزی است که بواسطه آموزش نادرست شکل گرفته بود و بدنبال رساندن مفهومی درست از ملکوت و سرشت خویش به شنوندگانش بود.... حقایقی که او تعلیم داد درست به همان اندازه که برای پیروانش در آن زمان دارای اهمیت بودند، برای ما نیز مهم هستند. ما نیز به اندازه آن‌ها ملزم به فراگیری اصول پایه و اساس ملکوت خدا هستیم.“

- *The Desire of Ages*, p. 299.

بنابراین بی توجه به آنچه که ما به آن اضافه می‌کنیم، این موعظه به ما اصول پایه و اساس ملکوت خدا را می‌دهد. این موعظه به ما می‌گوید که خدا به عنوان فرمانروای ملکوتش، چگونه است و همچنین به ما می‌گوید که خدا می‌خواهد ما به عنوان فرمانبرداران ملکوتش، چگونه باشیم. این فراخوانی ریشه‌ای از اصول و استانداردهای سلطنت‌های زودگذر این جهان به سوی اصول و استانداردهای تنها ملکوتی که برای ابد ادامه خواهد داشت، است. (دانیال باب ۷ آیه ۲۷ را ببینید).

موعظه در برابر احکام

برخی از مسیحیان موعظه بر روی کوه را به عنوان "احکام جدید مسیح" می‌بینند که جایگزین "احکام خدا" شده است. آن‌ها بر این باورند که یک نظام قانون‌گرایی اینک جایگزین نظام فیض شده است و یا قانون عیسی نسبت به قانون خدا متفاوت است. این دیدگاه‌ها، تصوراتی نادرست درباره موعظه روی کوه هستند.

آیات زیر چه چیزی درباره احکام و به طور غیرمستقیم درباره این اندیشه که به نوعی قانون (ده فرمان) توسط موعظه روی کوه جایگزین شده بود، چه می‌گویند؟ (متی باب ۵ آیات ۱۷ تا ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۸، یعقوب باب ۲ آیات ۱۰ و ۱۱ و رومیان باب ۷ آیه ۷ را نیز ببینید).

کریگ اس. کینز (Craig S. Keener) می‌نویسد: "بسیاری از یهودیان احکام را در زمینه فیض درک کردند با توجه به خواسته عیسی فیض بیشتر در عمل و بدون شک قصدش الزامات ملکوت در نور فیض بود (متی باب ۶ آیه ۱۲؛ لوقا باب ۱۱ آیه ۴؛ مرقس باب ۱۱ آیه ۲۵؛ متی باب ۶ آیات ۱۴ و ۱۵؛ مرقس باب ۱۰ آیه ۱۵ را با هم مقایسه کنید). در روایات انجیل عیسی افرادی را که خود را فروتن کنند و حاکمیت خدا را تصدیق نمایند، می‌پذیرد حتی اگر اعمال آن‌ها کاملاً بر طبق هدف کمال اخلاقی نباشند (باب ۵ آیه ۴۸). اما فیض ملکوتی که عیسی اعلام نمود، مانند فیض بدون اعمال جوامع مسیحی غربی نبود؛ در انجیل‌ها پیام ملکوت، کسانی که آن را به تواضع می‌پذیرند، تغییر می‌دهد، درست همان طور که متکبران و افرادی که از نظر مذهبی و اجتماعی از خود راضی هستند، را خورد می‌کند."

The Gospel of Matthew: A Socio-Rhetorical Commentary (Grand Rapids: William B. Eerdmans Publishing Company, 2009), pp. 161, 162

آیه ۶ باب ۱۵ پیدایش را بخوانید. این آیه چگونه به ما در درک این حقیقت که نجات همواره از راه ایمان بوده است، کمک می‌کند؟

ایمان عیسی مسیح، ایمان جدیدی نبود؛ همان ایمان پس از سقوط در گناه به بعد بود. موعظه بر روی کوه، نجات از راه فیض جایگزین نجات از طریق اعمال نبود. این همواره نجات از راه فیض بود. فرزندان اسرائیل پیش از اینکه در کوه سینا از ایشان خواسته شد که اطاعت کنند، بواسطه فیض در دریای سرخ نجات یافتند. (خروج باب ۲۰ آیه ۲ را ببینید).

تجربه شخصی خودتان در زمینه خداوند و احکامش به شما درباره دلیل اینکه نجات باید همواره با ایمان بوده باشد و نه احکام، چه بیاموزد؟

۱۲ آوریل

سه شنبه

عدالت کاتبان و فریسیان

آیه ۲۰ باب ۵ متی را بخوانید. منظور عیسی از اینکه می‌گوید “تا عدالت ما بر عدالت کاتبان و فریسیان افزون نشود، به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهیم شد”، چیست؟

اگرچه نجات همواره با ایمان بوده است و یهودیت همانطور که باید اجرا می‌شد، همیشه نظامی از فیض بوده است، قانون‌گرایی وارد شد درست همانطور که می‌تواند در هر دینی که اطاعت را به طور جدی می‌گیرند مانند مسلك ادونتیس‌های روز هفتم، وارد شود. در زمان مسیح، بسیاری (اما نه همه) از رهبران دینی گرفتار نوعی “اصولی‌گرایی دینی سخت... عاری از پشیمانی و عاطفه و محبت” شدند، که باعث شد “قدرتی برای جلوگیری از فساد جهان نداشته باشند.” - الن

جی. هوایت، Ellen G. White, Thoughts From the Mount of Blessing, p. 53
تشریفات صرف ظاهری بخصوص آن‌هایی که ساخته دست بشر هستند، قدرتی برای تغییر زندگی و یا تبدیل سرشت ندارند. تنها ایمان حقیقی آن است که بر اساس محبت کار می‌کند (غلاطیان باب ۵ آیه ۶)؛ که تنها راه مورد پذیرش نمودن اعمال ظاهری در نظر خداست.

آیات ۶ تا ۸ باب ۶ میکا را بخوانید. به چه روش‌هایی این خلاصه‌ای از موعظه بر روی کوه است؟

حتی در زمان عهد قدیم، قربانی کردن‌ها خود به تنهایی هدف نهایی نبودند بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نهایی زندگی بود که در آن پیروان خدا، محبت و سرشت او را باز می‌تابانند، چیزی که می‌توانست تنها از طریق تسلیم کامل به خدا و درک وابستگی مطلق ما به فیض نجات‌دهنده انجام می‌شود. بسیاری از کاتبان و فریسیان با وجود آن همه حضور ظاهری تقوی و ایمانشان، به طور حتم الگویی از آنگونه که پیرو خداوند باید زندگی کند، نبودند.

حتی اگر شما نجات تنها از طریق ایمان را بسیار باور دارید و اینکه تنها عدالت عیسی است که می‌تواند شما را نجات دهد، چگونه می‌توانید مطمئن باشید که حتی شکل‌های نامحسوس قانون‌گرایی وارد زندگی‌تان نشوند؟

چهارشنبه

۱۳ آوریل

اصول ملکوت خدا

شاید یکی از اساسی‌ترین تعالیم عیسی در آیه ۴۸ باب ۵ متی یافت شود. این آیه را بخوانید. ما بخصوص به عنوان انسان‌هایی گناهکار، چگونه قرار است این کار را انجام دهیم؟

این مورد، نسبت به تمام تعالیم در موعظه بر روی کوه شگفت‌آورتر و "افراطی‌تر است." بی‌عیب بودن مانند "پدرتان در آسمان"؟ معنی این چیست؟ یکی از اجزای مهم درک این آیه در اولین واژه آن یعنی "از این رو" یافت می‌شود. یعنی، بر یک نتیجه‌گیری دلالت دارد، استنتاجی از آنچه پیش از آن آمد. پیش از آن چه چیزی آمد؟

آیات ۴۳ تا ۴۷ باب متی را بخوانید. این آیات که سپس در آیه ۴۸ باب ۵ متی نتیجه‌گیری شدند، چگونه به ما در درک بهتر منظور عیسی از آیه ۴۸ باب ۵ متی کمک می‌کنند؟ لوقا باب ۶ آیه ۳۶ را نیز ببینید.

این نخستین بار نیست که اندیشه‌ای این چنین در کتاب مقدس دیده می‌شود. بسیار پیش از آن در کتاب لاویان (باب ۱۹ آیه ۲)، خداوند به قومش می‌فرماید، "مقدس باشید، زیرا که من یهوه خدای شما قدوس هستم." در لوقا (باب ۶ آیه ۳۶)، عیسی فرمود: "پس رحیم باشید چنانکه پدر شما نیز رحیم است." هدف کلی در اینجا در آیات ۴۳ تا ۴۸ باب ۵ متی، درباره انطباق ظاهری بر قوانین و معیارها نیست، با وجود اینکه ممکن است بسیار مهم باشند. در عوض، تمرکز کلی این بخش مربوط است به محبت به مردم، نه فقط آن‌هایی که همه می‌توانند به ایشان محبت کنند بلکه کسانی که بر طبق معیارهای این جهان، ما معمولاً نمی‌توانیم به آن‌ها محبت کنیم (بار دیگر این مربوط است به استانداردهای ملکوت خدا و نه بشریت).

آنچه که مهم است در اینجا به خاطر داشته باشیم، این است که خدا چیزی از ما نمی‌خواهد که نتواند در ما تحقق ببخشد. اگر به خواسته خودمان و یا تحت اراده قلب‌های گناه‌آلود و خودخواه خودمان بود، چه کسی ممکن بود دشمنانش را دوست بدارد؟ دنیا این چنین عمل نمی‌کند، اما مگر ما شهروندان ملکوت دیگری نیستیم؟ به ما این وعده داده شده است که اگر خود را تسلیم خدا نمائیم، سپس ”او که عمل نیکو را در شما شروع کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید“ (فیلیپیان باب ۱ آیه ۶)، و خدا چه کاری بزرگتر از این می‌توانست برای ما انجام دهد که در دور و بر خودمان آنگونه که او به ما محبت می‌کند محبت کنیم؟

اینک اگر دشمنانتان را محبت می‌کردید، زندگی شما چه تفاوتی می‌داشت؟

۱۴ آوریل

پنجشنبه

دریافت کلام ملکوت

قله کوه تنها مکانی نبود که عیسی در آن موعظه کرد. او همان پیام یکسان ملکوت را در سرتاسر اسرائیل موعظه نمود. باب ۱۳ متی تعالیم عیسی در یک قایق را ثبت می‌کند، ”و تمامی آن گروه بر ساحل ایستادند“ (متی باب ۱۳ آیه ۲). عیسی سپس تمثیلهایی به مردم گفت که نه تنها اهمیت آن را درک کنند بلکه آن را اعمال هم بکنند.

آیات ۴۴ تا ۵۲ باب ۱۳ متی را بخوانید. در اینجا در این تمثیل چه چیزی گفته شده است که در درک چگونگی اعمال کردن حقایق نمایان شده در موعظه روی کوه در زندگی‌مان، از اهمیت خاصی برخوردار است؟

در دو روایت اول دو نکته برجسته هستند. در هر دوی آن‌ها، اندیشه جدایی وجود دارد، خلاص شدن یک شخص از متعلقاتش به منظور دریافت چیزی جدید، چه یک گنج باشد یا یک مروارید. نکته بسیار مهم دیگر ارزش زیادی است که هر مرد بر آنچه که یافته بود گذاشت. در هر دو مورد، آن‌ها به منظور دریافت آن، تمامی دارایی‌های خود را فروختند. اگر چه ما نمی‌توانیم نجات را بخریم (اشعیا باب ۵۵ آیات ۱ و ۲)، اما نکات این تمثیل‌ها آشکار هستند: هیچ کدام از دارایی‌های ما در این ملکوت زمینی و این جهان ارزش از دست دادن ملکوت آسمانی را ندارند.

از این رو، به منظور اعمال کردن آنچه که خدا از ما خواسته است در زندگی، باید تصمیم گرفته و خود را از تمام متعلقات این دنیا و جسم جدا سازیم و اجازه دهیم روح خدا به جای آن‌ها ما را پر کند (رومیان باب ۸ آیات ۵ تا ۱۰ را ببینید). این ممکن است آسان نباشد؛ نیازمند کشتن نفس و برداشتن صلیب است. اما اگر ما همواره ارزش و بهای هر چه که به ما وعده داده شده است را در پیش رو داشته باشیم، تمام انگیزه لازم برای تصمیمی که باید بگیریم را خواهیم داشت.

آخرین تمثیل را بخوانید (متی باب ۱۳ آیات ۴۷ تا ۵۰). در اینجا نیز در مورد جدایی صحبت شده است. جدایی که در دو تمثیل اول دیده می‌شود، به چه روش‌هایی به ما در درک آنچه در تمثیل سوم اتفاق می‌افتد، کمک می‌کند؟

۱۵ آوریل

جمعه

تفکری فراتر:

در تمثیل‌های آیات ۴۴ تا ۴۶ باب ۱۳ متی، آن مرد چیز با ارزشی پیدا کرد. با توجه به موضوع، بخصوص پس از آنکه عیسی تمثیل سوم را گفت (متی باب ۱۳ آیات ۴۷ تا ۵۰)، آنچه آن‌ها یافته بودند حقیقت بود، حقیقتی که در مقابل نابودی ابدی "در کوره‌ای مشتعل"، به زندگی ابدی هدایت می‌کند. این مهم است زیرا ما در عصری زندگی می‌کنیم که اندیشه "حقیقت" به خودی خود در بهترین حالت، دمه و در بدترین حالت خطرناک در نظر گرفته می‌شود. و متأسفانه، این اندیشه‌ای نادرست است که برخی از مسیحیان آن را باور کرده‌اند. با این اوصاف، پیام این تمثیل‌ها این است که نه تنها حقیقت وجود دارد بلکه حقیقت تا ابدیت در زندگی همه بشریت تغییر ایجاد می‌کند. این نباید حیرت آور باشد. کتاب مقدس به استناد حقیقت مطلق بنا گردیده است. گذشته از هر چیز عیسی فرمود "من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس جز به وسیله من نزد پدر نمی‌آید" (یوحنا باب ۱۴ آیه ۶). اگر این حاکی از حقیقتی مطلق نیست، پس چه چیزی را بیان می‌کند؟ بدون شک وقتی کسی مانند پولس با آن همه دانش از حقیقت، توانست بگوید که "جزئی علمی داریم" (قرنثیان اول باب ۱۳ آیه ۹)، واضح است که چیزهای بسیاری وجود دارد که ما از آن‌ها بی اطلاع هستیم. اما بیانیه محض او که ما "جزئی" علم داریم، بر این دلالت دارد که حقایق بیشتری برای دانستن وجود دارد، حقایقی که به معنای واقعی کلمه در زندگی ابدی و یا حتی نابودی ابدی تفاوت ایجاد می‌کند. زندگی ابدی یا مرگ ابدی؟ نمی‌تواند مطلق‌تر از این باشد.

سوالاتی برای بحث

۱. زندگی کردن در جهانی که همه افراد از اصول موجود در موعظه بر روی کوه پیروی می‌کردند چگونه می‌توانست باشد؟
۲. عیسی تمثیل سازندگان باهوش و نادان را (متی باب ۷ آیات ۲۴ تا ۲۷ را ببینید) در چشم‌انداز سواحل دریای جلیل بیان کرد. در فصل خشک تفاوت ظاهری میان صخره و شن‌های ساحل تقریباً غیرقابل مشاهده بود و یک ساختمان‌ساز ممکن بود خانه‌اش را بر روی ماسه‌ها بسازد، در حالی که فکر می‌کرد صخره است. هنگامی که باران می‌آمد، پایه ماسه‌ای آشکار شده و خانه فرو می‌ریخت. عیسی کسانی را که کلام او را می‌شنوند اما به آن عمل نمی‌کنند، با پایه ماسه‌ای مقایسه می‌کند. طوفان‌های زندگی ما چگونه آشکار می‌کند که آیا پایه‌های ما بر صخره است یا بر ماسه؟ چگونه می‌توانیم پایه‌ای داشته باشیم که ما را حتی در میان سخت‌ترین مشکلات، ثابت و محکم نگاه دارد؟

”برخیز و راه برو!“ ایمان و شفا



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۸؛ لایوان باب ۱۳ آیات ۴۴ تا ۵۰؛ دانیال باب ۷ آیات ۷ و ۸؛ یوحنا باب ۱۰ آیه ۱۰؛ متی باب ۹ آیات ۱ تا ۸؛ یوحنا اول باب ۱ آیه ۹.

آیه حفظی: ”زیرا کدام سهل تر است، گفتن اینکه گناهان تو آمرزیده شد یا گفتن آنکه برخاسته بخرام؟“ (متی باب ۹ آیه ۵).

اگر قرار بود فهرستی تهیه کنید از مواردی که بیشترین وحشت را از آن‌ها در زندگی دارید، این فهرست چگونه می‌بود؟ برای بسیاری از ما این فهرست شامل مردن یکی از اعضای خانواده و یا حتی مردن خودمان می‌بود. اگر چه این به طور حتم قابل درک است، اما بیاندیشید که تا چه حدی این احساس در دنیا عا دی است. این کاملاً به زندگی کنونی ما مربوط است. آیا این واقعا و حقیقتاً چیزی است که ما باید بیشترین وحشت را از آن داشته باشیم، یعنی از دست دادن زندگی بر روی زمین، بخصوص اینکه که به هر حال این زندگی چنان طولانی نخواهد بود؟

اگر قرار بود خدا فهرستی از بیشترین چیزی که او از آن اکراه دارد تهیه کند، به طور حتم از دست دادن حیات ابدی هم برای خانواده و هم برای ما خواهد بود.

مطمئناً خدا به بیماری جسمی و مرگ توجه دارد، اما بیش از هر چیز او به بیماری روحی و مرگ ابدی اهمیت می‌دهد. اگر چه عیسی بسیاری از مردم را شفا داد و حتی مردگان را به زندگی بازگرداند، اما این تنها موقتی بود. به غیر از مقدسینی که عیسی در زمان رستاخیزش با خود به آسمان برد، همه آن‌ها به روش‌های مختلف جسماً مردند. (الن جی هوایت، *Ellen G. White, The Desire of Ages*, p. 786).

با وجود تمام کارهایی که نقشه نجات در قبال ما انجام داده است، ما را از بیماری‌ها و مرگ عادی رهایی نداده است. با داشتن این در ذهن، بیائید چند روایت شفا، هم جسمی و هم روحانی را در نظر بگیریم و ببینیم چه درس‌های مهمی درباره ایمان از آن‌ها می‌توانیم بدست آوریم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۳ آوریل آماده شوید.

لمس کردن لمس نکردنی‌ها

عیسی پس از موعظه روی کوه، جایی که اصول ملکوت خدا را توضیح داد، بار دیگر با پادشاهی شیطان مواجه شد، فضایی سرد و تاریک پر از مردم عفونت بار که برای نجات ناله می‌کنند، جایی که اصولش اغلب مخالف معیارهای او هستند. و در آن زمان یکی از بزرگترین نمونه‌های درجه نزول قلمرو شیطان در سقوط و نکبت ممکن بود، که گاهی اوقات در بیماری جذام دیده می‌شد. اگر چه این بیماری گاهاً به صورت عذاب الهی به کار برده می‌شد، مانند مورد مریم (اعداد باب ۱۲ آیات ۹ تا ۱۲ را بخوانید)، در چهارچوبی بزرگتر از کتاب مقدس، این یک نمونه قدرتمند و وحشتناک از مفهوم زندگی کردن در جهانی سقوط کرده و رو به زوال است.

آیات ۱ تا ۴ باب ۸ متی را بخوانید. در این حقیقت که برای شفای این جذامی، عیسی او را لمس نمود، چه نکته مهمی را می‌توان دید (برای مثال لایوان باب ۱۳ آیات ۴۴ تا ۵۰ را ببینید)؟

آن فرد جذامی در مقابل عیسی زانو می‌زند و می‌گوید "اگر بخواهی، می‌توانی مرا ظاهر سازی". واژه یونانی معادل "توانست" *dunamai* است مانند "dynamite" در انگلیسی. این به معنی پر از قدرت است. "اگر بخواهی، پر از قدرت هستی و می‌توانی زندگی مرا تغییر بدهی." عیسی می‌فرماید که مایل است فرد جذامی را شفا دهد و بلافاصله آن کار را انجام می‌دهد.

این واقعیت که عیسی او را لمس نمود باید لرزه بر تن انبوهی که نظاره‌گر آن واقعه بودند، انداخته باشد. بدون شک عیسی همان طور که در موقعیت‌های دیگر عمل کرده بود، می‌توانست تنها با او صحبت کند و آن مرد شفا یابد (مانند شفا دادنی که پس از این ثبت شده است). پس چرا عیسی او را لمس نمود؟

"کار عیسی در پاک کردن فرد جذامی از بیماری وحشتناکش، تصویری از کار او در پاک نمودن روح از گناه است. مردی که نزد عیسی آمد 'پر از جذام' بود. سم‌کشنده آن به تمام جسم او نفوذ کرده بود. حواریون به دنبال این بودند که استادشان او را لمس نکند؛ زیرا اگر او جذامی را لمس می‌کرد، خود نیز نجس می‌شد. اما عیسی با گذاشتن دستش بر روی جذامی هیچ آلودگی دریافت نکرد. لمس عیسی، قدرتی حیات‌بخش به آن مرد رسانید. جذام از بین رفته بود. بنابراین جذام گناه نیز این چنین است - ریشه دار، کشنده است و غیر ممکن است که توسط نیروی بشری پاک شود." - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 266

شاید عیسی با لمس فرد جذامی، نشان داد که مهم نیست گناهان ما تا چه حد بد باشند، او به هر فردی که خواهان بخشیده شدن، شفا یافتن و یا پاک شدن باشد، نزدیک خواهد شد.

شما اکنون چه کسی را می‌شناسید که از چیزی که امروزه مانند «جذام» است، رنج می‌برد- یعنی، هر چیزی که باعث می‌شود مردم از روی قضاوت و وحشت کناره بجویند؟ چگونه آن چه در روایت عیسی وجود دارد، می‌تواند به شما در درک چگونگی ارتباط با آن فرد کمک کند؟

۱۸ آوریل

دوشنبه

رومیان و مسیح موعود

دلیل خوبی وجود دارد که کتاب دانیال عمدتاً درباره رم است (دانیال باب ۷ آیات ۷ تا ۸، ۱۹ تا ۲۱؛ دانیال باب ۸ آیات ۹ تا ۱۲، ۲۳ تا ۲۵). و آن به دلیل قدرت زیاد آن است که در زمان مسیح اقتدار کامل داشت. با این وجود، افسری رومی که نه تنها نماد قدرت روم بود بلکه ابراز آن قدرت نیز بود، نزد عیسی می‌آید. این مرد در برابر مشکلات و مصیبت‌های مشترکی که همه ما را به ستوه آورده، درمانده است. این چه درس مهمی درباره محدود بودن قدرت‌های زمینی بود. بزرگترین و تاثیرگذارترین رهبران، ثروتمندترین مردان و زنان در برابر بسیاری از مشکلات مشترک زندگی درمانده هستند. حقیقتاً بدون کمک الهی هر کدام از ما چه امیدی داریم؟

آیات ۵ تا ۱۳ باب ۸ متی را بخوانید. چه حقایق مهمی در مورد ایمان و مفهوم ایمان داشتن در این روایت آشکار شده است؟ این روایت به ما به عنوان ادونتیست‌های روز هفتم با امتیازاتی که داریم، چه چیزی باید بگوید؟

یک یوزباشی، فرمانده نظامی رومی بود که معمولاً بین ۸۰ تا ۱۰۰ سرباز زیر نظر او بودند. او که حدود ۲۰ سال در ارتش خدمت کرده بود، اجازه داشتن یک خانواده قانونی را نداشت. از این رو خدمتکار افسر رومی، احتمالاً تنها خانواده واقعی او بود.

در آن فرهنگ، تنها کسی که منفورتر از یک غیر یهودی مانند این بود، احتمالاً یک جذامی بود؛ بنابراین این افسر می‌پنداشت که عیسی با وجود اینکه چنین گفته بود، نخواهد خواست به خانه او وارد شود. افسر رومی با در خواست کلام

عیسی و نه حضور واقعی او، ایمانی عالی نشان می‌دهد که امروزه نیز برای ما تأثیرگذار است: کلام عیسی به قدرتمندی لمس اوست. از نظر این افسر رومی شفا دادن کسی بدست عیسی کار دشواری نمی‌آمد. این مانند فرمان دادن یک فرمانده نظامی به یک سرباز بود، که همیشه اتفاق می‌افتاد.

آنچه عیسی در آیات ۱۱ و ۱۲ باب ۸ متی می‌گوید را نیز ببینید. این چه هشدار جدی است برای آنانی که امتیازی مخصوص دریافت کرده‌اند. ما به عنوان ادونت‌های روز هفتم نیز، بسیار برتری یافتیم و باید بسیار ملاحظه‌گر باشیم.

شما چه کارها و انتخاب‌هایی روزانه انجام می‌دهید؟ مهم‌تر اینکه، این انتخاب‌ها چه تاثیری در ایمان شما می‌گذراند؟ چه کاری می‌توانید انجام دهید که انتخاب‌هایتان باعث رشد ایمانتان بشوند؟

۱۹ آوریل

سه شنبه

دیوها و خوک‌ها

آیات ۲۵ تا ۳۴ باب ۸ متی را بخوانید. این دو روایت چه چیزی درباره قدرت خدا به ما می‌آموزند؟ ما از آنچه اینجا درباره قدرت او می‌بینیم، چگونه می‌توانیم آرامش برای خود بدست آوریم، بخصوص زمانی که با چیزهایی بزرگتر از خودمان دست و پنجه نرم می‌کنیم؟

در تفکر یهودی تنها خدا این امتیاز را داشت که بر طبیعت و دیوها حکمرانی کند. عیسی پس از آرام کردن طوفانی شدید تنها با کلمه‌ای (متی باب ۸ آیات ۲۳ تا ۲۷)، قدم به سواحل شرقی دریای جلیل می‌گذارد که نه تنها سرزمین غیر یهودیان است بلکه تعدادی مرد دیو زده نیز در آنجا زندگی می‌کردند.

آیات ۱ تا ۲۰ باب ۵ مرقس و آیات ۲۶ تا ۳۹ باب ۸ لوقا جزئیاتی به روایت مردان دیو زده می‌افزایند. دیوها خود را به عنوان لوژیون می‌شناسند. در ارتش یک لوژیون شامل ۶۰۰۰ سرباز بود. دیوها به درون ۲۰۰۰ خوک فرستاده شده بودند. بسیاری متعجب بودند که چرا دیوها خواسته بودند که به درون خوک‌ها بروند. یکی از سنت‌ها چنین آموزش می‌داد که دیوها نفرت انگیزترین و پوچ‌ترین موجودات سرگردان هستند؛ آن‌ها خانه‌های خاصی را ترجیح می‌دادند حتی اگر خوک نجسی بود. سنتی دیگر چنین تعلیم می‌داد که دیوها از آب می‌ترسیدند و

حتی خود عیسی یکبار به این موضوع که دیوها به دنبال مکان‌های بدون آب می‌گردند اشاره نمود (متی باب ۱۲ آیه ۴۳ را ببینید). همچنین سنت‌های یهودی بودند که در آموزه‌هایشان چنین می‌گفتند که دیوها پیش از روز داوری خداوند نابود خواهند شد.

تا کنون مهم‌ترین نکته این است: شرایط مخرب مردان این روایت دقیقاً مانند شرایط مخربی است که شیطان برای فرزندان خدا می‌خواهد. اما عیسی کاملاً زندگی ایشان را تغییر داد. هر آنچه شیطان به دنبال انجام دادن در زندگی ماست، عیسی می‌تواند برای آنانی که انتخاب می‌کنند که خود را تسلیم مسیح نمایند، آن‌ها را خنثی کند. در غیر این صورت ما در برابر شیطان در مانده هستیم. ما فقط می‌توانیم در یک طرف نبرد بزرگ قرار داشته باشیم. صرف‌نظر از میزان خشن و غیر قابل انعطاف بودن این حقیقت، عیسی نمی‌توانست آن را واضح‌تر از این بیان نماید: «کسی که با من نیست، برخلاف من است و آنکه با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌سازد» (لوقا باب ۱۱ آیه ۲۳). اینکه در کدام طرف نبرد بزرگ قرار داشته باشیم، کاملاً بستگی به ما دارد.

آیه ۱۰ باب ۱۰ یوحنا را بخوانید. «دزد می‌آید مگر آنکه بدزدد و بکشد و هلاک کند. من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیاده‌تر حاصل کنند». این چگونه نه تنها برای دیوزدگان بلکه برای ما و زندگی‌مان نیز کاربرد دارد؟ به چه روش‌هایی ما می‌توانیم و باید آنچه را که در اینجا به ما وعده داده شده است، تجربه‌هایمان کنیم؟

۲۰ آوریل

چهارشنبه

«برخیز و راه برو!»

در درس روز دوشنبه به این اشاره کردیم که عیسی به فرمانده ارتش روم گفت که تاکنون کسی را در اسرائیل با چنین ایمان بزرگی ندیده است. اما درست در همین زمان در اسرائیل، مردی بود که تمایلش برای شفای قلبش حتی بیشتر از شفای جسمش بود.

آیات ۱ تا ۸ باب ۹ متی را بخوانید. ما باید چه امیدی از این آیات برای خود در زمینه وعده بخشش گناهانمان، صرف‌نظر از نوع و ضروری که به همراه داشته‌اند، بدست آوریم؟ رومیان باب ۴ آیه ۷، یوحنا اول باب ۱ آیه ۹، یوحنا اول باب ۲ آیه ۱۲ را نیز ببینید.

چقدر جالب که زمانی که فرد معلول نزد او آورده شد، نخستین چیزی که عیسی با آن رسیدگی کرد شرایط روحانی آن مرد بود. واضح است که عیسی دقیقاً می‌دانست مشکل اصلی چه چیزی بود. با وجود حالت جسمی اسف‌بار مرد، مسیح می‌دانست که مشکل عمیق‌تر او، احساس غذاب از داشتن زندگی گناه آلود است. از این رو، عیسی که تمایل مرد به بخشیده شدن را می‌دانست، آن چرا که بزرگترین و آرامش دهنده‌ترین کلمات برای کسی است که حقیقت و بهای گناه را درک می‌کند ادا نمود: «گناهانت آمرزیده شد.»

خانم الن جی هوایت می‌گوید: «این ترمیم جسمی نبود که او به شدت برای تسکین بار گناهانش تمایل داشت. اگر او می‌توانست عیسی را ببیند، و اطمینان به بخشیده شدن و آرامش آسمانی را دریافت کند، راضی بود به اراده خدا می‌برد یا زندگی کند.» -

The Desire of Ages, p. 267

یک شبان ادونتیست روز هفتم اغلب درباره داشتن ایمان کافی برای شفا نیافتن موعظه می‌کرد. این از همه ایمان‌ها بزرگتر است: زمانی که ما عمیق‌تر از شرایط جسمی مان به زندگی می‌نگریم و بر شرایط ابدی مان تمرکز می‌کنیم. بنابراین اغلب تقاضاهای ما در دعا درباره نیازهای جسمی مان است و خدا هم به این جور چیزها اهمیت می‌دهد. اما عیسی در موعظه اش بر روی کوه فرمود که ما باید نخست ملکوت خدا و عدالت او را جستجو کنیم. بنابراین، در نهایت، با وجود نیازهای جسمی بدهی مان، بسیار مهم است که ما مسائل ابدی را در این جهان که خیلی چیزها موقت و زودگذر هستند، در پیش روی خود داشته باشیم.

مشکلات جسمی مان هر چه که باشند حتی در بدترین شرایط باز هم همواره موقتی هستند. چرا این بسیار مهم است که ما هرگز این حقیقت را فراموش نکنیم؟

۲۱ آوریل

پنجشنبه

بگذار که مردگان، مردگان را دفن کنند

آیات ۱۸ تا ۲۲ باب ۸ متی را بخوانید. عیسی در اینجا به این مردان درباره مفهوم پیروی کردن از او چه می‌گوید؟

نخست در آیات ۱۸ تا ۲۲ باب ۸ متی ما می‌بینیم که دو مرد با تمایل پیوستن به شاگردان عیسی به او نزدیک می‌شوند. هر دوی ایشان صادق هستند؛ و با این حال هر دوی آن‌ها به نظر می‌رسد چیزی مانعشان بود. عیسی که همه افکار ما را می‌داند، دقیقاً به اصل موضوع

اشاره می کند. او از مرد اول می پرسد که آیا واقعا حاضر است همه چیز را رها کند- حتی تخت خوابش را! - تا از عیسی پیروی کند. این لزوماً به این معنی نیست که اگر یک فرد پیرو عیسی بشود، کاملاً تمام دارائی های دنیوی خود را از دست می دهد، بلکه به طور ساده به این معنی است که فرد باید آماده چنین کاری باشد.

سپس عیسی از مرد دوم سوال می کند که آیا او واقعاً تمایل دارد عیسی را بر خانواده خود ارجحیت دهد. در نگاه اول، سخنان عیسی به مرد دوم بسیار خشن به نظر می رسند. تنها کاری که مرد قصد داشت انجام بدهد، دفن کردن پدرش بود. چرا بخصوص وقتی که در ایمان یهودی، بدرستی دفن کردن والدین به نوعی اطاعت از فرمان پنجم بود، او نمی توانست ابتدا این کار را انجام دهد و سپس به دنبال عیسی برود.

با این وجود برخی از مفسران استدلال می کنند که پدر آن مرد هنوز نمرده بود و یا حتی در شرف مردن نبود؛ در عوض آن مرد در واقع به عیسی می گفت، اجازه بدهید من بتوانم نخست مشکلات زندگی ام را حل کنم و سپس از شما پیروی خواهم نمود. ولهذا پاسخ عیسی. فراخوانی دیگر به شاگردی در آیات ۹ تا ۱۳ باب ۹ متی یافت می شود که مربوط به متی، یک باجگیر منفور است. عیسی قلب آن مرد را که آشکارا بر روی حقیقت باز بود درست همان طور که واکنشش به این فراخوانده شدن نشان داد، می شناخت. عیسی دقیقاً می دانست که فراخواندن شخصی مانند متی چه واکنشی در پی خواهد داشت. امروزه از چشم انداز ما، دیدن ناراحت کننده بودن فراخوانده شدن کسی مانند متی در وضعیت موجود آن زمان، بسیار دشوار است. چیزی که در اینجا می بینیم مثال دیگری از میزان جهانی بودن مژده انجیل است.

آیه ۱۳ باب ۹ متی را بخوانید. اگر چه زمینه متفاوت است، اما این اصل چگونه حتی امروزه، زمانی که قربانی کردن عیسی جایگزین قربانی کردن حیوانات شده است، کاربرد دارد؟ یعنی، چگونه می توانیم مراقب باشیم که اجازه ندهیم باورها و کارهای مذهبی هرچند درست، مانع انجام آنچه واقعاً برای خدا مهم است، بشوند؟

۲۲ آوریل

جمعه

تفکری فراتر:

ضرب المثل آلمانی وجود دارد که می گوید "Einmal ist keinmal" معنی کلمه به کلمه آن "یکبار هیچ بار است" می باشد. این اصطلاحی است به این مفهوم که وقتی چیزی یکبار اتفاق می افتد، به حساب نمی آید. مهم نیست، اگر تنها یکبار اتفاق بیافتد ممکن است اصلاً

دیگر اتفاق نیفتد. چه موافق یا مخالف این باشید، به این اندیشه در موضوع مطالعه روز پنجشنبه بیاندیشید، که وقتی عیسی به مردی که می خواست اول پدرش را دفن کند و بعد از عیسی پیروی کند، فرمود: ”مرا متابعت کن و بگذار که مردگان، مردگان خود را دفن کنند“ (متی باب ۸ آیه ۲۲). عیسی با مرده نشان دادن آن مرد که در واقع زنده بود، چه منظوری داشت؟ بنابراین، اگر ”Einmal ist keinmal“ اگر ”یکبار هیچ بار است“، پس با زندگی کردن بر روی این زمین تنها یکبار و بدون هیچ ابدیتی در ادامه، می توان گفت احتمالاً شما اصلاً به دنیا نیامده اید. یا شاید شما اینک مرده باشید (یوحنا باب ۳ آیه ۱۸ را ببینید). اندیشمندان دنیوی که به حیات پس از مرگ اعتقاد ندارند، از بی معنی بودن زندگی که تنها یکبار و برای مدت کوتاهی در اینجا وجود دارد گله داشتند. آن ها پرسیده اند که این چه معنایی می تواند داشته باشد، اگر پس از این دوره کوتاه ما برای همشه رفته و فراموش می شویم؟ پس جای تعجب ندارد که عیسی آن سخنان را گفت. او به دنبال جلب توجه انسان به واقعیتی بزرگتر از این جهان و آنچه ارائه می کند، بود.

سوالاتی برای بحث

۱. با در نظر داشتن اندیشه ای که در بالا بیان شد، بار دیگر روایت متی و آنچه عیسی درباره دفن کردن پدرش به آن مرد گفت را بخوانید. این باید چه چیزی درباره اهمیت نگه داشتن تصویری بزرگتر (و وقتی می گوئیم بزرگتر منظور واقعاً بزرگ است) در ذهن در همه کارهایی که انجام می دهیم، به ما بگوید؟ چگونه خداشناسی مان به درک بزرگی حقیقی این تصویر کمک می کند؟

۲. ما همواره اراده خدا را برای شفای جسمی نمی دانیم، اما همیشه اراده او را برای شفای روحانی می دانیم. این چگونه باید بر شرایط دعا کردن شما تاثیر بگذارد؟

۳. چه چیزهایی برای شما از اهمیت بیشتری برخوردارند؟ فهرستی آماده کنید و به کلاس بیاورید. از اولویت های یکدیگر چه چیزهایی می توانید بیاموزید؟ اولویت های ما چه چیزی درباره خودمان و دیدگاهمان راجع به جهان خدا و یکدیگر به ما می آموزند؟ اگر قرار بود گروهی از منکران خدا این فهرست را تهیه کنند، چه تفاوتی می داشت؟

نبرد مرعی و غیرمرعی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۱۱ آیات ۱۱ و ۱۲؛ مکاشفه یوحنا باب ۵ آیه ۵؛ متی باب ۱۲ آیه ۲۵ تا ۲۹؛ اشعیا باب ۲۷ آیه ۱؛ متی باب ۱۱ آیات ۱ تا ۱۲؛ عبرانیان باب ۲ آیه ۱۴.

آیه حفظی: ”و از ایام یحیی تعمید دهنده تا الآن، ملکوت آسمان مجبور می‌شود و جباران آن را به زور می‌ربایند“ (متی باب ۱۱ آیه ۱۲).

روزانه ما تصمیمات مهمی در مورد نحوه زندگی، روابط، شغل، اولویت‌ها، سرگرمی‌ها و دوستانمان می‌گیریم. برای درک درست اهمیت این تصمیمات، لازم است که کاملاً بدانیم دقیقاً در چه موردی هستیم. باید پرده را کنار بزنیم و نادیدنی را ببینیم، زیرا کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که واقعیتی نادیدنی وجود دارد که به شدت بر آنچه می‌بینیم تأثیر می‌گذارد.

ما که در عصر علم زندگی می‌کنیم، نباید باور واقعیت‌های نامرئی برایمان دشوار باشد. ما که درباره اشعه ایکس، امواج رادیویی و ارتباطات بیسیم می‌دانیم، باید به راحتی آنچه را که نمی‌توانیم ببینیم، باور کنیم. با هر تماس تلفنی که برقرار می‌کنیم یا برنامه ماهواره‌ای که تماشا می‌کنیم، در واقع سر و کارمان با واقعیت‌های فرضی نادیده است که این تجربیات دیدنی (و شنیدنی) را به واقعیت تبدیل می‌کنند.

در حقیقت، نبرد بزرگ میان شیطان و مسیح زمینه نادیدنی جهان دیدنی را که ما هر روزه تجربه می‌کنیم، تشکیل می‌دهد. در این هفته آیاتی از متی (و جاهای دیگر) بررسی خواهیم کرد که به ما در آشکار نمودن این نیروهای نادیدنی و چگونگی تأثیرشان بر زندگی و انتخاب‌هایمان، کمک می‌کنند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۳۰ آوریل آماده شوید.

متی باب ۱۱ آیات ۱۱ و ۱۲

کتاب مقدس کلام خداست و نقشه نجات در آن مشخص شده است. با این وجود، درک برخی از آیات آن ممکن است دشوار باشد. اما این نباید تعجب آور باشد. ما نباید فراموش کنیم که، در تمام جنبه های زندگی طبیعی ما مواردی وجود دارد که درکشان دشوار است. پس تا چه حد بخش‌هایی از کلام خدا که حقایق و واقعیت‌های روحانی و ماورای طبیعی را آشکار می‌سازند، می‌توانند دشوار باشند؟ خانم الن جی. هوایت (Ellen G. White) این مفهوم را به طور شفاف توضیح می‌دهد: "ساده‌ترین و حقیرترین موجودات مشکلی ارائه می‌دهند که حتی خردمندترین فلاسفه نیز از توضیح آن ناتوانند." در همه جا شگفتی‌هایی فراتر از بصیرت ما وجود دارد. بنابراین آیا ما باید از یافتن رمز و رازهایی در دنیای روحانی که قابل درک نیستند، متحیر شویم؟ این دشواری منحصراً به ضعف و تنگ نظری ذهن انسان مربوط است. خدا در کتاب مقدس شواهد کافی برای سرشت الهی آن‌ها داده است و ما نباید تنها به دلیل اینکه نمی‌توانیم همه رموز و رازهای مشیعت الهی را درک کنیم، به کلام او شک نمائیم.

برای مثال، یکی از چالش برانگیزترین آیات کتاب مقدس آیات ۱۱ و ۱۲ باب ۱۱ متی هستند: "بدانید که کسی بزرگتر از یحیی به دنیا نیامده است. با وجود این کوچکترین شخص در ملکوت خدا از او بزرگتر است. از زمان یحیی تعمید دهنده تا به امروز ملکوت آسمانی مورد اغتشاش قرار گرفته و مردم اغتشاش‌گر حملاتی بر آن نموده‌اند."

آیات را بار دیگر بخوانید. چه چیزی درباره آنها متوجه می‌شوید؟ چه چیزی متوجه نمی‌شوید؟

عیسی در اینجا به ما چه چیزی می‌گوید؟

چه چیزهایی حتی در زندگی غیر روحانی، برای ما به صورت رمز و راز باقی مانده‌اند؟ برای مثال، آیا تنها به این دلیل که از درک بسیاری از رازهای در مورد خورشید ناتوان هستیم، به وجود آن شک می‌کنیم؟ پس تا چه حد این درباره کلام خدا و ایمان به او اهمیت دارد؟

مرزهای تاریکی

پژوهشگران کتاب مقدس در طی قرن‌ها با آیه ۱۲ باب ۱۱ متی دست و پنجه نرم می‌کردند، زیرا کلماتی که ملکوت و مردم را در اینجا توصیف می‌کنند، می‌توانند به دو صورت منفی و مثبت استفاده شوند. فعل یونانی basmati می‌تواند هم “پیشروی جبری” و یا “رنج بردن از خشونت” معنی بشود. و واژه یونانی biastes می‌تواند هم “مردان قوی و یا مشتاق” و یا “مردان خشن” معنی بدهد.

بنابراین آیا این آیه به این معنی است که ملکوت آسمانی ملایم و آرام از خشونت رنج می‌برد و مردمی وحشی به آن حمله می‌کنند؟ و یا ملکوت آسمان با اجبار در جهتی مثبت پیش می‌رود و مردانی نیرومندی که آن را تصرف می‌کنند در واقع پیروان مسیح هستند؟ آیا ممکن است که پیروان مسیح در دنبال کردن ملکوت این چنین تهاجمی و حتی زورمند باشند؟

آیات زیر را بخوانید. چه چیزی می‌گویند که ممکن است توضیحی درباره پرسشی که در

بالا بیان شد، باشد؟

متی باب ۱۰ آیه ۳۴

مکاشفه یوحنا باب ۵ آیه ۵

میکا باب ۲ آیه ۱۳

برخی استدلال کردند که تفسیر محتمل‌تر آیه ۱۲ باب ۱۱ متی به کار بردن رایج‌ترین موارد استفاده biastomai (معمولاً مثبت) و biastes (معمولاً منفی) که به ما این تفسیر را می‌دهد: ملکوت آسمانی به اجبار با “قدرت مقدس و انرژی با شکوه پیش‌می‌رود که مرزهای تاریکی را به عقب می‌راند”؛ و مادامی که این اتفاق در حال افتادن است، “افراد خشن و درنده تلاش در غارت کردن آن داشته‌اند.” -

D.A. Carson, *The Expositor's Bible Commentary With the New International Version: Matthew*, (Grand Rapids: Zondervan, 1995), pp. 266, 267

این تفسیر به نظر می‌رسد حقیقت وسیع‌تری از انجیل متی را نشان بدهد. در حقیقت این تفسیر، تصویر بزرگتری را نیز از تقلای میان روشنایی و تاریکی، مسیح و شیطان ثبت می‌کند، موضوعی که آغشته به متن کتاب مقدس است اما در عهد جدید به روشنی بیان شده است. در حقیقت نبردی میان مرعی و غیر مرعی وجود دارد که همگی ما صرف‌نظر از آنچه درباره آن درک می‌کنیم، در آن نقش داریم، طرفی را برمی‌گزینیم و هر روز تجربه کسب می‌کنیم. زندگی کردن در نبرد بزرگ اینگونه است.

نظریه جهانی نبرد

همان طور که دیروز دیدیم، مفهوم نهایی آیه ۱۲ باب ۱۱ متی هر چه که باشد، به آشکار نمودن نبرد بزرگ کمک می کند. تقلا و نبردی را به تصویر می کشد که - همان طور که ما از آیات دیگر کتاب مقدس می دانیم- در اصل نبرد میان مسیح و شیطان است.

آیات زیر درباره واقعیت نبرد بزرگ به ما چه می گویند؟

متی باب ۱۲ آیات ۲۵ تا ۲۹

اشعیا باب ۲۷ آیه ۱

یوحنا اول باب ۵ آیه ۱۹

رومیان باب ۱۶ آیه ۲۰

پیداش باب ۳ آیات ۱۴ تا ۱۹

افسیان باب ۲ آیه ۲، باب ۶ آیات ۱۰ تا ۱۳

این ها تنها تعداد کمی از آیات بسیاری در عهد قدیم و جدید هستند که به آنچه عالم الهیات معاصر (غیر ادونتیسست) از آن "نظریه جهانی نبرد" نام برده است، اشاره می کنند، این اندیشه که نبردی میان نیروهای ماورای طبیعی در کیهان در جریان است، جنگی که همه ما به نوعی در آن نقش داریم. بدون شک این اندیشه برای ادونتیسست های روز هفتم جدید نیست. از نخستین روزهای کلیسای مان، این بخشی از الهیات شناسی ما بوده است؛ در حقیقت، پیشگامان حتی پیش از شکل گیری رسمی کلیسا، به آن متوسل بودند.

واقعیت این نبرد را به چه روش هایی در زندگی خودتان ابراز شده می بینید؟ چگونه در تصمیماتی که باید اتخاذ کنید و وسوسه هایی که با آن رو برو هستید، نقش دارد؟ درک شما از واقعیت این نبرد چگونه می تواند به شما در تصمیم گیری درست و مقاومت در برابر وسوسه کمک کند؟

وقتی که نبرد مشکل‌زا می‌شود

همان‌طور که تا کنون دیده‌اید، کلام عیسی در آیه ۱۲ باب ۱۱ متی اگر چه عمیق است، این واقعیت را آشکار می‌سازد که ملکوت خدا بدون تقلا و یا نبرد تشکیل نخواهد شد. ما می‌دانیم که آن نبرد، نبرد بزرگ است و همواره در حال شدت گرفتن بوده و هست. تا نابودی نهائی گناه، شیطان و گم‌شدگان نیز چنین خواهد بود. و در زمان‌هایی در طول مسیر مشکل‌زا می‌شود. ما می‌توانیم در آیه ۱۲ باب ۱۱ متی که خود عیسی از آنچه انجام داد می‌گوید، واقعیت نبرد بزرگ و حد مشکل‌زایی آن را ببینیم.

آیات ۱ تا ۱۲ باب ۱۱ متی را بخوانید. واقعیت نبرد بزرگ را که در اینجا در سطح‌های مختلفی ایفا شده است، چگونه می‌بینیم؟ یعنی، نبرد بزرگ چگونه به ما در فهمیدن آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد، کمک می‌کند؟

برای شروع به نظر شما چه کسی رهبران را مجاب کرد که یحیی را به زندان بیاورند؟ می‌توانیم در اینجا تلاش شیطان نه تنها در متوقف کردن یحیی بلکه در سست کردن ایمان عیسی را نیز ببینیم. در نهایت، اگر یحیی، که پیشرو عیسی بود با چنین سرنوشتی روبرو شد، چه امیدی برای خود عیسی وجود داشت؟ پس همچنین شکی نیست که شیطان می‌توانست پیروان عیسی و یحیی را مجبور کرده باشد که از خود بپرسند: اگر این عیسی ناصری می‌تواند کارهای شگفت‌انگیز بسیاری انجام دهد و قدرت زیادی دارد، پس چرا اجازه می‌دهد پسر عمویش یحیی که چنین مرد با ایمان و خوبی است، در زندان بیوسد؟ همچنین به نظر شما چه کسی شک و تردید را در ذهن یحیی قرار می‌داد؟ چرا من اینجا هستم؟ چرا عیسی مرا آزاد نمی‌کند؟ از این رو جای تعجب نیست که پرسید "آیا تو همان شخصی هستی که قرار است بیاید یا ما در انتظار شخص دیگری باشیم؟" (متی باب ۱۱ آیه ۳). به یاد داشته باشید که این همان یحیی است که عیسی را تعمید داد، کسی که "روح خدا را دید که مانند کبوتری نازل شده بر وی می‌آید" (متی باب ۳ آیه ۱۶) و کسی که ندای آسمانی را شنید: "این است پسر عزیز من که از او خشنودم" (متی باب ۳ آیه ۱۷). اگر چه در حال حاضر با همه اتفاقاتی که افتاده بود، او پر از شک و تردید می‌شود. به طور حتم، شرایط برای یحیی با همه بدی‌اش، قرار بود (دست‌کم برای مدت کوتاهی) بدتر بشود، و این تنها می‌توانست شک و تردید را در او بیشتر کند (مرقس باب ۶ آیات ۲۵ تا ۲۸).

اگر اکنون چیزی وجود دارد که باعث شک و تردید شما می‌شود، می‌توانید بر روی چه چیزی تمرکز، تأمل و دعا کنید که شک و تردید را از شما دور کند و به شما کمک کند تمام دلایل شگفت‌انگیزی را که برای اعتماد به خوبی خدا دارید، دریابید؟

۲۸ آوریل

پنجشنبه

آرمان از دست رفته

در طول تاریخ، انسان‌ها درگیر جنگ بوده‌اند. چیزی در طبیعت انسان وجود دارد که باعث می‌شود گروهی از مردم بخواهند گروهی دیگر را غارت، تاراج و قتل عام کنند. کاترین تیت (*Katherine Tait*) در کتابی در مورد پدرش برتراند راسل (*Bertrand Russell*)، که یک فیلسوف بریتانیایی بود، درباره نگرانی پدرش در وقوع جنگ جهانی اول در رابطه با شادی در خیابان‌های انگلیس در چشم انداز جنگ با آلمان، نوشت. ”او با باور ویکتوریایی خوش‌بینی، در روند پیشرفت خودکار پرورش یافته بود، با این اطمینان که تمام جهان در زمان خوب خود از دوره عاقلانه انگلیسی‌ها از توحش باستانی‌شان به خود مختاری متمدن پیروی خواهند نمود. سپس ناگهان او هم وطنان عزیز خود را دید که در امکان کشتار تعداد زیادی از انسان‌های دیگر که تصادفاً آلمانی صحبت می‌کردند، در خیابان‌ها می‌رقصند.“

- My Father Bertrand Russell (*England: Thoemmes Press, 1997*), p. 45. اگر این تصویر را در طول تاریخ در میان تقریباً همه ملت‌ها ضرب کنیم، حقیقت طبیعت سقوط کرده انسان را در یکی از مهمترین و غم‌انگیزترین اشکال می‌بینیم. اینک در بسیاری از جنگ‌های بشریت، هیچ‌کس نتیجه را از پیش نمی‌دانست. مردم به نبرد می‌رفتند بدون اینکه بدانند در انتها پیروز خواهند شد و یا شکست خواهند خورد. در ”نظریه جهانی نبرد“ این جهان، ما یک برتری بزرگ داریم: ما از پیش می‌دانیم که کدام طرف پیروز شده است. مسیح برای ما یک پیروزی قاطع بدست آورده است. پس از صلیب، شکی درباره اینکه چه کسی پیروز است و چه کسی می‌تواند نتیجه آن پیروزی را به اشتراک بگذارد، باقی نماند. آرمان شیطان در حقیقت آرمانی از دست رفته است.

آیات زیر درباره نتیجه نبرد بزرگ به ما چه می‌گویند؟ عبرانیان باب ۲ آیه ۱۴؛ قرنیتان اول باب ۱۵ آیات ۲۰ تا ۲۷؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۲، باب ۲۰ آیه ۱۰.

شیطان همان طور که در نبرد آسمان شکست خورد، در نبرد روی زمین نیز شکست خورد. اما او پر از نفرت و انتقام همچنان به دنبال کسانی است که بتواند ببلعد (پطرس اول باب ۵ آیه ۸ را ببینید). با وجود پیروزی کامل مسیح، نبرد همچنان ادامه دارد و تنها محافظ ما قرار دادن خودمان و ذهن و جسم مان در طرف پیروز است. و ما این کار را با تصمیماتی که روزانه می گیریم، انجام می دهیم. آیا ما تصمیماتی می گیریم که ما را در طرف پیروز، جایی که پیروزی برای ما مسلم است، یا در طرف بازنده جایی که شکست حتمی است، قرار می دهند؟ سرنوشت ابدی ما متکی بر پاسخ به این سوال است.

۲۹ آوریل

جمعه

تفکری فراتر:

در میان ما چه کسی واقعیت نبرد بزرگ را نمی داند؟ ما درباره این نبرد می دانیم زیرا آن را در درون خود بصورت روزانه احساس می کنیم. ما در جهانی شکسته زندگی می کنیم، جهانی که با درد و اضطراب نفرین شده است. جهانی که در آن یک مار محدود به یک درخت در میان باغ نمی شود، بلکه جایی که تمام باغ مکانی برای مارها شده است. جهانی پر از زمزمه های وسوسه که به هر روشی می آیند و به آسانی کسانی را که در ایمان و دعا پشتکار ندارند، به دام می اندازند. جای تعجب نیست که عیسی فرمود: ”هوشیار باشید و دعا کنید“ مبادا که در دام تله هایی که در کمین ما هستند بیافتیم. و شاید خطرناکترین این تله ها برای یک مسیحی آن است که می گوید: ”وقتی تو تسلیم وسوسه می شوی دیگر بسیار دیر می شود. هیچ خدای فیضی وجود ندارد که از تو با آغوش باز استقبال نماید.“ آیا کسی است که یک یا چندین بار این زمزمه را در ذهنش نشنیده باشد؟ از یک لحاظ این احساس درست است: وقتی که به دام وسوسه می افتید، حتی یکبار، برای بازگشت دیر می شود. دقیقاً به همین دلیل است که عیسی آمد، در حالی که همه ما شکست خورده ایم، پیروزی را برای ما آورد و سپس پیروزی اش را به ما ارائه می دهد. تمام انجیل در این باره است، عیسی در نبرد بزرگ کاری برای ما انجام می دهد، که ما هرگز نمی توانستیم برای خود انجام دهیم. با این وجود، ما باید روزانه، هر ساعت و لحظه به لحظه در طرف او باشیم، که این کار را با اطاعت از کلام او و مطالبه وعده های پیروزی که او ما را از داشتن شان مطمئن ساخته بود، انجام می دهیم. تمام مدت ما بر شایستگی های او برای ما، به عنوان ضامن نجات تکیه می کنیم.

سوالاتی برای بحث

۱. برخی از واقعیت های جسمی دیگر که در اطراف ما وجود دارند، اما کاملاً برای ادراک احساس ما غیر قابل دسترس هستند، کدامند؟ مجدداً، این واقعیت چگونه باید در باز کردن ذهن ما بروی وجود نیروها و قدرت های دیگر که ما به سادگی نمی توانیم ببینیم، کمک کند؟ چگونه درک ما از وجود این واقعیت های نادیدنی، به ما در فهمیدن واقعیت نبرد بزرگ کمک می کند؟

۲. بسیاری از مسیحیان نظریه جهانی نبرد بزرگ را باور نداشته و هیچ درکی از آن ندارند. آنها چه دلایلی می توانند برای ندیدن آن داشته باشند؟ چه استدلال هایی می توانند مخالف آن برای شما بیاورند و شما چگونه به ایشان پاسخ خواهید داد؟ اگر قرار بود شما مطلبی برای آموزش نبرد بزرگ به فردی بدهید، از چه آیاتی استفاده می کردید؟

۳. چگونه به این پرسش که چرا ما پس از گذشت مدت طولانی از پیروزی عیسی بر صلیب، همچنان در اینجا هستیم، پاسخ می دهید؟ چرا عیسی پس از مرگ، رستاخیز و معراجش، باز نگشت و شرارت را برای همیشه از بین نبرد؟

آرامش در مسیح



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۱۱ آیات ۲۸ تا ۳۰، باب ۱۲ آیات ۱ و ۲؛ لوقا باب ۱۴ آیات ۱ تا ۶؛ یوحنا باب ۵ آیات ۹ تا ۱۶؛ متی باب ۱۲ آیات ۹ تا ۱۴؛ اشعیا باب ۵۸ آیات ۷ تا ۱۳.

آیه حفظی: ”ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، نزد من بیایید و من به شما آرامی خواهم داد“ (متی باب ۱۱ آیه ۲۸).

”مسیح نماینده زنده احکام بود. هیچ یک از اصول مقدس آن در زندگی او نقض نشد. با نگاه کردن به ملتی پر از شاهدانی که به دنبال فرصتی برای محکوم کردن او بودند، او می‌توانست در مقابل مبارزه‌طلبان بگوید، ’کدامیک از شما می‌تواند مرا به گناه محکوم کند؟‘“ – الن جی. هوایت، Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 287. زندگی عیسی تماماً انعکاس دهنده احکام خدا، یعنی ده فرمان بود. او قانون خدا بود که در انسانیت و جسم بشری مراعات شد. از این رو، با مطالعه زندگی او، ما چگونه نگه داشتن ده فرمان را به روشی که خشک و قانون‌گرایی بدون روح نیست، بیاموزیم. و بدون شک در میان آن فرمان‌ها، چهارمین فرمان یعنی روز هفتم، سبت وجود دارد.

این هفته، همانطور که مطالعه‌مان در مورد متی را ادامه می‌دهیم، نگاهی خواهیم انداخت به تعدادی از اختلافات مربوط به روز سبت و تصویری از مفهوم نگه داشتن روز سبت را در زندگی عیسی خواهیم دید. زیرا اگر احکام حقیقتاً انعکاسی از سرشت خدا است و اگر عیسی تجسم آن قانون شد، در نتیجه با آموختن اینکه او چگونه چهارمین فرمان را نگه می‌داشت و چه چیزی درباره آن تعلیم می‌داد، می‌توانیم بیشتر در مورد سرشت خدا و مهمتر از آن، چگونه بازتاب دادن آن در زندگی خودمان بیاموزیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۷ مه آماده شوید.

یوغ سبک مسیح

در آیات ۲۰ تا ۲۷ باب ۱۱ متی، عیسی شروع به سرزنش کردن بعضی از شهرهای جلیل که خدمت او را نپذیرفتند، می‌کند. آنچه که سرزنش کردن و هشدارهای او را بسیار وحشتناک می‌کند، اینست که به این شهرها موقعیت بسیار بزرگ دانستن حقیقت داده شد. او، خود حقیقت (یوحنا باب ۱۴ آیه ۶)، متجسم شده در میان ایشان قدم برداشت. و اگر این کافی نبود، او همچنین در آنجا “معجزات” بسیاری ظاهر گردانید (متی باب ۱۱ آیه ۲۰)؛ و با این حال، آن‌ها از توبه کردن سر باز زدند. در حقیقت، او گفت که اگر “معجزاتی” (متی باب ۱۱ آیه ۲۳) که او در کفرناحوم انجام داد، در سدوم نیز پدید می‌آورد “هرآینه تا امروز باقی می‌ماند.” به عبارت دیگر، آن‌ها از سدومی‌ها نیز بدتر بودند.

درست پس از آن در آیات ۲۵ تا ۲۷، عیسی شروع به دعا کردن نزد پدر می‌کند، از او تشکر نموده و از رابطه نزدیکشان خبر می‌دهد. و به همه چیزهایی که پدر به او بخشیده است، معترف شد که به نوعی حتی بیشتر نشان می‌دهد که چرا رد کردن او توسط مردم آن شهرها، تا آن حد غم‌انگیز بود.

آیات ۲۸ تا ۳۰ باب ۱۱ متی را بخوانید. در اینجا عیسی چه چیزی می‌گوید و چرا دقیقاً بعد از آنچه که گفت، اینجا آمد؟

عیسی پس از تقبیح بی‌ایمانی و تأیید نزدیکی خود با پدر، به همه افراد درمانده، وعده آرامش در خودش را می‌دهد. به عبارت دیگر، او به مردم می‌گوید که اشتباهی که دیگران انجام دادند و او را انکار کردند، انجام ندهند. او قدرت و اختیار انجام آنچه که می‌گوید را دارد و می‌گوید که با رفتن نزد او، آرامش روحی را خواهند یافت. با توجه به زمینه، آرامش شامل صلح، اطمینان از نجات و آن امید که، کسانی که او را نپذیرند، نمی‌توانند و نخواهند داشت.

عیسی با گفتن اینکه به ما آرامش خواهد داد، چه منظور دیگری دارد؟ آیا این به معنی تنبلی است؟ آیا یعنی آزادی همه‌گونه داریم؟ به طور حتم چنین نیست. عیسی معیارهای والایی برای ما دارد؛ ما این را در موعظه بالای کوه او دیدیم. اما رابطه با عیسی قرار نیست ما را فرسوده سازد. با یادگیری از او و تقلید از او و سرشت‌اش، می‌توانیم از سختی‌ها و مشکلات زندگی فراغت یابیم. و همانطور که خواهیم دید، یک نمونه بدست آوردن آسایش، نگه داشتن روز سبت است.

وعده‌ای را که عیسی در اینجا ارائه می‌دهد، چگونه تجربه می‌کنید؟ “بردبار و فروتن” بودن چه ارتباطی با تحمل بار سبک دارد؟

۲ مه

دوشنبه

اضطراب درباره یک روز استراحت

اگر همانطور که بسیاری از مسیحیان جهان استدلال می‌کنند، روز هفتم، سبت منسوخ، جایگزین و کنار گذاشته شده و تحقق یافته است، پس چرا عیسی چنان زمان زیادی را صرف تعلیم درباره نگه داشتن روز سبت نمود؟

آیات زیر را بخوانید. مسائل مورد مجادله در این آیات کدامند و کدام موارد مورد بحث نیستند؟ متی باب ۱۲ آیات ۱ و ۲؛ لوقا باب ۱۴ آیات ۱ تا ۶؛ مرقس باب ۲ آیات ۲۳ تا ۲۸؛ یوحنا باب ۵ آیات ۹ تا ۱۶.

فریسیان با دانستن اینکه نقض کردن روز سبت یکی از دلایلی بود که باعث به اسارت رفتن بنی‌اسرائیل توسط بابلی‌ها شد، تلاش داشتند که از تکرار آن جلوگیری کنند. از این رو با اندیشه حفاظت از قداست آن، سلسله قوانین و مقررات بسیاری در مورد کارهای مورد قبول یا غیر قابل قبول انجام در روز سبت ایجاد کردند. برخی از آن قوانین چه بودند؟

اگر مرغی در روز سبت تخم بگذارد، آیا خوردن آن تخم مرغ مجاز است؟ نظر اکثریت فریسیان این بود که اگر آن مرغ تخمگذار بود، خوردن آن تخم مرغ در روز سبت جایز نبود، زیرا مرغ در حال کار کردن بوده است. اگرچه، اگر مرغ تخمگذار نبود - فقط مرغی بود که برای خوردن پرورش داده می‌شد - خوردن آن تخم مرغ اشکالی نداشت، زیرا این کار اصلی مرغ نبوده است. (پیشنهاد دیگری نیز وجود داشت مبنی بر اینکه خوردن تخم مرغ بوجود آمده در روز سبت از یک مرغ تخمگذار مجاز است، تنها در صورتی که پس از آن مرغ بدلیل نگه نداشتن روز سبت، کشته شود.)

آیا نگاه کردن به خود در آینه در روز سبت مجاز است؟ پاسخ؟ خیر، زیرا اگر موی سفیدی ببینید، شاید وسوسه شوید که آن را بکنید و این جمع‌آوری و درو خواهد بود، که نقض روز سبت است.

اگر خانه‌تان در روز سبت دچار آتش‌سوزی شود، آیا مانعی ندارد که لباس‌هایتان را جمع کنید تا از آتش در امان بمانند؟ پاسخ: شما باید تنها یک دست لباس به همراه

داشته باشید. با این حال اگر یک دست لباس به تن داشته باشید، می توانید یک دست دیگر لباس با خود ببرید. (ضمناً، اگر خانه تان دچار آتش سوزی بشود، درست نیست که از غیر یهودیان بخواهید آتش را مهار کنند، اما اگر غیر یهودیان خود در هر صورت آتش را خاموش کنند، مانعی ندارد.)

آیا ریختن آب دهن در روز سبت مجاز است؟ پاسخ: می توانید آب دهانتان را بر روی یک سنگ بریزید اما نمی توانید آن را بر روی زمین بریزید، زیرا این کار باعث تولید گل و لای می شود.

ممکن است مسخره به نظر برسد، اما به روش خود، چگونه می توانیم از انجام چنین کارهایی نه تنها برای رعایت روز سبت، بلکه در مورد تمام جنبه های ایماغان، جلوگیری کنیم؟ یعنی، از دست دادن تمرکز مان نسبت به آنچه حقیقتاً مهم است، و تمرکز کردن بر روی آنچه که ناچیز است.

۳ مه

سه شنبه

پاسخ عیسی

این جوّی بود که عیسی در آن خدمت می کرد: الزامات غیر ممکن سخت برای نگه داشتن روز سبت، که هدف اصلی آن را از بین می برد. این روز باید روز آسودگی از کار می بود؛ روزی برای عبادت خدا و همنشینی با سایر ایماغان داران به گونه ای که در طول هفته اشتغال بکار ممکن نیست؛ روزی که کودکان می دانستند والدینشان بیش از سایر روزها در دسترس هستند؛ روزی که مخصوصاً برای کاری که توسط خالق و نجات دهنده مان، برای ما انجام شده است، شادی کنیم.

آیات ۳ تا ۸ باب ۱۲ متی را بخوانید تا ببینید که عیسی چگونه به یوغ سنگین فریسیان پاسخ می دهد. آیات ۱ تا ۶ باب ۲۱ سموئیل اول را نیز بخوانید. استدلال عیسی در اینجا چیست؟

عیسی به آن‌ها چیزی را می گفت که بعدها به شیوه ای بسیار قوی تر بیان نمود (متی باب ۲۳ آیات ۲۳ و ۲۴ را ببینید)، یعنی آن‌ها باید بر آنچه که واقعاً مهم است، تمرکز کنند. عیسی روایت آشنای داود فراری را که نان پرستش گاه را که فقط کاهنان می توانستند از آن بخورند، برداشت، بازگو می کند. در آن

وضعیت، گرسنگی داود و اصحابش مهمتر از تشریفات پرستشگاه که هدف دیگری داشت، بود. به همان شکل، گرسنگی پیروان عیسی نیز از دستورالعمل های روز سبت (درباره درو کردن) که برای مقاصد دیگری بودند، مهمتر بود. عیسی همچنین به کار کاهنان در معبد در روز سبت اشاره می کند. خدمت کردن در روز سبت مجاز بود. و همین طور کار اصحاب عیسی نیز مجاز بود، زیرا عیسی و خدمت اش از معبد مهمتر بودند. تمام چیزهایی که عیسی در اینجا و جاهای دیگر درباره روز سبت فرمود، به هیچ وجه چیزی از فرمان الهی برای نگه داشتن آن را کم نمی کند. عیسی سعی داشت آنها را نه از روز سبت بلکه از قوانین بی معنی که مفهوم اصلی روز سبت را پنهان می نمود، رها سازد، که این تجلی آرامشی است که ما در مسیح به عنوان خالق و نجات دهنده خود داریم.

”در زمان مسیح، روز سبت چنان از هدف اصلی اش دور شده بود که نگه داشتن بجای بازتاب سرشت پدر آسمانی با محبت، منعکس کننده سرشت خودخواه و مستبد بشر بود.“ - الن جی. هوایت،
Ellen W. White, *The Desire of Ages*, p. 284
خودتان پرسید که چه کاری می توانستید انجام دهید که بیشتر منعکس کننده سرشت پدر آسمانی با محبت مان باشد و نه سرشت خودخواهانه و مستبدانه خود.

۴ مه

چهارشنبه

شفا در روز سبت

خواندن انجیل ها و دیدن حوادث ثبت شده مربوط به روز سبت میان عیسی و رهبران دینی، بسیار جالب توجه است. اگر قرار بود این روز منسوخ شود، چرا هر چهار نویسنده انجیل ها، در روایات بسیاری، کشمکش هایی که عیسی با رهبران در مورد نگه داری روز سبت داشته است را ثبت کرده اند؟ این نکته حتی زمانی که ما به یاد می آوریم که انجیل ها، سال ها پس از خدمت عیسی نوشته شده بودند، بیشتر برجسته می شود. با وجود اینکه دانشمندان بر سر دقیق بودن تاریخها هم نظر نیستند، اکثر ایشان زمان آنها را دست کم بیست تا سی سال پس از مرگ مسیح تعیین می کنند. از این رو تا آن زمان اگر روز هفتم سبت با یکشنبه جایگزین شده بود (یک استدلال رایج)،

به طور حتم باید دست‌کم در یکی از روایات بر گرفته از زندگی عیسی، به این تغییر اشاره می‌شد. بنابراین ما مدرک قدرتمندی داریم که روز هفتم سبت منسوخ، تغییر و یا جایگزین نشده بود، دست‌کم در هیچ کدام از نمونه‌ها و فرمان‌های عیسی آن‌طور که در چهار انجیل ثبت شده‌اند، اشاره‌ای به آن نشده است. در مقابل، اگر ما در دستورات و مثال‌های عیسی تمرکز کنیم، انجیل‌ها به ما اعتبار همیشگی روز هفتم، سبت را نشان می‌دهند.

آیات ۹ تا ۱۴ باب ۱۲ متی را بخوانید. مشکل در اینجا چیست و چرا آن، دلیل دیگری برای مشاجره خواهد بود؟

”یک روز سبت دیگر، هنگامی که عیسی وارد کنیسه شد. او در آنجا مردی را دید که دستش فلج بود. فریسیان عیسی را تماشا می‌کردند و مشتاق بودند که ببینند او چه کاری انجام خواهد داد. نجات دهنده به خوبی می‌دانست که با شفا دادن در روز سبت، او یک متجاوز در نظر گرفته خواهد شد، اما او در شکستن الزامات مرسوم که موانعی دور و بر روز سبت بودند، دریغ نکرد.... در میان یهودیان، یک اصلی بود که کوتاهی در خوبی کردن وقتی که فرصتش وجود داشت، شرارت محسوب می‌شد؛ بی‌توجهی به نجات زندگی به معنی کشتن بود. از این رو عیسی به شیوه خودشان با خاخام‌ها روبرو شد.“ - الن جی. هوایت، Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 286

بار دیگر درست مانند واقعه پیشین روز سبت، عیسی به دنبال این بود که توجه مردم را به هدف بالاتر قانون، و هدف بالاتر زندگی با ایمان جلب کند. این مردان احتمالاً راضی بودند آن فرد را در درد و رنج رها کنند تا اینکه قوانین ساخته خود مربوط به روز سبت را نقض کنند، قوانینی که چنان پیچیده شده بودند که - با این وجود که امکان داشت گاو را در روز سبت از گودالی بیرون بکشند - حاضر نبودند هم‌نوع خود را از درد و رنج رهایی دهند. ما باید بسیار مراقب باشیم که انجام آداب دینی مانعی در راه زندگی مطابق ایمانمان به خدا، آنگونه که او از ما انتظار دارد، ایجاد نکند.

۵ مه

پنجشنبه

تقدیس روز سبت

همانطور که باید از نوشته‌های انجیل آشکار شده باشد، عیسی روز سبت را منسوخ نکرد. بلکه آن را از نو زنده نمود و از مقررات دست و پاگیری که مردم

بر آن گذاشته بودند، پاک کرد. صدها سال بعد مسیحیان همچنان در روز سبت استراحت و عبادت می‌کردند. تاریخ‌شناس قرن پنجم سقراط (Socrates Scholasticus) نوشت: ”تقریباً همه کلیساهای سرتاسر جهان مراسم مقدس را در روز سبت هر هفته جشن گرفتند (عشای ربانی)، با این حال مسیحیان اسکندریه و رم به دلیل رسوم باستانی از این کار سر باز زدند.“ Ecclesiastical History, book 5, p. 289 - شکی نیست که به هر دلیلی که این وقایع در انجیل ثبت شده بودند، برای دورکردن توجه افراد از روز سبت نبوده است.

بار دیگر آیه ۱۲ باب ۱۲ متی را بخوانید و بر روی این قسمت توجه کنید: ”بنابراین، انجام کارهای نیکو در روز سبت جایز است.“ این آیه نه فقط در زمینه چیزی که مورد نظر عیسی بود، بلکه در زمینه‌ای بزرگتر درباره مفهوم نگه داشتن سبت، به چه معنی است؟

اگرچه قانون یهود اجازه رسیدگی پزشکی برای کسی که زندگی‌اش در خطر بود را در روز سبت می‌داد، عیسی آن را فراتر برد. شفا دادن‌ها، حتی آنهایی که امکان انجامشان در روزهای دیگر نیز وجود داشت، در روز سبت آزاد هستند. با داشتن این در ذهن، به آنچه عیسی بعدها در متی گفت، نگاهی بیاندازید. ”هر کاتبی که در ملکوت آسمان تعلیم یافته است مثل صاحب خانه‌ایست که از خزانه خویش چیزهای نو و کهنه بیرون می‌آورد“ (متی باب ۱۳ آیه ۵۲). شکی نیست که عیسی گنجینه‌های دیگری را نیز نمایان می‌کرد.

آیات ۷ تا ۱۳ باب ۵۸ اشعیا را بخوانید. چیزی که در اینجا بیان شده است چگونه در بازتاب مفهوم حقیقی پیروی از خداوند و انجام اصول قانون از جمله قانون روز سبت، کمک می‌کند؟ عبارت ”عمارت‌کننده رخنه‌ها“ را بخصوص در مورد پیام‌های سه فرشته، چگونه درک می‌کنیم؟

تفکری فراتر:

کسی چنین گفت، ”دین باشد یا نباشد، مردم خوب کارهای خوب انجام خواهند داد و مردم شرور کارهای بد انجام خواهند داد. اما اگر مردم خوب

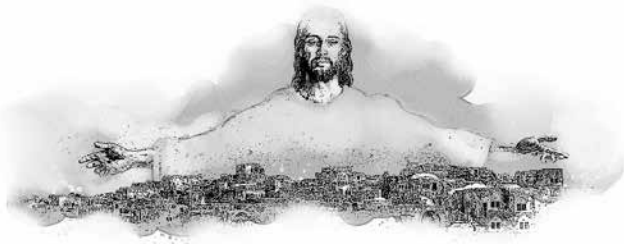
کارهای بد انجام دهند، به دلیل وجود مذهب است.“ عارف فرانسوی، بلیز پاسکال، در قرن ۱۷ هجری داد که ”مردم شرارت را به چنان کمال و خوشحالی مرتکب نمی‌شوند جز اینکه به انگیزه دینی انجام داده باشند“ اگرچه این اندیشه‌ها تا حدی اغراق‌آمیز هستند، اما متأسفانه حقایقی در آنها وجود دارد. این حقیقت را می‌توان در زمینه درس این هفته در مورد فریسیان و روز سبت، دید. ”هنگامی که عیسی از فریسیان این سؤال را که آیا انجام خوبی یا بدی، نجات دادن یا کشتن در روز سبت مجاز است، پرسید، در واقع آنها را با هدف‌های شوم خودشان روبرو نمود. آنها زندگی او را با نفرتی تلخ هدف نابدی قرار داده بودند در حالی که او زندگی‌ها را نجات می‌داد و شادی را به جمعیت کثیری می‌رساند. آیا به قتل رساندن در روز سبت بهتر بود، همانطور که آنها برنامه‌ریزی‌اش را کرده بودند، یا درمان بیماران همانطور که عیسی آن را انجام داد؟ آیا در روز مقدس خدا قتل نفس عادلانه‌تر بود یا محبت به همه بشریت که در کارهای رحمت‌آمیز ابراز می‌شد؟“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 287

سوالاتی برای بحث

۱. منظور عیسی از اینکه فرمود، ”رحمت می‌خواهم نه قربانی“ (متی باب ۱۲ آیه ۷) چیست؟ برای پاسخ دادن، آیات زیر را در نظر بگیرید: متی باب ۹ آیات ۱۰ تا ۱۳، هوشع باب ۶ آیه ۶ و اشعیا باب ۱ آیات ۱۱ تا ۱۷.
۲. با شواهد قدرتمندی که از کتاب مقدس داریم، فکر می‌کنید چرا بسیاری از مسیحیان حتی بسیاری افراد با ایمان که عیسی را دوست دارند، در نپذیرفتن روز سبت بسیار سرسخت هستند؟ در کنار شواهد موجود در کتاب مقدس، ما چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم که شاید بتوانیم ذهن این افراد را بر روی حقیقت روز سبت باز نماییم؟
۳. شما روز سبت را چگونه نگه می‌دارید؟ به چه روش‌هایی می‌توانید تجربه عمیق‌تر و غنی‌تری از نگه داشتن روز سبت بدست آورید؟
۴. عیسی فرمود که، ”یوغ من خفیف است و بار من سبک.“ از خود این سؤال را پرسید: به چه روش‌هایی می‌توانید بار اطرافیان‌تان را سبک و یوغ ایشان را خفیف کنید؟

خداوند یهود و غیر یهود



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۱۴ آیات ۱ تا ۲۱؛ خروج باب ۳ آیه ۱۴؛ متی باب ۱۴ آیات ۲۲ تا ۲۳؛ اشعیا باب ۲۹ آیه ۱۳؛ متی باب ۱۵ آیات ۱ تا ۲۰؛ متی باب ۱۵ آیات ۲۱ تا ۲۸.

آیه حفظی: “من که یهوه هستم تو را به عدالت خوانده‌ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت‌ها خواهم گردانید” (اشعیا باب ۴۲ آیه ۶).

در آیه ۲۴ باب ۱۵ متی، عیسی صریحاً می‌گوید: “فرستاده نشده‌ام مگر بجهت گوسفندان گم شده خاندان اسرائیل”. شکی نیست که سال‌های خدمت عیسی در جسم بشری عمدتاً در جهت ملت اسرائیل معطوف بود.

اما همانطور که در تمام کتاب مقدس نشان داده شده است، بنی اسرائیل تنها قومی نبود که خدا برایشان اهمیت قائل بود. دلیلی که خدا بنی اسرائیل را انتخاب نمود این بود که بتواند همه مردم زمین را برکت دهد. “خدا یهوه که آسمانها را آفرید و آنها را پهن کرد و زمین و نتایج آن را گسترانید و نفس را به قومی که در آن باشند و روح را بر آنانی که در آن سالکند می‌دهد، چنین می‌گوید: من که یهوه هستم تو را به عدالت خوانده‌ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت‌ها خواهم گردانید. تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری” (اشعیا باب ۴۲ آیات ۵ تا ۷).

از طریق اسرائیل یا بطور خاص مسیح که از اسرائیل برمی‌خواست بود که خدا با تمام جهان دسترسی پیدا می‌کرد. این هفته بیشتر از کمک خداوند به همه آن‌هایی که نیازمند نجات هستند خواهیم دید.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۴ مه آماده شوید.

غذا دادن به گرسنگان

یکی از معروف‌ترین اعمال عیسی غذا دادن به پنج هزار نفر "سواى زنان و اطفال می‌باشد" (متی باب ۱۴ آیه ۲۱). در عین حال، درست مانند سایر چیزها در عهد جدید، این داستان بدون زمینه‌ای که به ما در درک عمیق‌تر کاری که عیسی انجام داد، اتفاق نمی‌افتد.

آیات ۱ تا ۲۱ باب ۱۴ متی را بخوانید. پس از غذا دادن معجزه آسا، چه اتفاقی افتاد و این واقعه چه نقشی در آنچه در ادامه آمد، دارد؟

خود را در جای حواریون در آن زمان بگذارید. یحیی که مشخصاً مردی خداشناس بود، به تازگی سر از تنش جدا شده بود. آن‌ها از این موضوع خبر داشتند، زیرا خود ایشان بودند که این موضوع را به عیسی گفتند. اگر چه در آیات نیامده است، اما باید حتماً برایشان بسیار دلسرد کننده بوده باشد. شکی نیست این باعث امتحان ایمانشان شد. با این وجود پس از کاری که عیسی در ادامه انجام داد، ایمان ایشان بخصوص بعد از آن ناامیدی، افزایش یافت.

با این حال، گذشته از اینکه ایمان حواریون را افزایش داد، مفهوم عمیق‌تری در این روایت وجود دارد. عمل عیسی در غذا دادن به قوم یهود، برای همه یادآوری کننده من بود که خدا در بیابان برای بنی‌اسرائیل فراهم نمود. "این رسم در میان یهود بوجود آمد که عیسی در یک عید فصیح خواهد آمد و همراه با آمدنش، من بار دیگر شروع به باریدن خواهد نمود.... بنابراین زمانی که عیسی دقیقاً پیش از عید فصیح به آن پنج هزار نفر غذا داد، نباید جای تعجب داشته باشد که جمعیت به این اندیشیدند که آیا او مسیح بود و آیا قرار بود معجزه‌ای حتی بزرگتر انجام داده و با بازگرداندن من، برای همیشه برای مردم غذا فراهم سازد." - جان پولین، Jon Paulien, John: The Abundant Life Bible Amplifier (Boise: Pacific Press Publishing Association, 1995) pp. 139, 140

این دقیقاً همان نوع مسیح موعودی بود که مردم می‌خواستند: مسیحی که نیازهای جسمی ایشان را تأمین سازد. در آن لحظه، مردم آماده بودند که عیسی را پادشاه سازند، اما عیسی نیامده بود که پادشاه شود و امتناع او، آن‌ها را به شدت مأیوس می‌کرد. آن‌ها انتظاراتی داشتند که اگر برآورده نمی‌شدند، بسیاری از عیسی روی برمی‌گرداندند، حتی با این وجود که او آمده بود تا کارهایی فراتر از انتظارات دنیوی و کوتاه‌بینانه آن‌ها انجام دهد.

خداوند تمام مخلوقات

عیسی پس از غذا دادن معجزه‌آسا، به حواریونش فرمان داد که به قایق‌هایشان بروند (متی باب ۱۴ آیه ۲۲). او می‌خواست آن‌ها از ضرب و شتم و فشار بدور باشند. یک معلم خوب از شاگردانش که هنوز آماده مواجهه با سختی نیستند، محافظت می‌کند. خانم الن جی. هوایت می‌نویسد: "عیسی حواریونش را فراخواند و به ایشان فرمود، سوار قایق بشوید و بلافاصله به کفرناحوم بروند و او را برای مرخص نمودن مردم تنها بگذارند.... آن‌ها نسبت به این موضوع اعتراض نمودند؛ اما عیسی با قدرت اقتداری که هرگز قبلاً در برابرشان نشان نداده بود، با ایشان صحبت نمود. آن‌ها می‌دانستند که مخالفت بیشتر از سوی ایشان بی‌فایده خواهد بود، پس در سکوت به سمت دریا رفتند." - The Desire of Ages, p. 378

آیات ۲۳ تا ۳۳ باب ۱۴ متی را بخوانید. این آیات چه چیزی را درباره ماهیت عیسی و طبیعت نجات‌آشکار می‌کنند؟

لحظه‌ای آشکار کننده اتفاق می‌افتد هنگامی که حواریون وحشت‌زده در تعجب هستند که چه کسی بر روی آب راه می‌رود و به سوی ایشان می‌آید. عیسی به ایشان می‌فرماید، "منم، ترسان مباشید!" (آیه ۲۷). عبارت "منم" گونه دیگری از ترجمه عبارت یونانی ego eimi به معنی "من هستم" است. این نام خود خداست. (خروج باب ۳ آیه ۱۴ را نیز ببینید.)

کتاب مقدس بارها خداوند را به عنوان اداره کننده تمام طبیعت نشان می‌دهد. برای مثال باب ۱۰۴ مزامیر به وضوح نشان می‌دهد که خدا نه تنها خالق است بلکه نگه دارنده نیز هست که این یعنی از طریق قدرت اوست که جهان همچنان وجود خواهد داشت و قانون طبیعت انجام می‌شود. در اینجا چیزی وجود ندارد که به این اشاره کند که خدای یگانه جهان را آفریده است و آن را به حال خود رها نموده است. ما همگی یهودی و یا غیر یهودی، ادامه زیستنمان را مدیون قدرت نگه دارنده همان خداوندی هستیم که دریاها را آرام نمود. (عبرانیان باب ۱ آیه ۳ را نیز ببینید.)

فریاد پطرس، ”خداوندا، مرا دریاب!“ (متی باب ۱۴ آیه ۳۰) باید انعکاس فریاد ما باشد زیرا اگر عیسی خداوند ما را نجات ندهد، چه کسی ما را نجات خواهد داد؟ ناامیدی پطرس در آن موقعیت انعکاسی است از بیچارگی ما در مقابل آنچه که دنیای ساقط ما بر ما تحمیل می‌کند.

در این باره بیاندیشید که تا چه حد تحت رحمت نیروهای بسیار بزرگتر از خود و خارج از کنترلتان واقعاً درمانده‌اید. این واقعیت چگونه باید به قوی نمودن وابستگی شما به عیسی کمک کند؟

مه ۱۰

سه شنبه

قلب ریاکار

”و خداوند می‌گوید: چونکه این قوم از دهان خود به من تقرّب می‌جویند و به لبهای خویش مرا تمجید می‌نمایند، اما دل خود را از من دور کرده‌اند و ترس ایشان از من وصیتی است که از انسان آموخته‌اند“ (اشعیا باب ۲۹ آیه ۱۳). اگرچه این‌ها سخنان خداوند به اسرائیل باستان بودند، برای کلیسای امروزی چه پیامی در اینجا نهفته است؟ دو نکته اصلی که خداوند از آن‌ها هشدار می‌دهد، کدامند و ما چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که چنین کار مشابهی انجام ندهیم؟

قرن‌ها پس از اینکه اشعیا آن کلمات را نوشت، عیسی زمانی که در مبارزه با رهبران دینی بود، از آن‌ها نقل‌قول کرد.

آیات ۱ تا ۲۰ باب ۱۵ متی را بخوانید. مشکل خاص در اینجا چیست و عیسی چگونه با آن روبرو می‌شود؟

در موقعیتی پس از اینکه عیسی به کفرناحوم باز می‌گردد، وارد بحث با معلمان یهودی بر سر آنچه انسان را نجس می‌کند، می‌شود. معلمان هر نوع قانونی درباره ناپاکی بیرونی به شریعت اضافه کرده بودند. برای مثال، باید دستانتان را به روش خاصی می‌شستید. اما حواریون عیسی به این قوانین اهمیت نمی‌دادند و هنگامی که کاتبان و فریسیان اهل اورشلیم به این موضوع اشاره کردند، عیسی پاسخ ایشان را آنگونه داد که داد.

به طور خلاصه، عیسی آنچه را که به راحتی تله‌ای برای همگان بود، به شدت محکوم نمود: ریاکاری. آیا کسی وجود دارد که تا بحال فردی را برای انجام کاری محکوم نکرده باشد (چه در کلام و یا در قلب خود) در حالیکه خود همان کار یا کار بدتری را انجام داده

و می‌دهد؟ همه ما اگر مراقب نباشیم، این تمایل را داریم که اشتباهات دیگران را ببینیم، در حالی که چشم‌مان را بروی اشتباهات خود بسته‌ایم. از این رو، امکان ریاکار بودن به طور طبیعی برای همه ما وجود دارد.

همه ما از ریاکاری در دیگران متنفریم. همیشه دیدن ریاکاری در دیگران نیز بسیار آسان است. چگونه می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که توانایی‌مان در دیدن ریاکاری در دیگران تنها ابرازی از ریاکاری خودمان نیست؟

۱۱ مه

چهارشنبه

خورده نان‌های افتاده از میز

عیسی پس از غذا دادن، شفا دادن و موعظه کردن به قوم یهود خود، تصمیمی ناگهانی می‌گیرد. او منطقه یهود را ترک کرده و به محله خارجی‌ها یعنی غیر یهود وارد می‌شود.

آیات ۲۱ تا ۲۸ باب ۱۵ متی را بخوانید. ما چگونه باید این روایت را درک کنیم؟

از بسیاری جهات، خواندن این روایت آسان نیست زیرا ما از وجود لحن صدا و حالات چهره محرومیم. در ابتدا به نظر می‌رسد که عیسی این زن را نادیده می‌گیرد؛ سپس، وقتی که با او سخن می‌گوید، سخنانش به نظر بسیار خشن می‌آیند: “نان فرزندان را گرفتن و نزد سگان انداختن جایز نیست” (آیه ۲۶).

اگر شما چنین روشی در پیش می‌گرفتید، چه اتفاقی می‌افتاد؟ شخصی از شما کمی از غذایتان را درخواست می‌کرد و شما پاسخ می‌داد، درست نیست که غذایم را برای سگ‌ها بریزم. این دقیقاً روشی برای دوست پیدا کردن نیست، آیا اینطور نیست؟ با این وجود، چند مورد برای در نظر گرفتن را می‌بینیم.

اول، این حقیقت دارد که در آن زمان یهود، غیر یهود را سگ می‌خواندند که تصویر تعداد زیادی سگ در حال دویدن در خیابان‌ها را به ذهن می‌رساند. اما عیسی واژه مهربان‌تر یونانی “سگ کوچک” (سگ توله) را به کار می‌برد، در اینجا اشاره به سگ‌های در خانه نگه‌داری شده است که از میز غذا بهره می‌گیرند.

دوم، این زن کنعانی عیسی را “پسر داود” می‌خواند. این آشنایی او با یهودی بودن عیسی را نشان می‌دهد. عیسی مانند یک معلم خوب، با او مکالمه و احتمالاً او را امتحان می‌کند. کریگ کینز (Craig Keener) می‌نویسد: “شاید عیسی لازم می‌بیند که او ماهیت

و مأموریتش را درک کند، مبدا با او مانند بسیاری از جادوگران سرگردان که غیریهود برای خلاصی از جن‌زدگی نزد ایشان می‌رفتند، رفتار کند. با این حال او قطعاً او را احضار می‌کند تا اولویت اسرائیل را در نقشه الهی بشناسد، شناختی که برای او شامل پذیرش وضعیت اتکای او بود ممکن است مقایسه شود با مطالبه الیشع از نعمان که در اردن غوطه ور شود به جای غوطه ور شدن در ابانه فر فر نهرهای سرزمین آرامی که نعمان ترجیح می‌داد که در نهایت منتهی به هدایت نعمان بر شناخت خدا و سرزمین اسرائیل می‌شود (پادشاهان دوم باب ۵ آیات ۱۷ و ۱۸). -

The Gospel of Matthew: A Socio-Rhetorical Commentary, p. 417

در نهایت، این احتمال وجود دارد که این زن وابسته به طبقات بالای اجتماعی یونانی بوده است، طبقه ای که "معمولاً غذای متعلق به یهودیان فقیر ساکن حومه صور را می‌گرفتند ... اینک ... عیسی روابط قدرت را بر می‌گرداند زیرا 'نانی' که عیسی ارائه می‌دهد نخست به اسرائیل تعلق دارد ... این یونانی باید از دور گرد یهودی تقاضای کمک

کند." - The Gospel of Matthew: A Socio-Rhetorical Commentary, p. 417

این فقره آسانی نیست، اما ما باید به عیسی اطمینان داشته باشیم. عیسی با مکالمه با این زن، او را موقر می‌سازد- درست مانند کاری که با زن بر سر چاه کرد. او با دختر شفا یافته اش و ایمان تازه به پسر داود، آن جا را ترک می‌کند.

مه ۱۲

پنجشنبه

خداوند غیر یهود

متی باب ۱۵ آیات ۲۹ تا ۳۹ را بخوانید و آنها را با آیات ۱۳ تا ۲۱ باب ۱۴ متی مقایسه کنید. شباهت‌ها و تفاوت‌های میان این دو روایت چی هستند؟

بسیاری از مردم این را درک نمی‌کنند که دو مورد غذا دادن به جمعیتی کثیر در انجیل‌ها وجود دارد: نخست برای یهود و دوم برای غیر یهود. در هر دو مورد، عیسی برای مردم "دلسوزی" می‌کند.

این تصویر که هزاران غیر یهودی برای تعلیم، محبت و غذا نزد این خاخام جوان می‌آیند، بسیار شگفت‌انگیز است. امروزه با نگاه کردن به گذشته و درک جهانی بودن انجیل (گذشته از هر چیز بسیاری از مردم که این را می‌خوانند یهودی نیستند)، ممکن است به راحتی غیر منتظره و باور نکردنی بودن چیزی شبیه این برای مردم آن زمان، هم یهودی و هم غیر یهودی، را فراموش کنیم. شکی نیست که عیسی همه را از محدوده تفکر عادی‌اش خارج می‌کرد.

با این حال این همواره نقشه خدا بوده است که همه مردم زمین را به سمت خود بکشاند. آیه ای شگفت انگیز در کتاب مقدس عبری به این حقیقت گواهی می دهد: ”ای بنی اسرائیل آیا شما برای من مثل پسران حبشیان نیستید؟ آیا اسرائیل را از زمین مصر و فلسطینیان را از کفئور و ارامیان را از قیر برنیاوردم؟“ (عاموس باب ۹ آیه ۷).

خدا در اینجا چه می گوید؟ آیا می گوید که علاوه بر کارهای اسرائیل به کارهای همه مردم علاقمند است؟ آیا او به فلسطین علاقمند است؟ مطالعه ای دقیق از عهد قدیم، بارها این حقیقت را آشکار می سازد که در طی قرن ها بسیار مبهم شده بود، که در زمان شکل گیری کلیسای عهد جدید، بسیاری از ایمان داران می بایست این حقیقت اساسی کتاب مقدس را بیاموزند.

آیات ۱ تا ۱۲ باب ۴ رومیان را بخوانید. مژده انجیل و جهانی بودن آن به چه روش هایی در این آیات ثبت شده است؟

۱۳ مه

جمعه

تفکری فراتر:

یک مسیحی در دانشگاهی غیر روحانی، درباره وجود خدا با دانشجویان صحبت می کرد. پس از استفاده از همه استدلال های رایج، او رویه ای متفاوت در پیش گرفت و گفت: می دانید زمانی که من، تقریباً هم سن و سال اکثر شما بودم و به خدا ایمان نداشتم، هر چند وقت یکبار زمانی که چیزی مرا متقاعد می ساخت که شاید خدا وجود داشته باشد، همیشه آن فکر را از ذهن خود خارج می کردم. چرا؟ زیرا چیزی به من می گفت که اگر در حقیقت خدا وجود داشت پس- با در نظر گرفتن نحوه زندگی ام- در دردسر بزرگی بودم. بلافاصله جو تغییر کرد. ده ها وجدان به طور هم زمان شروع به متأثر شدن علیه خود شدند. تقریباً مانند این بود که دمای اتاق از احساس همه این چهره های ناگهان پریشان، افزایش یافت. او به روشنی به آن ها تلنگر زده بود. این دانشجویان که غیر مسیحی و در نتیجه احتمالاً نا آشنا به ده فرمان بودند، همچنان احساس کردند که اگر خدایی وجود داشت، هیچ چیز در زمینه اخلاقیات در زندگی شان درست نبود و باید برای خیلی چیزها جوابگو می بودند. اگر چه ما به عنوان مسیحیان، مردمی که باید بسیار با معیارهای اخلاقی خدا هماهنگ باشیم، نباید در صورت روبرو شدن با واقعیت خدای اخلاقیات، احساس ناراحتی بکنیم و دلیل آن نیز وعده انجیل است. ما یهودی

یا غیر یهودی، هنگامی که با گناهکاری مان روبرو می شویم، می توانیم در عدالت مسیح که با ایمان ”بدون اعمال شریعت“ (رومیان باب ۳ آیه ۲۸) به ما ارائه داده شده است، پناه یابیم. هنگامی که کاملاً از گناهانمان آگاه می شویم، می توانیم این وعده را بطلبیم که ”پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند“ (رومیان باب ۸ آیه ۱). ”یهودی و غیر یهودی بودن مهم نیست. همه بدون در نظر گرفته شدن سن، مقام، ملیت و یا امتیازهای مذهبی، برای آمدن نزد عیسی و زندگی با او دعوت شده اند.“ – الن جی. هوایت، Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 403

سوالاتی برای بحث

۱. آیات ۱ تا ۱۲ باب ۱۶ متی را بخوانید. فکر می کنید منظور عیسی از گفتن، ”آگاه باشید که از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان احتیاط کنید“ (آیه ۶) چیست؟ نخست حواریون اندیشیدند که منظور عیسی مخمر واقعی است. یهودیان بسیار مراقب بودند که در طول عید فصح از خمیر مایع استفاده نکنند؛ بنابراین آن‌ها گمان کردند عیسی به ایشان می آموخت که نان دارای خمیر مایع را نخرند. اما عیسی چیزی بسیار عمیق تر در ذهن داشت. آن چه بود؟
۲. محبت مسیح برای همه مردم باید نخستین و مهمترین پیامی باشد که از مسیحیت تجلی می‌یابد. پس از هر چیز، ما گناهکارانی در حال مبارزه نیز هستیم. هیچ کدام از ما به غیر از عیسی مسیح، امیدی نداریم. متأسفانه پیامی که ما می فرستیم می تواند گاهی قضاوت کننده و از روی خودبینی و برتری به نظر برسد. ما به عنوان یک کلیسا، با پیروی از عیسی چگونه می‌توانیم بهتر شفقت‌مان را نسبت به همه مردم نشان دهیم؟

پطرس و صخره



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: غلاطیان باب ۴ آیه ۴؛ عبرانیان باب ۷ آیه ۲۶؛ متی باب ۱۶ آیات ۱۳ تا ۲۰؛ افسسیان باب ۲ آیه ۲۰؛ متی باب ۱۶ آیات ۲۱ تا ۲۷، باب ۱۷ آیات ۱ تا ۹.

آیه حفظی: «ایشان را گفت: شما مرا که می‌دانید؟» (متی باب ۱۶ آیه ۱۵).

«و از آن زمان عیسی به شاگردان خود خبر دادن آغاز کرد که رفتن او به اورشلیم و زحمت بسیار کشیدن از مشایخ و رؤسای کهنه و کاتبان و کشته شدن و در روز سوم برخاستن ضروری است» (متی باب ۱۶ آیه ۲۱).

عهد جدید صریح است: عیسی باید می‌مرد. عیسی همانطور که با نمودار شدن سایه صلیب مواجه شد، چنین دعا کرد: «الان جان من مضطرب است و چه بگویم؟ ای پدر مرا از این ساعت رستگار کن. لکن بجهت همین امر تا این ساعت رسیده‌ام» (یوحنا باب ۱۲ آیه ۲۷). این نقشه الهی بود که در ذهن خدا و حتی «پیش از آغاز زمان»، شکل گرفت (تیتوس باب ۱ آیه ۲، تیموتائوس دوم باب ۱ آیه ۹ را نیز ببینید). به این دلیل است که عیسی به سادگی نگفت که قرار است بسیار رنج بکشد، بمیرد و در روز سوم قیام کند، بلکه باید با این چیزها روبرو شود. با توجه به طبیعت خدا، قداست قانون و واقعیت اراده آزاد، مرگ او تنها راهی بود که بشریت می‌توانست بواسطه آن، از مجازات تخطی نجات یابد.

این هفته بیشتر به داستان عیسی خواهیم پرداخت، اگرچه بر پطرس و چگونگی عکس‌العملش به خدمت عیسی مادامی که به سوی مرگ تعیین شده از «پیش از آغاز زمان» قدم بر می‌داشت، نیز تمرکز خواهیم کرد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۱ مه آماده شوید.

”تو مسیح هستی“

تصور کنید که شرایط برای پطرس که تقریباً از ابتدا با عیسی بود، چگونه می توانست باشد. مادامی که شاهد اتفاقات متعدد باور نکردنی بود، چه چیزی باید در ذهنش می گذشت: شفا دادن ها، بیرون کردن دیوها، غذا دادن به جمعیت های کثیر، تعالیم شگفت انگیز، مهار کردن طبیعت، زنده کردن مردگان و راه رفتن بر روی آب با هم؟ روزها پس از روزها با دیدن چیزهایی که هیچ کس در طول تاریخ هرگز ندیده بود، چه پرسش هایی (بار دیگر مانند چرا او اجازه داد یحیی تعمید دهنده چنین عاقبت ننگ آوری داشته باشد؟) باید در درونش به وجود آمده باشد؟ نباید فراموش کنیم که عیسی خدا در جسم بشری بود و اینگونه زندگی کرد و به بشریت خدمت نمود (غلاطیان باب ۴ آیه ۴؛ عبرانیان باب ۷ آیه ۲۶؛ اشعیا باب ۹ آیه ۶؛ لوقا باب ۲ آیات ۱۰ و ۱۱). بنابراین کسانی که در دوروبر عیسی بودند، با او زندگی کردند و جز حواریون او بودند، قرار بود تجربه های منحصر به فرد بسیاری داشته باشند.

آیات ۱۳ تا ۱۷ باب ۱۶ متی را بخوانید. عیسی از حواریونش چه سؤالی پرسید و اینکه نام پطرس به عنوان تنها فرد پاسخ دهنده ثبت شده است، به چه معناست؟ و چرا پاسخ او بسیار اساسی است؟

اعلام پطرس که عیسی ”مسیح، پسر خدای زنده“ (آیه ۱۶) است، یکی از مهم ترین نکات کل کتاب مقدس است. پطرس او را ”مسیح“، فرد برگزیده می خواند و با این اعتراف او می گفت (که به درستی همان شد) که عیسی، مسیح موعود بود، کسی که باید برای تحقق پیمان هایی که با ابراهیم و سپس با اسرائیل بسته شد، بیاید (غلاطیان باب ۳ آیه ۱۶).

پطرس همچنین در سرزمین قیصریه فیلیپای، عیسی را به عنوان مسیح معرفی نمود. آن جا کشوری غیر یهودی بود. پطرس در روزهای قبل از آن، مشاهده نموده بود که عیسی نه تنها برای یهود بلکه برای غیر یهود نیز خدمت می کرد. پطرس با کمک روح القدس تشخیص داد که عیسی چیزی بیشتر از یک نبی یهودی، چنان که دیگران پیشنهاد داده بودند، بود. مأموریت او بسیار فراتر از مأموریت یحیی تعمید دهنده، الیاء و یا ارمیا بود. در حقیقت باید تمام بشریت را دربر می گرفت؛ از این رو عیسی خود را ”پسر انسان“ می نامد که نشان دهنده هویت شخصی او مرتبط با همه انسان هاست. همان طور که کتاب مقدس پس از آن نشان می دهد، هنوز چیزهای زیادی وجود داشت که پطرس درباره عیسی و کامل و جهانی بودن آنچه که او برای انجامش آمده بود، بیاموزد.

عیسی در زندگی شما چه کارهایی انجام داده است که می‌توانید از آن‌ها برای دیگران شهادت بدهید؟ چرا خوب است که همواره این چیزها را در برابر خود داشته باشید و دیگران را سهیم کنید؟

مه ۱۶

دوشنبه

”بر این صخره“

دقیقاً پس از اعتراف جسورانه پطرس به ایمان به عیسی به عنوان ”مسیح، پسر خدای زنده“، عیسی چیزی در پاسخ به پطرس می‌گوید.

آیات ۱۷ تا ۲۰ باب ۱۶ متی را بخوانید. عیسی به پطرس چه گفت و ما باید چگونه منظور او را درک کنیم؟

عبارت ”بر این صخره“ در میان کلیسای مسیحی بحث برانگیز بوده است. کاتولیک‌ها این گونه تفسیر می‌کنند که صخره خود پطرس است، با این استدلال که پطرس نخستین خلیفه اعظم (پاپ) بود. اما پروتستان‌ها با دلیلی خوب این تعبیر را رد می‌کنند. بیشتر شواهد کتاب مقدس به وضوح به نفع این عقیده هستند که صخره خود مسیح است و نه پطرس.

اولاً باید توجه کنیم که، پطرس در چند جا به عیسی اشاره می‌کند به عنوان صخره و نه به خودش. (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۸ تا ۱۲، پطرس اول باب ۲ آیات ۴ تا ۸ را ببینید). ثانیاً، تصویر خدا و مسیح به عنوان صخره در سرتاسر کتاب مقدس یافت می‌شود؛ در مقابل، انسان‌ها ضعیف و غیر قابل اعتماد دیده شده‌اند. ”زیرا جبلت ما را می‌داند و یاد می‌دارد که ما خاک هستیم“ (مزامیر باب ۱۰۳ آیه ۱۴). ”بر رؤسا توکل مکنید و نه بر ابن آدم که نزد او اعانتی نیست“ (مزامیر باب ۱۴۶ آیه ۳). همان طور که یوحنا درباره عیسی نوشت: ”و از آنجا که احتیاج نداشت که کسی درباره انسان شهادت دهد، زیرا خود آنچه در انسان بود می‌دانست“ (یوحنا باب ۲ آیه ۲۵). او نیز می‌دانست در درون پطرس چه می‌گذشت (متی باب ۲۶ آیه ۳۴).

در مقابل، این آیات درباره اینکه صخره واقعاً کیست و بر روی چه کسی کلیسا ساخته شده است، چه چیزی به ما می‌گویند؟ (قرن‌تیان اول باب ۱۰ آیه ۴؛ متی باب ۷ آیات ۲۴ و ۲۵؛ افسسیان باب ۲ آیه ۲۰).

”هنگامی که عیسی این کلمات را بر زبان آورد، کلیسا تا چه حد ضعیف به نظر رسید! تمام قدرت دیوها و مردان شریر متوجه، تنها تعداد انگشت شماری از ایمانداران بود؛ با این حال پیروان مسیح نباید وحشت می‌کردند. آن‌ها بر صخره قدرت خود بنا شده بودند و امکان سرنگون شدن ایشان وجود نداشت.“ – الن جی. هوایت،

Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 413

تجربه شما در مورد جایز الخطا بودن و ضعف انسان‌ها چه بوده است؟ چگونه می‌توانید این تجربیات را برای کمک به تکیه کردن فقط بر صخره، به کار ببرید؟

۱۷ مه

سه شنبه

پطرس به عنوان شیطان

آیات ۲۱ تا ۲۳ باب ۱۶ متی را بخوانید. چرا عیسی ناگهان نسبت به پطرس خشن می‌شود؟

مشکل پطرس این نبود که سعی در حفاظت از عیسی را داشت. او در تلاش برای راهنمایی کردن عیسی بود. او دیگر از عیسی پیروی نمی‌کرد بلکه به عیسی می‌گفت که از او پیروی کند.

عیسی فرمود، ”اما او برگشته، پطرس را گفت: دور شو از من ای شیطان!“ (آیه ۲۳) زیرا پطرس مانند شیطان در بیابان، به تهدیدی خطرناک برای مأموریت مسیح تبدیل شده بود.

در آیه ۳۳ باب ۸ مرقس چنین ثبت شده است که در طول این مبادله، عیسی برگشت و به حواریونش نگاه کرد. او آمده بود که آن‌ها را نجات دهد. قرار نبود بخصوص توسط یکی از حواریونش، به کاری دیگر وسوسه شود، و هر چقدر هم آن شاگرد فکر می‌کرد نیت خوبی دارد.

هر قدر که پطرس شمعون در ایمانش پیشرفت کرده بود، سعی در کنترل مسائل از جمله خود عیسی را داشت. در این مفهوم پطرس تفاوت چندانی با شاگرد دیگر یهودا نداشت، کسی که سعی کرد عیسی را اداره کند و نقشه‌های خودش را از آنچه فکر می‌کرد مسیح آنگونه باید باشد، اعمال نماید. اما پطرس بر خلاف یهودا، عمیقاً تائب و خواستار بخشیده شدن و تأدیب بود.

آیات ۲۴ تا ۲۷ باب ۱۶ متی را بخوانید. منظور عیسی از بیان این آیه چیست، “زیرا هر کس بخواد جان خود را برهاند، آن را هلاک سازد؛ اما هر که جان خود را بخاطر من هلاک کند، آن را دریابد” (آیه ۲۵)؟

ما در فرهنگی زندگی می کنیم که به ما می گوید به دنبال رؤیاهایمان برویم و همه چیز را قربانی آنچه که می خواهیم انجام بدهیم، بکنیم. اما عیسی از ما می خواهد که برعکس آن را انجام دهیم؛ او از ما دعوت می کند که رؤیاهایمان را رها کنیم و آن ها را به او بسپاریم. پطرس و حواریون به تدریج ایمان حقیقی را می آموختند. ایمان واقعی قرار نیست تجربه هیجان انگیز دنبال نمودن آنچه که بیش از هر چیز دیگری می خواهید، باشد. ایمان واقعی تجربه دردناک رها کردن آنچه بیش از هر چیز می خواهید است. هنگامی که دست از رؤیاهایتان برمی دارید، زندگی تان را از دست می دهید. و در عین حال آن را دوباره می یابید.

برخی از چیزهایی که لازم بود شما برای پیروی از عیسی از دست بدهید، کدامند؟ شاید در آن زمان آن ها بسیار مهم به نظر می رسیدند، اما اکنون که به گذشته می نگرید، چگونه به نظر می آیند؟

۱۸ مه

چهارشنبه

اندکی دلگرمی از آسمان

آیات ۱ تا ۹ باب ۱۷ متی را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی افتاد و چرا هم برای خود عیسی و هم برای حواریون بسیار مهم بود؟

عیسی ”در میان محبت و دوستی آسمان سکونت داشت؛ اما در جهانی که خود خلق کرده بود، در تنهایی به سر می برد. اینک آسمان پیغام رسانانش را نزد عیسی فرستاده بود؛ آن ها از فرشتگان نبودند بلکه کسانی بودند که رنج و درد را تحمل نموده و می توانستند با نجات دهنده در سختی های زندگی زمینی اش همدردی کنند. موسی و الیاء یاوران مسیح بوده اند. آن ها در اشتیاق او برای نجات بشر شریک شده بودند ... این مردان، ورای فرشتگان اطراف عرش، انتخاب شده بودند که برای همراهی کردن عیسی در رنج هایش، نزد او بیایند و او را

با اطمینان از همدردی آسمانی، آرامش بخشند. امید جهان، نجات هر انسان، موضوع اصلی دیدار ایشان بود.“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, The Desire of Ages, pp. 422, 425

چقدر شگفت انگیز که عیسی پسر خدا، در انسانیتش نیازمند تسکین و تشویق این مردان بود که به نوبه خود از این رنج و دلسردی سهمی داشتند. لوقا چنین ثبت می کند که آن‌ها با عیسی صحبت کردند “درباره رحلت او که می‌بایست به زودی در اورشلیم واقع شود، گفتگو می‌کردند” (لوقا باب ۹ آیه ۳۱). به واژه واقع شدن توجه کنید که می‌تواند به صورت “تحقق یافتن” نیز ترجمه شود، شواهدی بیشتر بر اینکه، مرگ عیسی برای نجات بشریت الزامی بود. با چنین در معرض خطر بودن، جای تعجب ندارد که آسمان نیاز را دید و این دلگرمی را فرستاد.

پطرس، یعقوب و یوحنا نیز با وجود همه چیزهایی که تا آن زمان شنیده بودند، قرار بود دلایل بیشتری برای باور کردن دریافت کنند. وقتی که وحشت اولیه شان از بین رفت، صدایی که از ابرها می‌آمد به طور حتم می‌توانست به خوبی دلگرم کننده باشد. چقدر آشکار کننده است که متی می‌گوید که عیسی “نزدیک آمده، ایشان را لمس نمود و گفت: برخیزید و ترسان مباشید!” (متی باب ۱۷ آیه ۷). عیسی حتی در میان همه آنچه که در شرف روبرو شدن با آن‌ها بود، حواریونش را تسکین و دلداری می‌داد.

مهم نیست ما چه کسی هستیم و ایمان و فرمان برداری ما تا چقدر قوی هست، همه ما زمان‌هایی به تشویق نیازمندیم. این به این معنا نیز هست که کسی که شما می‌شناسید ممکن است به این تشویق نیاز داشته باشد. چه کسی را می‌شناسید که ممکن است بتوانید هم اینک او را تشویق کنید؟

مه ۱۹

پنجشنبه

عیسی و خراج معبد

آیات ۲۴ تا ۲۷ باب ۱۷ متی را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی می‌افتد و این در مورد عیسی به ما چه چیزی می‌گوید؟

درحالی که همه یهود موظف به پرداخت خراج معبد بودند، کاهنان، لایوان و خاخام‌ها از آن معاف بودند. بنابراین اینکه آیا عیسی مالیات معبد را پرداخت می‌کرد نیز یکی از چالش‌های مأموریتش بود.

خانم الن جی. هوایت می‌نویسد که پطرس یک موقعیت شهادت دادن از قدرت مطلق مسیح را در این فرصت از دست داد. ”او با پاسخش به جمع آوری کننده خراج که گفت عیسی خراج را پرداخت خواهد کرد، تقریباً برداشت اشتباه از عیسی را که کاهنان و رهبران سعی در انتشارش را داشتند، تضمین نمود... اگر کاهنان و لایوان به دلیل ارتباطشان با معبد از پرداخت خراج معاف بودند، پس مشخص است که تا چه میزان بیشتر برای کسی که معبد، خانه پدرش بود، این گونه باید می‌بود.“ - The Desire of Ages, pp. 433, 434

ما می‌توانیم از پاسخ مهربان عیسی به پطرس چیزهای زیادی بیاموزیم. عیسی به جای تحقیر کردن او، با ملایمت اشتباهش را توضیح می‌دهد، علاوه بر این، عیسی به خلاقانه ترین صورت ممکن به روشی که پطرس در پیش گرفته بود، مداخله می‌کند. به طور ساده به جای پرداخت خراج - در نتیجه تأیید تعهد خود نسبت به آن- عیسی خراج را از جای دیگر می‌گیرد: از دهن یک ماهی.

این معجزه غیر عادی است؛ این تنها باری است که عیسی معجزه‌ای ظاهراً برای منفعت خویش به عمل می‌آورد. اما هدف معجزه این نبود. در عوض، معجزه نشانی برای همگان از قدرت عیسی بر معبد و بر کل خلقت بود. از نقطه نظر یک انسان، ما چگونه می‌توانیم شروع به درک این که عیسی چگونه این معجزه را انجام داد، بکنیم؟ آیا می‌توانید تصور کنید که با همه چیزهایی که پطرس دیده بود، پس از این که تور ماهیگیری را به دریا می‌اندازد و اولین ماهی را می‌گیرد و مقدار دقیقی که برای خراج معبد بدهکار است را می‌یابد، چه چیزی به ذهنش خطور می‌کند؟ (اشعیا باب ۴۰ آیات ۱۳ تا ۱۷ را ببینید.)

اگر چه نیازی نبود که عیسی و حواریونش خراج معبد را بپردازند، اما عیسی در هر صورت از ایشان خواست که آن کار را انجام دهند تا از مشاجرات غیر ضروری جلوگیری شود. به چه روش‌هایی می‌توانیم به منظور جلوگیری از کشمکش‌های غیر ضروری، کم کردن تشنج را بیاموزیم، بخصوص در مورد چیزهایی که مطلق نیستند؟

۲۰ مه

جمعه

تفکری فراتر:

داستان اینکه عیسی واداشت پطرس دقیقاً همان مقدار پول را که لازم بود از دهان اولین ماهی که می‌گیرد، در آورد، بسیار خارق‌العاده است، چنان که بعضی از دانشمندان استدلال کرده‌اند، این فقط ”قسمتی از یک افسانه قوی“، داستانی جالب برای رساندن یک منظور و نه چیزی بیشتر، بود. به طور حتم این راه‌حلی کاملاً نامناسب بود (در حقیقت اصلاً یک راه حل

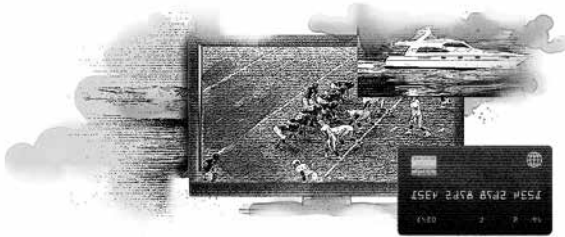
نمود). مطمئناً در مقابل انواع دیگر معجزه - برای مثال، شفای بیماران، بینا کردن نابینا، زنده کردن مردگان و سیر نمودن گرسنگان - این مورد کاملاً ماهیتی متفاوت دارد. در کتاب مقدس نیز سر تیر شناوری (پادشاهان دوم باب ۶ آیات ۲ تا ۷) و پشم گوسفند خیس بر روی زمین خشک و پشم گوسفند خشک بر روی زمین خیس (داوران باب ۶ آیات ۳۶ تا ۴۰) را داریم؛ بنابراین چنین ماهیتی در کتاب مقدس کاملاً نا شناخته نیست. چرا عیسی به جای انجام چنین کار برجسته و شگفت انگیزی برای حل کردن این مشکل نسبتاً کوچک، خیلی ساده پول را به پطرس نداد و از او نخواست که آن را پرداخت کند؟ آیات به چیزی در این باره اشاره نمی‌کنند. با این وجود همان طور که در این درس بیان شد، این به ما قدرت باور نکردنی خدا را نشان می‌دهد و نباید برایمان تعجب‌آور باشد. در نهایت، ما همواره شواهدی بر قدرت باور نکردنی او می‌بینیم. وجود محض ما بسیار کمتر از وجود قابل مشاهده کیهان، نمایشی شگفت انگیز از قدرت خدایمان است. اگر خدا توانست این کار را انجام دهد، قرار دادن سکه‌ای مخصوص در دهان یک ماهی خاص در برابر آن چیزی نبود. منظور پولس اگر چه در زمینه ای متفاوت نوشته شده است، اما به خوبی قابل درک است: ”زهی عمق دولتمندی و حکمت و علم خدا! چقدر بعید از غوررسی است احکام او و فوق از کاوش است طریقه‌های وی“ (رومیان باب ۱۱ آیه ۳۳). روایت آمده در انجیل متی، ابراز دیگری از این حقیقت است.

سوالاتی برای بحث

۱. تقلای پطرس در تسلیم نمودن اراده‌اش به خدا، چالشی برای ما نیز هست. تشبیه قدرتمندی از این چالش در باب ۱ ملاکی یافت می‌شود، جایی که خدا از یهود می‌خواهد تنها بهترین حیواناتشان را برای قربانی کردن بیاورند. ”و چون (حیوانات) دریده شده و لنگ و بیمار را آورده، آنها را برای هدیه می‌گذرانید آیا من آنها را از دست شما قبول خواهم کرد؟ قول خداوند این است“ (ملاکی باب ۱ آیه ۱۳). چرا خدا به نوع قربانی‌هایی که برای او می‌آوریم، اهمیت می‌دهد؟ زیرا او می‌خواهد آن چرا که بیشتر برای ما عزیز است به او واگذار کنیم. چه چیزهایی در زندگیتان وجود دارد که رها کردنشان برایتان دشوار است؟ چگونه می‌توانید آن چیزها را به خداوند بسپارید؟

۲. به روشی که عیسی برای اداره شرایط خراج معبد به کار برد، بیاندیشید. او به جای بدتر کردن شرایط، اجازه داد همانگونه باقی بماند. این به ما درباره درگیری‌های روزانه‌ای که ممکن است با آنها روبرو باشیم، چه چیزی می‌آموزد؟ چگونه متوجه می‌شوید که چه زمانی باید صحبت کنید و چه زمانی باید سکوت نمائید؟

بت‌های نفس (و درس‌هایی دیگر از عیسی)



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: جامعه باب ۹ آیه ۱۰؛ متی باب ۱۸ آیات ۱ تا ۴، آیات ۲۱ تا ۳۵، باب ۱۹ آیات ۱۶ تا ۳۰؛ غلاطیان باب ۳ آیات ۲۱ و ۲۲؛ متی باب ۱۹ آیه ۲۷. **آیه حفظی:** ”در همان ساعت، شاگردان نزد عیسی آمده، گفتند: چه کس در ملکوت آسمان بزرگتر است؟“ (متی باب ۱۸ آیه ۱).

ما به عنوان انسان، محصولی از محیط اطراف و فرهنگمان هستیم. این‌ها تا حد زیادی ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های ما را شکل می‌دهند. تفاوتی ندارد که در منطقه شهری بزرگ و یا در روستایی بدون آب آشامیدنی سالم رشد کرده باشید: فرهنگ و محیطی که در آن بزرگ شدید تا حد زیادی شما را آنگونه که هستید ساخته است. حتی اگر بتوانید به محیط جدیدی بروید، آثار محیطی که در آن رشد کرده اید، تا زمان مردن با شما خواهد بود.

متأسفانه، اکثر محیط‌ها و فرهنگ‌های ما تا حدی خلاف اصول ملکوت خدا کاری می‌کنند. روی هم رفته این جهان، جهانی سقوط کرده است و ارزش‌ها، اخلاقیات و رسوم آن اغلب بازتاب دهنده آن حالت سقوط کرده هستند. آن‌ها چه چیز دیگری را می‌توانند انعکاس دهند؟ از آن جایی که بسیار در فرهنگ و محیط اطرافمان قوطه ور هستیم، دیدن آن برایمان بسیار دشوار است.

در میان سایر چیزها، کار خدا در قلب‌هایمان برای نشان دادن ارزش‌ها، اخلاقیات و معیارهای ملکوت خدا به ما است. همان‌طور که این هفته خواهیم دید، آن ارزش‌ها، اخلاقیات و معیارها اغلب نسبت به شرایطی که ما در آن به دنیا آمده و پرورش یافتیم، بسیار متفاوت هستند. حواریون باید این درس‌ها را می‌آموختند؛ برای ما نیز چنین است.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۸ مه آماده شوید.

عظمت تواضع

چه کسی است که عظمت را آرزو نکند؟ یعنی، آیا کسی وجود دارد که نخواهد عظیم باشد یا کارهای عظیمی انجام دهد؟ این تمایل همیشه از روی خودخواهی یا تکبر یا جسارت نیست. بلکه می‌تواند خیلی ساده، انجام دادن کاری به بهترین شکل ممکن باشد، با این امید که شاید آن کار باعث رساندن برکت به دیگران شود. (جامعه باب ۹ آیه ۱۰ را نیز ببینید.)

اما مشکل مربوط به تعریف "عظمت" می‌شود. برای اذهان بشری سقوط کرده ما، درک این مفهوم به روشی بسیار متفاوت با دیدگاه خدا چقدر آسان است.

آیات ۱ تا ۴ باب ۱۸ متی را بخوانید. بر طبق گفته عیسی، عظمت واقعی چیست و ما چگونه باید آن را به روشی درک کنیم، تا بتوانیم آن را در زندگیمان اعمال کنیم؟

برای تعریف عظمت واقعی، عیسی کودکی را صدا زد تا در مقابل او بایستد و فرمود، "پس هر که مثل این بچه کوچک خود را فروتن سازد، همان در ملکوت آسمان بزرگتر است" (آیه ۴). عیسی درباره موعظه کننده ای بزرگ، تاجری بزرگ بودن و یا نیکوکاری بزرگ بودن صحبت نمی‌کرد. عظمت در نظر خدا مربوط به دروتمان است و نه خارج از خودمان، البته شکی نیست که، آنچه در درون وجود دارد بر آنچه که انجام می‌دهیم تأثیر می‌گذارد.

به این توجه کنید که عیسی عظمت را به روشی که اکثر مردم جهان تعریف نمی‌کنند، تعریف نمود. روی هم رفته، آیا کسی وجود دارد که روزی از خواب برخیزد و تصمیم بگیرد عظمتی که در زندگی می‌خواهد، فروتن شدن به اندازه کودکی خردسال است؟ برای ما به نظر عجیب می‌رسد که آرزوی چیزی مانند این را داشته باشیم، اما دلیلش اینست که ما بسیار آلوده با اصول، اندیشه‌ها و ایده‌های این جهان هستیم. فروتن بودن مانند کودکی خردسال به چه مفهوم است؟ یکی از شاخص‌های فروتنی اطاعت و اولویت دادن کلام خدا بر اراده خود است. اگر شما در مسیری اشتباه در زندگی‌تان قرار دارید، به این دلیل است که در مسیر خودتان قرار دارید. راه حل ساده است: خود را فروتن کنید و از طریق اطاعت از کلام خدا به راه او باز گردید. اگر آدم و حوا فروتن مانده بودند، مرتکب گناه نمی‌شدند. جالب است که درخت حیات و درخت معرفت نیک و بد هر دو در وسط باغ قرار داشتند. اغلب زندگی و نابودی از هم چنان دور نیستند. تفاوت تنها در فروتنی است.

بعضی دیگر از نگرش‌ها و اندیشه‌هایی که ما تنها به دلیل ارتباط مان با این جهان داریم که با کلام خدا مغایر هستند، کدامند؟ پاسخ خود را در روز سبت در کلاس مطرح کنید.

۲۳ مه

دوشنبه

عظمت بخشش

یکی از بدترین عواقب سقوط در روابط بین افراد دیده می‌شود. از آدم که تلاش به مقصر دانستن حوا برای گناهش داشت (پیدایش باب ۳ آیه ۱۲) تا به امروز بر روی زمین، نژاد ما با به خاطر کشمکش میان افراد فاسد و تخریب شده است. متأسفانه اختلاف‌ها تنها در دنیا نیست بلکه در کلیسا نیز وجود دارد.

آیات ۱۵ تا ۳۵ باب ۱۸ متی را بخوانید. عیسی در اینجا به ما چه می‌گوید؟ با این حال، چرا ما اغلب از کلام او پیروی نمی‌کنیم؟

بیائید صادق باشیم: صحبت کردن پشت سر دیگران و شکایت کردن از آن‌ها آسان‌تر از رفتن مستقیم نزد ایشان و حل کردن مشکل است. با وجود اینکه خداوند ما را به انجام روش دوم راهنمایی نموده است، ما دقیقاً به این دلیل است که نمی‌خواهیم این کار را انجام دهیم. در عین حال عیسی به ما می‌آموزد که مستقیماً نزد کسی که ما را رنجانده است برویم و برای ابقای رابطه مان تلاش کنیم. اگر آن فرد پذیرا نبود، سپس آموزش‌های دیگری وجود دارند.

”زیرا جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند، آنجا در میان ایشان حاضرم“ (متی باب ۱۸ آیه ۲۰). به زمینه این آیه نگاه کنید؛ این آیه درباره تأدیب و اصلاح فرد دیگری است. (ما تمایل داریم که این آیه را به طور گسترده تری به کار ببریم.)

عیسی می‌فرماید که هنگامی که گروه کوچکی برای اصلاح یک ایماندار تلاش می‌کنند، روح‌القدس در آنجا وجود دارد. این کار زیبایی نجات است. که با تواضع کار درست را انجام دادن و صحبت کردن مستقیم با کسی که شما را رنجانده است، آغاز می‌شود. این نیز می‌تواند نمونه دیگری باشد از بزرگی در کسانی که آن را انجام می‌دهند.

بار دیگر آیات ۲۱ تا ۳۵ باب ۱۸ متی را بخوانید. در اینجا عیسی به چه نکته بسیار مهمی اشاره می‌کند؟

وقتی که عیسی می گوید ”هفتاد بار هفت مرتبه ببخش“، منظور او این است که ما هرگز نباید دست از بخشش کسی برداریم. عیسی در مورد نیاز به بخشش نه فقط برای مصلحت دیگران، بلکه برای مصلحت خودمان، بسیار جدی است. ببینید تمثیلی که عیسی برای رساندن منظورش گفت تا چه حد قوی است. این امکان وجود دارد که ما برای بسیاری از چیزها بخشیده شویم؛ کل انجیل درباره بخشش است (خروج باب ۳۲ آیه ۳۲، اعمال رسولان باب ۵ آیه ۳۱، کولسیان باب ۱ آیه ۱۴ را ببینید)، اما اگر ما دیگران را آنچنان که خدا ما را بخشیده است، نبخشیم ممکن است با عواقبی وخیم روبرو شویم.

چرا فکر کردن به صلیب و بخششی که به خاطر آن به ما داده شده است، بسیار مهم است؟ اگر خدا این کار را برای شما انجام داد و اگر این لازمه نجات تان بوده است، چگونه می توانید بدون در نظر گرفتن غیر ممکن بودن آن، بیاموزید که دیگران را ببخشید؟

۲۴ مه

سه شنبه

معبودهای نفس

آیات ۱۶ تا ۳۰ باب ۱۹ متی را بخوانید. ما به عنوان مسیحیان عهد جدید، چگونه باید با این روایت ارتباط داشته باشیم؟ چه درس هایی از آن می توانیم بیاموزیم؟

اگر چه چیز خاص زیادی درباره این مرد به ما گفته نشده است، اما می توانیم چند نکته برجسته را متوجه بشویم. او ثروتمند، یک حاکم (لوقا باب ۱۸ آیه ۱۸ را ببینید) و ظاهراً پیرو بسیار دقیق قانون خدا بود. همچنین می توانیم ببینیم که احساس کرد چیزی در زندگی اش کم است. این ممکن است کمی از داستان مارتین لوتر را به خاطر بیاورد؛ او اگر چه در ظاهر راهبی پارسا بود، اما در درون از زندگی روحانی خود ناراضی بود و از نجات یافتن مطمئن نبود. در هر دو مورد، آن ها احساس کردند که شکاف بین ایشان و خدا با کارهای ظاهریشان از بین نخواهد رفت.

”این حاکم عدالت خود را بسیار عالی می دانست. او واقعاً گمان می کرد عیبی داشته باشد، اما با این حال، در مجموع راضی نبود. او احساس می کرد چیزی را می خواهد که ندارد. آیا عیسی نمی توانست همان طور که کودکان خردسال را برکت داد، او را نیز برکت دهد و خواسته روحش را ارضا کند؟“ – الن جی. هوایت،

Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 518.

بعضی از مردم ممکن است استدلال کنند که در این روایت، عیسی این را تعلیم می دهد که ما بر اساس کارهای نیکمان زندگی ابدی دریافت می کنیم. در نهایت، در آیه ۱۷ باب ۱۹ متی عیسی می فرماید "اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار." اگر این تنها آیه در این زمینه بود، امکان رسیدن به این استدلال وجود داشت. اما آیات بسیاری بخصوص در نوشته های پولس، چنین می آموزند که قانون ما را نجات نمی دهد، بلکه به نیاز ما به نجات اشاره می کند (رومیان باب ۳ آیه ۲۸؛ غلاطیان باب ۳ آیات ۲۱ و ۲۲؛ رومیان باب ۷ آیه ۷). در عوض، عیسی حتماً آن مرد را راهنمایی کرد تا نیاز زیادش را بیشتر درک کند. گذشته از هر چیز، اگر تنها اطاعت از قانون می توانست نجات را به همراه آورد، پس آن مرد از آن جایی که بسیار در این کار دقیق بود، باید پیش از این نجات می یافت. انجیل باید در قلب نفوذ کند، مستقیم به معبود نفس برود و هر چیزی که مانع رابطه ما با خداست، باید از میان برداشته شود. در این مورد پول او بود. عیسی اشاره می کند که نجات یافتن تا چه حد برای مردی ثروتمند دشوار است؛ و با این حال، کمی پس از این مکالمه، لوقا داستان زیبای آن اتفاق را ثبت می کند (لوقا باب ۱۹ آیات ۱ تا ۱۰).

اگر شما بجای آن مرد ثروتمند بودید و از عیسی همان سؤال را می پرسیدید، او به شما چه چیزی می گفت؟ به دلایل ساختن بیانیدشید.

مه ۲۵

چهارشنبه

چه منفعتی در آن برای ما وجود دارد؟

دقیقاً پس از واقعه آن حاکم ثروتمند، چه اتفاقی می افتد؟ "آنگاه پطرس در جواب گفت: اینک ما همه چیزها را ترک کرده، تو را متابعت می کنیم. پس ما را چه خواهد بود؟" (متی باب ۱۹ آیه ۲۷). در آیه اشاره ای به آنچه باعث بوجود آمدن این پرسش شد، نشده است، اما به آسانی می توانست پاسخی مستقیم به روی برگرداندن آن مرد ثروتمند از عیسی باشد. به نظر می رسد که منظور پطرس این بود که برخلاف این مرد و دیگران که یا عیسی را نپذیرفتند و یا برای مدت کوتاهی با او ماندند و سپس او را ترک کردند، او و دیگر حواریون از همه چیز خود برای عیسی گذشتند. آن ها حتی با وجود بهای شخصی زیاد، باز هم به عیسی وفادار می ماندند. از این رو، پرسش این است که چه منفعتی در آن برای ما وجود دارد؟

امروزه از چشم انداز ما، ممکن است این پرسش را نشانه دیگری از میزان سخت دل و کاملاً غیر روحانی بودن حواریون ببینیم (و این تا حدی درست است). از سویی دیگر، چرا پرسشی مانند سؤال پطرس نپرسیم؟ چرا او نباید به دنبال این می بود که بداند با پیروی از عیسی چه چیزی به دست می آورد؟ در نهایت، در اینجا زندگی حتی برای کسانی که در بهترین شرایط هستند، دشوار است. ما همگی در معرض صدمات روحی، ناامیدی و درد ناشی از وجود سقوط شده مان، هستیم. یک روشن فکر ایتالیایی به نام جیاکومو لئوپاردی (*Giacomo Leopardi*) در قرن ۱۹ درباره ناراحتی بسیار زیاد انسان‌ها چنین نوشت، «تا زمانی که انسان زندگی را احساس می کند، ناراضی‌تی و درد را نیز حس می کند.»

زندگی اغلب مبارزه ایست و وجود خوبی در این جهان همیشه به اندازه وجود شرارت نیست. پس پرسش پطرس کاملاً منطقی است. از آن جایی که زندگی دشوار است، چه منفعتی در پیروی کردن از عیسی برای ما وجود دارد؟ ما باید از تعهدی که عیسی از ما می طلبد، چه انتظاری داشته باشیم؟

عیسی چگونه به این پرسش پاسخ داد؟ (متی باب ۱۹ آیه ۲۸ تا باب ۲۰ آیه ۱۶ را ببینید.)

به این توجه کنید که عیسی پطرس را برای خودخواهی یا چیزی مانند آن توبیخ نکرد. او نخست پاسخی بسیار بی پرده به او داد و سپس تمثیل مربوط به کارگران و دستمزدشان را بیان نمود. اگر چه در طی قرن‌ها بحث‌های زیادی درباره مفهوم این تمثیل صورت گرفته است، نکته اساسی مشخص است: آن چیزی را که عیسی به ما وعده داده است، دریافت خواهیم کرد.

اگر کسی از شما پرسد «من با خدمت کردن به عیسی چه چیزی به دست خواهم آورد؟» شما چه پاسخی خواهید داد؟

داد که عیسی و حواریونش به سمت اورشلیم به راه افتادند، این تنها چند روز پیش از آن بود که یعقوب و یوحنا از عیسی بپرسند که آیا این امکان وجود دارد که در ملکوت در سمت چپ و راست عیسی بنشینند.

آیات ۲۰ تا ۲۷ باب ۲۰ متی را بخوانید. آیات ۵۱ تا ۵۶ باب ۹ لوقا درباره آمادگی یعقوب و یوحنا برای نشستن در طرفین عیسی در ملکوت، به ما چه می‌گویند؟

به وضوح، یعقوب و یوحنا پسران رعد، حتی بعد از اینکه برای بشارت دادن به مناطق اطراف فرستاده شده بودند، باز هم به جای اینکه نگران نجات اطرافیانشان باشند، بیشتر نگران آینده خود بودند. این روایت به نوعی شبیه به چیزی است که دیروز درباره پرورش پطرس در مورد منفعت موجود در پیروی از عیسی دیدیم. به دقت به پاسخ عیسی در اینجا توجه کنید ”می‌دانید چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از آن کاسه‌ای که من می‌نوشم، بنوشید و تعمیدی را که من می‌یابم، بیابید؟ بدو گفتند: می‌توانیم“ (متی باب ۲۰ آیه ۲۲). به عبارت دیگر شناخته شدن با جلال آینده عیسی به این معنی است که نخست با رنج و مرگ او شناخته بشوند، چیزی که آن‌ها پیش بینی نکرده و برای آن آماده نبودند. این واقعیت که آن‌ها بلافاصله پاسخ دادند ”می‌توانیم“ (متی باب ۲۰ آیه ۲۲) نشان می‌دهد که نمی‌دانستند عیسی در چه موردی به ایشان هشدار می‌داد. اما در نهایت از آن آگاه می‌شدند.

تضادی جالب توجه در اینجا ارائه شده است، چیزی که لازم است ما نیز به آن بیاندیشیم. همان طور که در مطالعه دیروز دیدیم، در صورت پیروی از عیسی، به ما چیزهای فوق‌العاده و حتی ”حیات جاودان“ (متی باب ۱۹ آیه ۲۹)، وعده داده شده است. در عین حال، کتاب مقدس نیز این را مشخص می‌کند که در این جهان پیروی از عیسی با بهایی گاهاً بسیار بزرگ همراه است. خود عیسی بعدها به پطرس گفت که در یاد خدا شهید خواهد شد (یوحنا باب ۲۱ آیات ۱۸ و ۱۹ را ببینید). بسیاری از ایمانداران در طول تاریخ و حتی امروزه، بهای زیادی برای پیروی از عیسی پرداخته‌اند. در حقیقت اگر ما واقعاً تا کنون بهای زیادی برای پیروی از خداوند نداده‌ایم، عاقلانه به نظر می‌رسد که از خود بپرسیم آیا در مسیرمان مشکلی وجود دارد یا خیر. با این وجود، این بها هر چه که باشد، باز هم چنان بهای گزافی نیست.

پیروی از عیسی برای شما چه بهایی داشته است؟ به دقت به دلایل پاسختان بیاندیشید.

تفکری فراتر:

در طول قرن‌ها، برخی از مردم برای آنچه که گاهی "قانون طبیعی" نامیده می‌شود، استدلال‌هایی آورده‌اند. ایده اصلی اگر چه به اشکال مختلف ابراز می‌شود، این است که ما می‌توانیم از جهان طبیعی، اصول اخلاقی بدست آوریم که ما را در کارهایمان راهنمایی کنند. از یک نظر، ما که این باور مسیحی را داریم که طبیعت "کتاب دوم" خداست، می‌توانیم بپذیریم که این نظریه تا حدی درست است. برای مثال، مباحثه پولس در رومیان باب ۱ آیات ۱۸ تا ۳۲ را درباره آنچه مردم باید از جهان طبیعی درباره خدا آموخته باشند، ببینید. در عین حال، نباید فراموش کنیم که این جهان، جهانی سقوط کرده است و ما آن را با اذهانی فاسد و سقوط کرده نظاره می‌کنیم. پس نباید جای هیچ تعجبی باشد که این امکان وجود دارد که درس‌های اخلاقی اشتباه از طبیعت بیاموزیم. برای مثال یکی از بزرگترین ذهن‌های فانی عهد باستان، فیلسوف یونانی ارسطو، بر اساس درکش از طبیعت برای برده داری استدلال آورد. از نظر او، طبیعت دو طبقه از مردم را آشکار ساخت، یکی "زیر دست دیگری ... در تبعیت ... حیوان زیر دست انسان". پس برای آنها "زندگی به عنوان برده سودمند است". این تنها یکی از مثال‌های بسیاری است که درباره میزان تضاد اصول، ارزش‌ها و اندیشه‌های دنیوی با اصول، ارزش‌ها و اندیشه‌های ملکوت خدا وجود دارد، و لهذا لازم است که صرف نظر از جایی که به دنیا آمدم و در آن رشد کردیم - نیازمند مطالعه کلام خدا و بدست آوردن اخلاقیات، ارزش‌ها و معیارهایی باشیم که بر زندگی ما حکمرانی کنند. هیچ چیز دیگری به نفس قابل اعتماد نیست.

سوالاتی برای بحث

۱. عیسی ما را فرا می‌خواند تا همه کسانی را که باعث رنجش ما شده‌اند، ببخشیم. این شامل خانواده‌هایمان نیز می‌شود. به یک فرد نزدیک که شما را رنجانده است بیانید. اگر چه اثرات آن ممکن است برای همیشه باقی بماند، اما چگونه می‌توانید به مرحله‌ای برسید که بتوانید ببخشید؟
۲. در کلاس درباره پاسخ‌تان به پرسش روز یکشنبه درباره تضاد میان ارزش‌های جامعه‌تان و ارزش‌های کتاب مقدس، بحث کنید. ما به عنوان مردمی مسیحی، چگونه باید با این تفاوت‌ها برخورد کنیم؟
۳. در مورد اندیشه عظمت با داشتن فروتنی مانند یک کودک، بیشتر بیانید. این برای ما که مسیحی هستیم به چه مفهومی است؟
۴. ما به عنوان ادونتیسست‌های روز هفتم به اطاعت از قانون خدا، ده فرمان معتقدیم و این کاملاً صحیح است. با این وجود، روایت حاکم ثروتمند باید درباره اینکه چرا مهم بودن اطاعت عملی از قانون خدا، کافی نیست و مسیحیت حقیقی علاوه بر این، مستلزم چیزهای بیشتر است، چه چیزی به ما می‌گوید؟

عیسی در اورشلیم



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: زکریا باب ۹ آیه ۹؛ متی باب ۲۱ آیات ۱ تا ۴۶؛ رومیان باب ۴ آیات ۱۳ تا ۱۶؛ مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۷ تا ۱۲؛ اعمال رسولان باب ۶ آیه ۷؛ متی باب ۲۲ آیات ۱ تا ۱۵.

آیه حفظی: ”مگر در کتب هرگز نخوانده‌اید این که سنگی را که معمارانش رد نمودند، همان سر زاویه شده است. این از جانب خداوند آمد و در نظر ما عجیب است“ (متی باب ۲۱ آیه ۴۲).

در آیات ۲۷ و ۲۸ باب ۲۰ متی، عیسی فرمود ”و هر که می‌خواهد در میان شما مقدم بود، غلام شما باشد. چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد.“ این عیسی است، خدای ابدی، کسی که همه چیز را آفرید، به عنوان یک خدمتگزار بر روی زمین زندگی کرد و برای نیاز گم‌شدگان، بیماران و محتاجان که بسیاری از ایشان همچنان او را خوار شمردند، خدمت نمود. چه فداکاری و از خود گذشتگی؛ ما به سختی می‌توانیم آن را درک کنیم!

اما به همان اندازه که خادم بودن او غیر قابل درک است، تعجب آورتر است که او که خدای ابدی است اکنون با هدف کلی آمدنش به اینجا روبروست: ”جان خود را در راه بسیاری فدا سازد“ این انکار نفس و از خودگذشتگی بزودی به اوج رمز و راز خود خواهد رسید ”فرشتگان نیز مشتاق هستند که در آن نظر کنند“ (پطرس اول باب ۱ آیه ۱۲) و آن صلیب است.

در درس این هفته نگاهی خواهیم انداخت به اتفاقات بزرگ و تعالیم عیسی پس از ورودش به اورشلیم، نه برای به پادشاهی زمینی رسیدن همان طور که بسیاری از مردم چنین آرزو داشتند، بلکه ”در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم“ (قرنتیان دوم باب ۵ آیه ۲۱).

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۴ ژوئن آماده شوید.

ظهور نبوت شده

یهود پس از هفتاد سال اسارت در بابل، شروع به بازگشت به اورشلیم نمودند. آن‌ها برای باز سازی معبد خود هیجان زده بودند، اما پس از آنکه شالوده گذاشته شد، کسانی که معبد مجلل سلیمان را به یاد آوردند، متوجه شدند که این معبد دوم حتی اندکی نیز به خوبی آن معبد نخواهد بود. از این رو، ایشان ”به آواز بلند گریستند“ (عزرا آیه ۳ باب ۱۲).

مردم قدری دلگرمی غیر منتظره از دو مرد که در میانشان ایستاده بودند، دریافت کردند: نبی‌ئی سالخورده به نام حجی و یک نبی جوان به نام زکریا. حجی به مردم یادآوری کرد که جلال حقیقی معبد سلیمان از آنچه سلیمان و دیگران به آن آورده بودند، نبود. آن معبد متعلق به سلیمان نبود. بلکه معبد خدا بود. حجی گفت: ”زیرا که یهوه صباوت چنین می‌گوید: یک دفعه دیگر و آن نیز بعد از اندک زمانی، آسمانها و زمین و دریا و خشکی را متزلزل خواهم ساخت. و تمامی امت‌ها را متزلزل خواهم ساخت و فضیلت جمیع امت‌ها خواهند آمد و یهوه صباوت می‌گوید که این خانه را از جلال پر خواهم ساخت. یهوه صباوت می‌گوید: نقره از آن من و طلا از آن من است. یهوه صباوت می‌گوید: جلالِ آخر این خانه از جلال نخستینش عظیم‌تر خواهد بود و در این مکان، سلامتی را خواهم بخشید. قول یهوه صباوت این است“ (حجی باب ۲ آیات ۶ تا ۹).

زمانی که نبی جوان زکریا سخن گفت، شرایط حتی امیدوارانه تر شد: ”ای دختر صهیون بسیار وجد بنما و ای دختر اورشلیم آواز شادمانی بده! اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید. او عادل و صاحب نجات و حلیم می‌باشد و بر الاغ و بر کره بچه الاغ سوار است“ (زکریا باب ۹ آیه ۹).

این پیشگویی‌های شگفت‌انگیز چگونه در مورد آیات ۱ تا ۱۱ باب ۲۱ متی - ورود عیسی به اورشلیم، به کار برده می‌شوند؟

”مسیح برای ورود سلطنتی اش از رسوم یهودی پیروی می‌کند. حیوانی که او بر آن سوار شد، همان بود که پادشاهان اسرائیل بر آن سوار می‌شدند و در پیشگویی آمده بود که بدین ترتیب است که مسیح موعود به پادشاهی خود خواهد آمد. بلافاصله پس از اینکه او بر کره اسب سوار شد، فریادی از پیروزی به هوا برخاست. جمعیت کثیری او را به عنوان مسیح موعود، پادشاهشان مورد ستایش قرار دادند. اینک عیسی تجلیلی را که هرگز پیش از آن مجاز ندانسته بود، پذیرفت و حواریون این را به عنوان مدرکی برای تحقق امیدهای خوشایندشان با دیدن عیسی بر روی تخت پادشاهی، تلقی کردند. جمعیت کثیر متقاعد شده بودند که زمان رهایی‌شان نزدیک است. آن‌ها در تصورشان خروج ارتش رم از اورشلیم و تبدیل اسرائیل بار

دیگر، به ملتی مستقل را دیدند.“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 570

بارها می بینیم که چگونه کتاب مقدس تحقق یافت و با این وجود، در آن زمان مردم آن را درک نکردند. ما درباره اینکه چگونه تصورات پیشین می تواند حقیقت را تحریف نماید، چه درس هایی می توانیم بیاموزیم؟

۳۰ مه

دوشنبه

عیسی در معبد

از نخستین روزهای زندگی بشر سقوط کرده، قربانی کردن حیوانات روش منتخب خدا برای آموختن نقشه نجات به جهان بود، نجات با فیض از طریق ایمان به مسیح موعود (رومیان باب ۴ آیات ۱۳ تا ۱۶). نمونه قدرتمندی از این حقیقت را می توان در باب ۴ پیدایش یافت، داستان هابیل و قائن و فاجعه ای که بر سر پرستش در میان سایر چیزها رخ داد (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۷ تا ۱۲ را نیز ببینید). از این رو، هنگامی که خدا اسرائیل را قوم برگزیده خود خواند ”مملکت کهنه و امت مقدس“ (خروج باب ۱۹ آیه ۶)، آئین های معبد را نیز به عنوان توضیح کامل تر و دقیق تر نجات در نظر گرفت. از خیمه در بیابان تا معبد سلیمان و باز سازی دوباره آن پس از بازگشت از بابل، مزده انجیل به صورت نمادها و نمونه هایی از آئین های معبد نمایان شد.

با این حال با وجود خاستگاه الهی، معبد و آئین هایش توسط انسان سقوط کرده انجام شده بود و درست همانطور که هر چیزی که انسان ها در آن نقش دارند، به فساد منتهی می شود، در اینجا در مورد این خدمت مقدس که خدا برای نمایان کردن محبت و رحمتش به جهان سقوط کرده نهاده بود نیز چنین بود. در زمان عیسی همه چیز به شدت به دلیل حرص و طمع کاهنان، چنان به انحراف کشیده شده بود (درست همان کسانی که مسئول اجرای خدمات بودند!) که ”حرمت آئین قربانی کردن در نظر مردم تا حد زیادی از بین رفته بود.“ - الن جی. هوایت،

Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 590

آیات ۱۲ تا ۱۷ باب ۲۱ متی را بخوانید. در اینجا برای ما عبادت کنندگان خدا چه درس هایی وجود دارد؟

درست مانند بسیاری از موقعیت‌های دیگر، عیسی برای توجیه کارهایش از کتاب مقدس نقل قول کرد، که این گواه بیشتری است بر اینکه ما به عنوان پیروان خداوند می‌بایست کتاب مقدس را مرکز جهان بینی و نظام اخلاقی خود قرار دهیم. در کنار نقل قولش از کتاب مقدس، شفای معجزه آسای نابینا و لنگ نیز وجود داشت. همه این‌ها مدارک قوی‌تر و متقاعد کننده تری از طبیعت و فراخوانی الهی او داد. چقدر غم انگیز است که کسانی که باید بیش از همه نسبت به این شواهد حساس بوده و پذیرای آن‌ها می‌بودند، بیش از همه با او مخالفت کردند. بسیاری به دلیل نگرانی از دارائی‌های زمینی و مقام‌هایشان به عنوان “خدمتگزاران” و “محافظان” معبد، نکته اصلی خدمت معبد را فراموش کردند: نجات در عیسی.

چگونه می‌توانیم اطمینان یابیم که اجازه ندهیم تمایلاتان چیزی در اینجا بدست نیاورند و نگه ندارند، حتی چیزی خوب ممکن است آنچه که بسیار مهم است را به خطر بی‌اندازد: زندگی ابدی در عیسی؟

۳۱ مه

سه شنبه

بدون میوه

پاکسازی معبد توسط عیسی عملی از روی شفقت بود. خرید و فروش در محوطه مختص غیر یهود بود و عیسی در نظر داشت که خانه اش مکانی برای دعا و عبادت همه مردم باشد. اما پاکسازی، عملی از داوری نیز بود. کاهنانی که معبد را اداره می‌کردند فرصتشان را در برکت دادن به همه مردم از دست داده بودند؛ روز داوری ایشان نزدیک بود. اگر پس از همه آن کارهایی که عیسی برای نمایان کردن فراخوانی الهی خویش انجام داده بود، این مردان همچنان از قبول او سرباز می‌زدند، چه چیز دیگری می‌توانست اتفاق بیافتد، غیر از اینکه آن‌ها نتایج انتخاب‌های غم‌انگیز خود را درو کنند؟

آیات ۱۸ تا ۲۲ باب ۲۱ متی را بخوانید. چگونه نفرین عیسی به درخت انجیر و پاکسازی معبد توسط او با هم مرتبط هستند؟

عیسی درخت انجیر را به عنوان تمثیلی عملی درباره بسیاری از رهبران ملت یهود که در نهایت و به گونه ای جبران ناپذیر آنچه کاشته بودند را درو می‌کردند، لعن نمود. با این وجود ما باید به یاد داشته باشیم که این تمثیل به همه رهبران دینی اشاره نمی‌کرد. در حقیقت بسیاری به عیسی به عنوان مسیح موعود ایمان آوردند. ”و کلام خدا ترقی نمود و عدد

شاگردان در اورشلیم بغایت می‌افزود و گروهی عظیم از کهنه مطیع ایمان شدند“ (اعمال رسولان باب ۶ آیه ۷). با این وجود، همان طور که درخت انجیر میوه ای بار نیاورد، خدمت معبد نیز که به زودی بی اعتبار می شد، ثمره‌ئی نداشت.

این عمل و سخنان خشن عیسی احتمالاً برای حواریون که هنوز سعی در آموختن درس‌هایی از شفقت و کمالی که عیسی در طی مأموریتش آشکار نمود، بودند بسیار تکان دهنده بود. این همان عیسی بود که اعلام کرد برای محکوم کردن جهان نیامده بود، بلکه برای نجات آن آمده بود؛ همان عیسی که ادعا نمود ”زیرا که پسر انسان نیامده است تا جان مردم را هلاک سازد بلکه تا نجات دهد. پس به قریه‌ای دیگر رفتند“ (لوقا باب ۹ آیه ۵۶). همه کلمات و کارهای مأموریت او به بازگرداندن بشر سقوط کرده، متوجه ساختن مردم به امید و وعده حیاتی جدید در او، اختصاص داده شده بود. بنابراین خشن صحبت و رفتار کردن عیسی با چنان قطعیتی، آنها را متعجب ساخت، و به این دلیل است که متی نوشت که آنها از آنچه که او انجام داده بود شگفت زده شده بودند.

شکی نیست که دیر یا زود مردم کاملاً رحمت و فیض خدا را رد می‌کنند (پیدایش باب ۶ آیه ۱۳، باب ۱۵ آیه ۱۶، باب ۱۹ آیه ۲۴؛ مکاشفه یوحنا باب ۲۲ آیه ۱۱ را ببینید). پس چرا بسیار مهم است که ما چنان داوری‌هایی را به خدا واگذار کنیم و هرگز چه درباره دیگران و یا حتی خودمان چنین قضاوت نکنیم؟

۱ ژوئن

چهارشنبه

سنگ

اگر تنها چند روز از عمرتان باقی مانده باشد، چه کارهایی در این زمان باقی مانده انجام خواهید داد؟ یکی از کارهایی که عیسی انجام داد، بیان روایاتی بود که بر شنوندگانش تاثیر عمیقی بگذارند.

آیات ۳۳ تا ۴۶ باب ۲۱ متی را بخوانید. چه کسانی با عناوینی که در زیر آمده است، معرفی شده‌اند؟

صاحب ملک:

کشاورزان:

خدمه:

پسر:

به نقل قول عیسی از آیات ۲۲ و ۲۳ باب ۱۱۸ مزامیر توجه کنید. مسیح با بیان پیشگویی سنگ نپذیرفته شده، به واقعه‌ای در تاریخ اسرائیل اشاره کرد. این واقعه با ساختن نخستین معبد مرتبط بود. هنگامی که معبد سلیمان بنا شد، سنگ‌های بزرگی برای دیوارها و شالوده آن، به طور کامل در معدن آماده شدند. پس از اینکه به ساختمان آورده می‌شدند، نباید ابزاری بر روی آنها استفاده می‌شد و صدای تراشیدن و چکش کاری شنیده می‌شد. کارگران باید تنها آنها را سر جایشان می‌گذاشتند. سنگی به اندازه غیر معمول و با شکلی عجیب برای استفاده در شالوده آورده شده بود. اما کارگران نتوانستند جایی برای آن پیدا کنند و آن را نپذیرفتند. آن سنگ که در مسیرشان غیر قابل استفاده بود، برایشان آزار دهنده بود. برای مدتی آن سنگ به صورت رها شده، باقی ماند.

اما زمانی که کارگران به ساختن کنج رسیدند، برای مدت طولانی به دنبال سنگی با اندازه و قدرت کافی و شکل مناسب گشتند تا فضای مورد نظر را پر کند و وزنی را که بر روی آن خواهد بود را تحمل نماید... اما در نهایت توجه‌شان به سنگی که مدت‌ها بی استفاده مانده بود، جلب شد... سنگ پذیرفته، و برای قرار دادن در جای خود آورده شد و معلوم شد که دقیقاً مناسب آنجا بوده است.

بار دیگر آیه ۴۴ باب ۲۱ متی را بخوانید. دو روش متفاوت در مربوط شدن به سنگ ارائه شده است: یکی افتادن بر روی سنگ و شکسته شدن است؛ دیگری این است که سنگ بر روی شما بیفتد و شما توسط آن خرد بشوید. تفاوت مهم بین این دو چیست؟ (مزامیر باب ۵۱ آیه ۷ و دانیال باب ۲ آیه ۳۴ را ببینید.)

۲ ژوئن

پنجشنبه

بهای فیض

مژده بسیار خوب کتاب مقدس این است که ما توسط خدایی با محبت خلق شده ایم، که از طریق قربانی شدن عیسی بر روی صلیب، راهی برای خلاص شدن همگی ما از این آشفته‌گی گناه و مرگ، مهیا نموده است. این موضوعی است که به گونه‌های متفاوت در کل کتاب مقدس وجود دارد. ما می‌توانیم آن را در تمثیل‌های زیر که توسط عیسی بیان شدند، نیز ببینیم.

آیات ۱ تا ۱۵ باب ۲۲ متی را بخوانید. این تمثیل درباره نجات به واسطه ایمان چه می‌آموزد؟

هر قدر هم که این تمثیل ناملایم به نظر برسد، مهم است به یاد داشته باشیم که مسائل مهمی است که در مخاطره هستند: زندگی ابدی یا نابودی ابدی برای همه انسان ها. در مقابل چه چیز دیگری واقعاً اهمیت دارد؟

وقتی که به صلیب و بهای آن برای خدا به منظور فراهم نمودن نجات برای بشریت، نگاه می کنیم، باید بتوانیم میزان وسعت عمق و مبهم بودن این مسایل را ببینیم. ما درباره فردی از الوهیت ابدی سخن می گوئیم که بار خشم و غضب کامل خدا علیه گناه را بدوش می کشد. موضوع نمی تواند از این جدی تر بشود. اگر این موضوعی است که ما در ابدیت مطالعه خواهیم کرد، جای تعجب ندارد که به سختی بتوانیم آن را درک کنیم.

از این رو، این کلمات قدرتمند و قطعی را در این تمثیل داریم. خدا اینگونه تدارک دیده است که همه جزئی از جشن عروسی باشند (مکاشفه یوحنا باب ۱۹ آیه ۷ را ببینید)؛ هر آنچه که لازم بوده است، با بهایی ژرف که هیچ تمثیلی نمی تواند آن را عادلانه آشکار سازد، با بزرگواری فراهم شده بود. اینکه مردمی که به عروسی دعوت شده بودند، در واقع آن را به مسخره گرفته و به دنبال کار خود رفتند، بسیار بد بود. بدتر اینکه بعضی حتی کسانی که برای دادن دعوت بزرگوارانه آمده بودند را مورد ضرب و شتم قرار دادند. پس وجود پاسخی قطعی تعجبی ندارد.

معنی ”ردای عروسی“ چیست؟ مکاشفه یوحنا باب ۱۹ آیه ۸ را نیز ببینید.

جامه نشان دهنده عدالت مسیح است، عدالتی که در زندگی و اعمال مقدسین نمایان شده است. مرد بدون جامه نمایانگر مسیحیان پیش بینی شده ای بود که امتیاز فیض و نجات را مطالبه کرده اما اجازه نداده اند، انجیل زندگی و سرشت ایشان را تغییر دهد. برای تمام کسانی که دعوت شده بودند، همه نوع تدارکی با بهایی سنگین مهیا شده بود. پس همانطور که این تمثیل نشان می دهد، چیزی بیشتر از صرفاً ظاهر شدن در مقابل در، برای ورود به ملکوت خدا لازم است.

۳ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر:

عنوان روزنامه لندن چنین بود: ”زنی در آپارتمانش به مدت سه سال مرده بود: اسکلت زنی به نام جویس بر روی مبل مقابل تلویزیون که هنوز روشن بود، پیدا شد.“

به مدت سه سال در آپارتمانی در لندن مرده بود و هیچ کس دلش برای او تنگ نشده بود؟ هیچ کس تماس نگرفته بود که حالش را جویا شود؟ چطور ممکن است چنین چیزی آن هم در عصری که ارتباطات حد و مرزی ندارند،

اتفاق بیافتد؟ هنگامی که خبر برای نخستین بار پخش شد، کل جهان را تحت تاثیر قرار داد و بویژه مردم لندن را حیرت زده کرد. چطور ممکن بود او برای چنین مدت طولانی مرده باشد و هیچ کس از این موضوع خبر نداشته باشد؟ با این وجود ما همگی بدون امید و وعده انجیل و نجات که با بهای گزافی برای ما فراهم شده است، مانند زن بیچاره اهل لندن، محکوم به فراموش شدن هستیم. اما این شرایط بدتر است، زیرا کسی وجود نخواهد داشت که ما را پیدا کند یا حتی پس از سه سال یا سه میلیارد سال از آن واقعه، برای ما سوگواری کند. اتفاق نظر علمی کنونی این است که دیر یا زود همه کیهان نابود خواهد شد و در چیزی که ”مرگ گرمای کیهانی“ نامیده می شود، ناپدید خواهد شد. اما صلیب به ما می گوید که این دیدگاه نادرست است؛ ما می توانیم به جای گمنامی ابدی، وعده حیات ابدی در آسمان و زمین جدیدی داشته باشیم. با چنین چشم انداز فوق العاده و باورنکردنی در برابرمان، چگونه ممکن است نتوانیم بیاموزیم که اجازه ندهیم کسی و یا چیزی در مسیر آنچه در عیسی به ما وعده داده شده است، قرار بگیرد؟

سوالاتی برای بحث

۱. درباره اینکه مرگ تا چه حد نهایی و قدرتمند است و تا چه میزان تلاش های بشری در طی هزاران سال برای غلبه بر آن بیهوده بوده است، بیاندهشید. بهترین کاری که به نوعی می توانیم انجام دهیم این است که اجسادمان را محافظت کنیم و آن بهتر از این نیست که ماشینی که موتورش سوخته است را، رنگ جدید بزنیم، به امید اینکه براه خواهد افتاد. تعجبی ندارد که چیزی چنان شدید و مهیج مانند مرگ و رستاخیز پسر خدا، برای پیروزی بر مرگ به جای ما لازم بود. این درباره اینکه صلیب تا چه حد باید در مرکزیت امیدها و باورهای ما قرار داشته باشد، باید چه چیزی به ما بگوید؟

۲. درباره مفهوم پوشیده شدن در عدالت عیسی بیشتر بیاندهشید. درکی مناسب و متعادل از این مفهوم مهم، چگونه می تواند ما را از سقوط در فیض بی قید و شرط و یا قانون گرایی برهاند و چرا بسیار مهم است که ما از هر دو افراط دوری نماییم؟

رویدادهای آخر زمان



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: خروج باب ۱۹ آیات ۵ و ۶؛ متی باب ۲۳؛ یوحنا باب ۱۲ آیات ۲۰ تا ۲۶؛ متی باب ۲۴؛ یوحنا باب ۱۴ آیات ۱ تا ۴؛ تسالونیکیان اول باب ۴ آیه ۱۶.
آیه حفظی: “و هر که خود را بلند کند، پست گردد و هر که خود را فروتن سازد سرفراز گردد.” (متی باب ۲۳ آیه ۱۲).

آمدن دوباره عیسی اوج ایمان مسیحیت است. نخستین ظهور عیسی و مردنش بر روی صلیب پیش‌درآمد بازگشت اوست. ظهور، بدون آمدن نخستین نمی‌توانست اتفاق بیافتد و نخستین ظهور بدون بازگشت دوباره بی‌معنی است. هر دو به طور جدایی‌ناپذیری با یکدیگر مرتبط هستند، اگر چه در زمان‌های متفاوتی اتفاق می‌افتند، اما زمان نجات بشریت و پایان نبرد بزرگ یکسان است. آمدن نخستین کامل و تمام شده است؛ اکنون ما با اشتیاق و علاقه منتظر ظهور دوم هستیم.

این هفته به آنچه در باب ۲۳ متی بیان شده است، درخواست نهایی عیسی از برخی رهبران یهودی برای توبه کردن و قبول او به عنوان تنها امید نجاتشان، نگاهی خواهیم انداخت. پس از آن در باب ۲۴ متی عیسی به این پرسش درباره وقایعی که قبل از آمدن دوباره اش آشکار خواهند شد، پاسخ داد. در اینجا عیسی تصویری نسبتاً جدی ارائه می‌کند که نابودی اورشلیم را با چیزی که قبل از بازگشت او اتفاق خواهد افتاد، مربوط می‌سازد. و با این وجود مهم نیست که شرایط تا چه حد دشوار بشود، به عنوان مثال جنگ، قحطی، خیانت، ما با وعده “آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گردد و در آن وقت، جمیع طوایف زمین سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید” (متی باب ۲۴ آیه ۳۰) بجا مانده ایم. به عبارت دیگر، با وجود محنت و رنج، ما دلایل بسیاری برای شادی کردن داریم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۱ ژوئن آماده شوید.

راهنمایان نابینا

این خود عیسی بود که با دستی توانمند و بازویی افراشته، فرزندان اسرائیل را به سوی اورشلیم راهنمایی کرده بود. او آنها را بر بال عقاب از مصر خارج نمود و به نزد خود آورد "همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان، از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود" (خروج باب ۱۹ آیات ۵ و ۶).

در یک مفهوم، عیسی بر کوه زیبایی به نام سینا به اسرائیل پیشنهاد کرده بود. باب ۲۴ خروج می گوید که مشایخ و رهبران "بالا رفتند و خدای اسرائیل را دیدند، و زیر پایپایش مثل صنعتی از یاقوت کبود شفاف و مانند ذات آسمان در صفا... خدا را دیدند و خوردند و آشامیدند" (خروج باب ۲۴ آیات ۹ تا ۱۱). مسیح جام عهد خود را به اسرائیل عرضه نمود، مانند مردی که جامش را به زنی که قرار است با او ازدواج کند و آینده خوبی برایش بسازد، می دهد. اسرائیل جام را دریافت نمود و گفت، آری ما می خواهیم تا ابد با تو در سرزمین موعود زندگی کنیم.

با این پیش زمینه در ذهن باب ۲۳ متی را بخوانید. عیسی به رهبران اسرائیل چه می گوید؟ چه هشدار می دهد؟ چه هشدار می شود؟ مهمتر اینکه، ما چه درس هایی می توانیم درباره سرزنش هایی که عیسی به طور خاص به آنها داد، بیاموزیم؟ چگونه می توانیم اطمینان یابیم که ما نیز چنین اشتباهی انجام ندهیم؟

باب ۲۳ متی آخرین درخواست نا امیدانه عیسی برای مصالحه با محبوب خود بود. اما محبوبش او را ترک نمود. عیسی تصمیم او را پذیرفت و برای آخرین بار از خانه ایشان - معبد - خارج شد "اینک خانه شما برای شما ویران گذارده می شود" (متی باب ۲۳ آیه ۳۸). وقتی عیسی معبد را ترک نمود، آنجا دقیقاً مانند بیابانی که او در ابتدا آنها را از آن نجات داده بود، متروک، خالی و ویران شد.

تحولی بزرگ در تاریخ نجات در شرف اتفاق افتادن بود و این رهبران و کسانی را که به فریب هدایت می کردند، قرار بود آن را از دست بدهند. در همین حال بسیاری دیگر، یهودی و به زودی غیر یهودی که رهبری روح القدس را پذیرا بودند، به کار خوب و فراخوانی اسرائیل ادامه می دادند. آنها نسل حقیقی ابراهیم می شدند. "و بر حسب وعده، وارث هستید" (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۹). ما نیز امروزه جزئی از آن مردم با همان فراخوانی الهی هستیم.

نشانه‌های پایان جهان

پس از آنکه عیسی برخی از رهبران یهودی که او را نپذیرفته بودند را سرزنش نمود، آیات ۲۰ تا ۲۶ باب ۱۲ یوحنا تقاضای جالب توجهی را ارائه می‌دهند. به مسیح درباره غیر یهودیانی گفته شد که می‌خواستند "عیسی را ببینند". پیش از آن، این غیر یهودیان ابتدا درخواستشان را با یهودیان که به عیسی وفادار بودند، مطرح نمودند. خیلی زود چیزی مشابه در مقیاسی بسیار بزرگتر اتفاق خواهد افتاد: در حالی که بعضی از یهودیان عیسی را نخواهند پذیرفت، سایرین عوامل اصلی خواهند شد که بواسطه آن‌ها، تعداد زیادی غیر یهودی با مسیح آشنا خواهند شد. چقدر جالب توجه که این پیشنهاد دقیقاً پس از آنکه عیسی به رهبران فرمود که خانه‌شان متروک باقی خواهد ماند، مطرح شد. به راستی چیز قدیمی جای خود را به چیز جدید خواهد داد، به طوری که همواره قصد خدا چنین بوده است: نجات یهودیان و همچنین غیر یهودیان.

عیسی در آیات ۱ تا ۱۴ باب ۲۴ متی چه نوع تصویری هم برای ایمانداران با وفا و هم به طور کلی جهان ارائه می‌دهد؟

عیسی این پاسخ را به پرسش‌های مربوط به نشانه‌های آمدن دوباره اش و پایان جهان می‌دهد. "عیسی با جدا کردن نابودی اورشلیم و روز بزرگ آمدنش، به حواریونش پاسخ نداد. بلکه او شرح این دو واقعه را با هم مخلوط کرد. اگر او برای حواریونش، رویدادهای آینده را چنان که دید آشکار می‌کرد، ممکن بود آن‌ها نتوانند تحمل کنند. او به عنوان رحمتی برای حواریونش توضیح دو واقعه را ترکیب نمود و اجازه داد آنها خود مفهوم آن را مطالعه کنند... این بحث کامل تنها برای حواریون داده نشده بود، بلکه برای کسانی که می‌باید در آخرین روزهای تاریخ این زمین زندگی کنند نیز داده شده است." - الن جی. هوایت، Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 628

یک چیز در پاسخ عیسی بسیار واضح است: وقایعی که به بازگشت او منتهی می‌شوند، خوشایند نخواهند بود. عیسی هیچ‌گونه مدینه فاضله و یا صلح هزار ساله زمینی را پیش بینی نمی‌کند. جنگ، خیانت، بلایای طبیعی، آزار و اذیت کلیسا، مسیح‌های دروغین و حتی برادران دینی دروغین. مثبت‌ترین چیزی که در اینجا به تصویر کشیده شد، این وعده است که "بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد" (آیه ۱۴).

عیسی در آیه ۱۳ باب ۲۴ متی می گوید که ”هر که تا به انتها صبر کند، نجات یابد.“ شما چه کاری می توانید انجام دهید تا در میان سختی هایی که ممکن است شما را به آسانی درمانده کرده و باعث دلسردی تان بشوند، از نظر روحانی قوی بمانید؟ ما دیده ایم که چنین اتفاق برای دیگران افتاده است؛ چرا ما نیز باید مراقب باشیم که برای ما رخ ندهد؟

۷ ژوئن

سه شنبه

نابودی اورشلیم

آیات ۱۵ تا ۲۲ باب ۲۴ متی را بخوانید. در اینجا عیسی درباره چه چیزی سخن می گوید؟ بار دیگر او چه نوع تصویری در پاسخ به پرسش هایی که از او پرسیده شد، ارائه می کند؟

”مکروه ویرانی“ عموماً به عنوان نوعی توهین به مقدسات و حتک حرمت به آنچه که مقدس بود، شناخته می شد. عیسی به وضوح درباره نابودی اورشلیم که در سال ۷۰ پس از میلاد اتفاق افتاد، صحبت می کند. همان طور که دیروز دیدیم، عیسی این رویداد را با وضع جهان در زمان پیش از آمدنش، ترکیب می کند. مسیح در اورشلیم نمادی از سخت شدن جهان در سرکشی و بی ایمانی را دید که به سرعت به دنبال داوری کیفری خدا بود. - الن جی.

هوایت، Ellen G. White, The Great Controversy, p. 22

با این حال در میان ویرانی، خداوند به دنبال نجات کسانی است که این امکان برایشان وجود دارد. در لوقا، عیسی در حقیقت به حواریون می گوید که پیش از ویرانی فرار کنند: ”و چون بینید که اورشلیم به لشکرها محاصره شده است، آنگاه بدانید که خرابی آن رسیده است. آنگاه هر که در یهودیه باشد، به کوهستان فرار کند و هر که در شهر باشد، بیرون رود و هر که در صحرا بود، داخل شهر نشود. زیرا که همان است ایام انتقام، تا آنچه مکتوب است تمام شود“ (لوقا باب ۲۱ آیات ۲۰ تا ۲۲).

هنگامی که مسیحیان اورشلیم دیدند چنین اتفاقی افتاد، طبق دستور عیسی، گریخته و از شهر بیرون رفتند و این در حالی است که اکثر یهودیان به جا مانده و نابود شدند. تخمین زده شده است که بیش از یک میلیون یهودی در طول محاصره اورشلیم جان باختند و بیش از ۹۷۰۰۰ نفر به اسارت برده شدند.

”با این وجود، در مهلتی موقت، هنگامی که رومیان محاصره اورشلیم را به طور غیر منتظره ای ترک نمودند، همه مسیحیان فرار کردند و گفته شده است که حتی یک نفر آنها هم جان خود را از دست نداد. مکان فرار آنها پلا شهری در کوهپایه شرق رود اردن، حدود بیست و هفت کیلومتر در جنوب دریاچه جلیل بود.“ – The SDA Bible Commentary, vol. 5, p. 499

به زمانی بیندیشید که کسی به شما درباره چیزی هشدار داد و شما با پشیمانی بعدی به آن گوش ندادید. چرا بسیار مهم است که در کنار توجه کردن به وعده های فوق العاده کلام خدا، به هشدارهای آن نیز گوش بدهیم؟

۸ ژوئن

چهارشنبه

ظهور دوباره عیسی

پاسخ عیسی در باب ۲۴ متی مربوط بود به ”نشان آمدن تو“ (آیه ۳)؛ یعنی درباره آمدن مسیح برای سلطنت.

عیسی چه هشدارهای دیگری در مورد حوادث قبل از بازگشتش می دهد و این در تاریخ چگونه دیده شده است؟ متی باب ۲۴ آیات ۲۳ تا ۲۶.

این عیسی است که از منظر دنیوی تنها واعظ دوره گردی از اهالی جلیل است که پیروان اندکی دارد و با این حال پیش بینی می کند که بسیاری به نام او با این ادعا که خود او هستند، خواهند آمد؛ به طور حتم این دقیقاً چیزی است که طی قرن ها و حتی در روزگار ما، اتفاق افتاده است، واقعیتی که شواهد قوی تری درباره حقیقت کلام خدا به ما می دهد.

آیات ۲۷ تا ۳۱ باب ۲۴ متی را بخوانید. بازگشت دوباره عیسی چگونه توضیح داده شده است؟ هنگامی که او بیاید، چه اتفاقی خواهد افتاد؟

عیسی پس از این هشدار که بسیاری که مدعی مسیح بودن هستند، خواهند آمد، توضیح می دهد که بازگشتش حقیقتاً چگونه خواهد بود.

اول، بازگشت دوباره عیسی شخصی و واقعی است. این خود عیسی است که به زمین باز می‌گردد. ”خود خداوند ... از آسمان نازل خواهد شد“ (تسالونیکیان اول باب ۴ آیه ۱۶) تکذیب آشکاری است در مورد آنهایی که می‌گویند بازگشت مسیح، کمال مطلوب و به طور ساده، دوره جدید در تاریخ بشریت است. بازگشت او مانند رعد و برقی در سراسر آسمان قابل مشاهده خواهد بود. ”هر چشمی او را خواهد“ (مکاشفه یوحنا باب ۱ آیه ۷). تصویر کرنا نشان می‌دهد که آمدن عیسی، پر هیاهو خواهد بود، آنچنان که حتی مردگان را نیز زنده خواهد کرد! مهم‌تر از همه آنکه اگر آمدن نخستین عیسی فروتنانه بود، در بازگشتش او به عنوان پادشاه پیروز بر همه دشمنانش، خواهد آمد (مکاشفه یوحنا باب ۱۹ آیه ۱۶)، پیروز بر همه دشمنان خودش و دشمنان ما (قرنتیان اول باب ۱۵ آیه ۲۵).

در زمان آشفتگی زیاد در این جهان و عدم اطمینان درباره آینده، چگونه می‌توانیم پیامی را که از وعده آمدن دوباره عیسی، قدرت و امید بگیریم؟

۹ ژوئن

پنجشنبه

نگهبانی کردن

آمدن دوباره عیسی اوج تمام امیدهای مسیحی است؛ تحقق همه وعده‌های داده شده است. بدون آن چه می‌شود؟ ما نیز مانند سایرین، پس از مرگ در زیر زمین خواهیم پوسید. بدون آمدن دوباره عیسی و تمامی استلزاماتش، هر چیز دیگر در مورد ایمانمان دروغ و نمایشی مسخره خواهد بود، همه چیزهایی که منتقدان و مخالفان، خلاف آن را مدعی شده‌اند.

پس جای تعجب ندارد که بعضی از مسیحیان در انتظار مشتاقانه بازگشت مسیح، برای بازگشتش زمان تعیین کرده‌اند. در نهایت، چیزهای زیادی به آن بازگشت وابسته هستند. بدون شک، همانطور که می‌دانیم، هر تاریخی که در گذشته برای بازگشت مسیح تعیین شده است، اشتباه بوده است.

آیات ۳۶ و ۴۲ باب ۲۴ متی، چگونه دلیل در اشتباه بودن تعیین‌کنندگان زمان را توضیح می‌دهند؟

دقیقاً از آنجایی که نمی‌دانیم چه زمانی مسیح باز خواهد گشت، به ما گفته شده است که باید آماده باشیم و ”هوشیار باشیم“.

آیات ۴۲ تا ۵۱ باب ۲۴ متی را بخوانید. عیسی در اینجا درباره مفهوم هوشیار بودن و آماده بودن برای ظهور دوم چه می گوید؟

عیسی صریح است: ما نمی دانیم او چه زمانی باز خواهد گشت. در حقیقت، او زمانی خواهد آمد که ما انتظارش را نداریم. بنابراین ما باید همیشه برای بازگشت او آماده باشیم. ما باید به گونه‌ای زندگی کنیم که گویا هر لحظه ممکن است او بیاید، حتی اگر ما زمان آن را نمی دانیم. این تفکر که، بسیار خوب و برای مدتی طولانی نخواهد آمد؛ از این رو من می توانم هر کاری دلم می خواهد انجام بدهم، دقیقاً نگرشی است که عیسی درباره آن به ما هشدار داده است. ما باید به دنبال وفادار بودن باشیم، زیرا ما خداوند را دوست داریم و می خواهیم بدون در نظر گرفتن زمان بازگشتش، کاری را که در نظر او درست است، انجام بدهیم. علاوه بر این نیز، با تمام آیاتی که در مورد داوری هشدار می دهند، به خصوص در برابر کسانی که با دیگران بد رفتاری می کنند، زمان آمدن دوباره مسیح واقعاً اهمیتی ندارد. دیر یا زود، داوری فرا خواهد رسید.

ما به عنوان ادونتیست های روز هفتم که از زمان بسیار قدیم به بازگشت مسیح ایمان داشته ایم، چگونه می توانیم مطمئن باشیم حتی به روشی بسیار خفیف، اشتباه "خدمتکار شرور" را مرتکب نشویم؟

۱۰ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر:

در زمینه وقایع بیان شده در باب ۲۴ متی، عیسی همچنین فرمود "هرآینه به شما می گویم تا این همه واقع نشود، این طایفه نخواهد گذشت" (آیه ۳۴). این آیه منجر به ابهام شده است، زیرا بدیهی است که همه این چیزها خلال زمان یک نسل اتفاق نیفتاده اند. دکتر ریچارد لهن (Dr. Richard Lehmann) نویسنده *The Handbook of Seventh-day Adventist Theology* می گوید که واژه یونانی که "طایفه" ترجمه شده است مربوط به واژه عبری *dôr* است که اغلب برای معین کردن گروه و یا دسته ای از مردم مانند "نسلی گردن کش و فتنه انگیز" (مزامیر باب ۷۸ آیه ۸) استفاده شده است. از این رو، عیسی از این واژه

برای به تصویر کشیدن زمان و تاریخ استفاده نمی کرد، بلکه برای نشان دادن دسته ای از مردم شیر از آن بهره می برد. ”... (متی باب ۱۲ آیه ۹؛ باب ۱۶ آیه ۴؛ مرقس باب ۸ آیه ۳۸)“ -

Handbook of Seventh-day Adventist Theology (Hagerstown: Review and Herald® Publishing Association, 2000), p. 904

به عبارت دیگر، شرارت تا پایان زمان و آمدن دوباره عیسی باقی خواهد ماند.

سوالاتی برای بحث

۱. ما به عنوان ادونتیست های روز هفتم، با آنچه که به نظر تأخیری آشکار می رسد، چگونه برخورد می کنیم؟ آیا نسل های گذشته ادونتیست، بر این باور نبودند که عیسی در زمان زندگی آنها خواهد آمد؟ و آیا بسیاری از ما نیز چنین انتظاری نداریم؟ در عین حال، آیا انتظار باز گشت او را در هر زمان مشخص شده ای داشتن، به نوعی تعیین زمان نیست؟ چگونه تعادل مناسب در روبرو شدن با آمدن دوباره مسیح را می یابیم؟ چگونه از نگرش ”خدمتکار شرور“ جلوگیری می کنیم در حالی که در همان حال از آنان که در هر موضوعی، نشانه ای از پایان فوری جهان را می بینند، دوری می کنیم؟ نگرش ما که منتظر آمدن دوباره مسیح هستیم، باید چگونه باشد؟
۲. توصیف عیسی از آمدن دوباره اش را بار دیگر بخوانید. این نسبت به برخی از مفاهیم عامه پسند درباره آمدن دوباره مسیح، چگونه متفاوت است؟ با در نظر گرفتن وضوح این آیات، چرا بسیاری به چیزی کاملاً مخالف کتاب مقدس معتقدند؟ آنها برای دفاع از نظریه خود چه استدلال هایی می آورند و ما چگونه باید به آنها پاسخ بدهیم؟
۳. چگونه می آموزیم که با تأخیر برگشتش زندگی کنیم؟ کدام یک از شخصیت های کتاب مقدس، باید در تأخیر زندگی می کردند و ما چه چیزی می توانیم از آنها بیاموزیم؟ برای مثال، یوسف، ابراهیم و سارا، کالب و یوشع؟ همچنین آیات ۹ و ۱۰ باب ۶ مکاشفه یوحنا چه چیزی در مورد تأخیر می گویند؟

روزهای پایانی عیسی



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۲۶ آیات ۱ تا ۱۶؛ لوقا باب ۱۲ آیه ۴۸؛ متی باب ۲۶ آیات ۱۷ تا ۱۹؛ قرنتیان اول باب ۵ آیه ۷؛ متی باب ۲۶ آیات ۳۶ تا ۴۶، آیات ۵۱ تا ۵۷. **آیه حفظی:** “همه شما امشب درباره من لغزش می‌خورید” (متی باب ۲۶ آیه ۳۱).

در این درس، عیسی اکنون وارد آخرین لحظاته قبل از رفتن بر روی صلیب می‌شود. این آغاز رویارویی جهان و حتی کائنات با حیاتی‌ترین لحظه تاریخ پیدایش است. از وقایعی که این هفته به آنها خواهیم پرداخت، می‌توان درس‌های بسیاری فرا گرفت، اما بیایید همان‌طور که مطالعه خواهیم کرد، بر روی یک چیز تمرکز کنیم و آن آزادی و اراده آزاد است. توجه کنید که چگونه شخصیت‌های مختلف، از موهبت بزرگ و پر بهای آزادی استفاده کردند. به عواقب قدرتمند و حتی ابدی روش‌های مختلف از استفاده از این موهبت، توجه کنید.

پطرس، یهودا و آن زن صاحب جعبه مرمین همگی باید تصمیماتی می‌گرفتند. اما مهم‌تر از همه، عیسی نیز باید تصمیماتی می‌گرفت و بزرگترین آنها رفتن بر روی صلیب بود، حتی اگر طبیعت انسانی او بر خلاف آن ناله کرده بود: “ای پدر من اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو” (متی باب ۲۶ آیه ۳۹). کنایه در اینجا باور نکردنی است: موهبت اراده آزاد که ما از آن سو استفاده کردیم، عیسی را به این لحظه رساند، جایی که او - با استفاده از اراده آزاد خویش - باید انتخاب می‌کرد که ما را از نابودی که نتیجه نهایی سو استفاده از اراده آزادمان بود، نجات بدهد یا ندهد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۸ ژوئن آماده شوید.

کاری زیبا

اینک ما وارد روزهای پایانی زندگی عیسی بر روی زمین می شویم. او هنوز باید بر روی صلیب برود، دوباره زنده شود و خود را کاملاً به عنوان نجات دهنده مصلوب و قیام کرده زمین، آشکار سازد. با این وجود، بسیاری از کسانی که پیرو مسیح و قدردان و دوستدار او بودند، همچنان چیزهای زیادی برای یاد گرفتن درباره هویت و کارهایی که او قرار بود برای ایشان انجام دهد، داشتند. با نگاهی به گذشته و با داشتن نوشته های کتاب مقدس، بخصوص توضیحات قدرتمند پولس درباره مرگ کفاره ای عیسی، ما نسبت به پیروان عیسی در آن زمان، درباره کاری که عیسی قرار بود برای ما انجام بدهد، بسیار بیشتر می دانیم.

با این پیش زمینه در ذهن، آیات ۱ تا ۱۶ باب ۲۶ متی را بخوانید. اهمیت این هدیه گرانبها چیست و باید درباره ارتباطمان با عیسی، چه چیزی به ما بیاموزد؟

به این توجه کنید که متی چگونه روایت تدهین پاهای عیسی را (که احتمالاً پیش از ورود پیروزمندانه اتفاق افتاد) در میان شکل گیری توطئه قتلش قرار می دهد. در حالی که بعضی از مردم قوم خودش، نقشه آسیب رساندن به او را می کشیدند، دیگران محبت و ارادتی نامحدود را نثار او می کردند، مانند کاری که مریم با "شیشه ای عطر گرانبها" (آیه ۷) انجام داد.

در حالی که حواریون برای اسراف شدن تأسف می خوردند، عیسی کاری که آن زن انجام داد را "زیبا" خواند. با این کار بسیار عجیب ظاهری، آن زن احساس حقیقی عمیق در قلبش نسبت به عیسی را نشان می داد. اگر چه او به طور حتم از همه اتفاقات آینده و یا مفهوم آنها با خبر نبود، اما آن قدر متوجه شد که بداند بسیار به عیسی مدیون است؛ و از این رو، می خواست به بیشترین شکل جبران کند. شاید او سخنان عیسی را شنیده بود که فرمود "به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیادتر گردد" (لوقا باب ۱۲ آیه ۴۸). در عین حال حواریون که بدون شک بسیار بیشتر از آن زن کارهای عیسی را دیده بودند، نکته اصلی را فراموش کرده بودند.

"آن عطر نمادی از قلب مالمال شکرگزاری بخشنده آن بود. این نمایشی ظاهری از محبتی تجلی یافته از نهرهای آسمان بود تا زمانی که سر ریز می شد و آن عطر مریم که حواریون اسراف خواندند، هزاران بار در قلب های مستعد دیگران تکرار می شود."

– الن جی. هوایت، Ellen G. White, The SDA Bible Commentary, vol. 5, p. 1101

این روایت، باید درباره واکنش مان به آنچه که در عیسی به ما داده شده است، چه چیزی به ما بگوید؟ با استفاده از اراده آزاد خود، چه کار زیبایی می توانیم در پاسخ به آنچه به ما در عیسی داده شده است، انجام دهیم؟

۱۳ ژوئن

دوشنبه

عهد جدید

آیات ۲۷ تا ۱۹ باب ۲۶ متی را بخوانید. چرا بسیار مهم است که در زمان عید فصیح بود؟ خروج باب ۱۲ آیات ۱ تا ۱۷ و قرنتیان اول باب ۵ آیه ۷ را نیز ببینید.

روایت کتاب خروج بدون شک روایتی از نجات و رستگاری است - کاری که خدا برای کسانی که خود از آن ناتوان بودند، انجام می دهد. چه نماد مناسبی برای آنچه که عیسی قرار بود خیلی زود برای همه ما انجام دهد!

آیات ۲۶ تا ۲۹ باب ۲۶ متی را بخوانید. عیسی به حواریونش چه چیزی می گوید؟ کلام او امروزه برای ما چه معنایی دارد؟

عیسی توجه آنها را به معنای عمیق تر عید فصیح جلب می نمود. رهایی از مصر، ابراز فوق العاده ای از قدرت و بزرگی خدا بود اما در انتها کافی نبود. این نجاتی نبود که عبرانیان و یا هیچ یک از ما واقعاً به آن نیاز داشتیم. ما به آن رستگاری که در عیسی است، نیازمندیم: زندگی ابدی. ”از این جهت او متوسط عهد تازه ایست تا چون موت برای کفاره تقصیرات عهد اول بوقوع آمد خواننده شدگان وعده میراث ابدی را بیابند“ (عبرانیان باب ۹ آیه ۱۵). عیسی آنها را متوجه معنای واقعی شراب و نان می سازد؛ همه آنها اشاره به مرگ او بر روی صلیب داشت.

بنابراین بر خلاف قربانی کردن حیوانات که اشاره به مرگ عیسی داشت، شرکت در مراسم عشاء ربانی ما، اشاره به آن می نماید. در هر مورد، رموز عیسی بر روی صلیب را به ما خاطر نشان می کنند.

و با این وجود، صلیب پایان داستان نیست. وقتی که عیسی به حواریون می گوید که از میوه تاک نخواهد نوشید ”تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدر خود، تازه آشامم“ (متی باب ۲۶ آیه ۲۹). او توجه آنها را به آینده، آمدن دوباره خود و فراتر از آن معطوف می کند.

به این سخنان عیسی که فرمود میوه تاک را تا روزی که ما با او در ملکوت پدرش نباشیم، نخواهد نوشید، بیاندیشید. این درباره نوع صمیمیتی که او با ما خواهد داشت، چه چیزی می گوید؟ چگونه می توانیم تجربه کردن کنونی این صمیمیت با او را بیاموزیم؟

۱۴ ژوئن

سه شنبه

جتسیمانی

در طول هفته فصح، کاهنان هزاران هزار بره را در معبد، بر بالای درّه کیدرون قربانی می کردند. خون بره ها به قربانگاه می ریخت و سپس از مجرای، به درون جویباری که از دره کیدرون می گذشت، می ریخت. آن جویبار از خون بره ها قرمز می شد. عیسی و حواریونش در مسیرشان به سمت باغ جتسیمانی، از روی آن می گذشتند.

آیات ۳۶ تا ۴۶ باب ۲۶ متی را بخوانید. چرا تجربه جتسیمانی برای عیسی بسیار دشوار بود؟ واقعاً چه اتفاقی در آنجا در حال افتادن بود؟

زمانی که عیسی دعا کرد آن جام از او بگذرد، این مرگ جسمانی نبود که از آن وحشت داشت. آنچه که عیسی از آن وحشت داشت، جدایی از خدا بود. عیسی می دانست برای اینکه برای ما گناه شود، به جای ما میرد و غضب خدا بر ضد گناه را خود تحمل کند، باید از پدرش جدا شود. نقض قانون مقدس خدا چنان جدی بود که مرگ فرد خاطی را می طلبید. عیسی دقیقاً به این دلیل آمد که ما را از آن مرگ نجات داده و خود به جای ما میرد. این چیزی است که عیسی و ما در معرض خطرش قرار داشتیم.

”روح مسیح به دلیل وجود مسائل مربوط به نبرد، پر از وحشت جدایی از خدا بود. شیطان به او گفت که اگر ضامن جهان گناهکار بشود، آن جدایی ابدی خواهد بود. او با پادشاهی شیطان هم‌رنگ می‌شد و هرگز دیگر با خدا نخواهد بود ... لحظه وحشتناک فرا رسیده بود - لحظه ای که عاقبت جهان را تعیین می نمود. سرنوشت بشریت در میزان به لرزه افتاد. مسیح حتی ممکن است اینک جام مخصوص مرد گناهکار را ننوشد. هنوز آنقدر دیر نشده بود. او می‌توانست عرق خونین پیشانی‌اش را پاک کند و بشر را رها کند تا در شرارت خود نابود شود. می‌توانست بگوید، بگذار

خطاکار جزای گنااهش را دریافت کند و من نزد پدرم باز خواهم گشت. آیا پسر خدا جام تحقیر و عذاب را خواهد نوشید؟ آیا بیگناه از عواقب نفرین گناه برای نجات گناهکار، رنج خواهد کشید؟” – الن جی. هوایت،

Ellen G. White, The Desire of Ages, pp. 687, 690

چگونه باید تمایل عیسی به کاری که برای ما انجام داد، بر تمام جنبه‌های زندگی ما بخصوص در کمک کردن به دیگران، تأثیر بگذارد؟ چگونه می‌توانیم پیام‌های که الگوی سرشت عیسی را بهتر در زندگیمان داشته باشیم؟

۱۵ ژوئن

چهارشنبه

یهودا نفسش را می‌فروشد

داستان یهودا تا چه حد غم‌انگیز است. اگر او قبل از آخرین سفر خود به اورشلیم می‌مرد، ممکن بود در میان محترم‌ترین قهرمانان تاریخ مقدس قرار می‌داشت. شاید کلیساهایی با نام او، نامگذاری می‌شدند. در عوض، نام او تا ابد با خیانت و پیمان‌شکنی پیوند خورد.

یوحنا باب ۶ آیه ۷۰ و لوقا باب ۲۲ آیه ۳ را بخوانید. این آیات چگونه در تشریح کارهای یهودا کمک می‌کنند.

به طور حتم، مقصر دانستن شیطان برای آنچه یهودا انجام داد، مانعی ندارد، اما این اجتناب از سؤال است که چه چیزی در یهودا وجود داشت که شیطان را قادر ساخت او را به سوی چنین خیانتی بکشاند؟ از این گذشته، حتی گفته شده بود که شیطان قصد داشت پطرس را نیز فریب دهد (لوقا باب ۲۲ آیه ۳۱ را ببینید). با این حال، تفاوت باید در این بوده باشد که یهودا از تسلیم کامل خود به خداوند مضایقه کرد؛ او باید حتماً به گناه و یا نقص شخصیتی متمایل بوده باشد که شیطان را قادر ساخت در او نفوذ کند و او را وادار به انجام آن کار بکند. بار دیگر، یکی دیگر از عواقب قدرتمند انتخاب آزاد را می‌بینیم.

متی باب ۲۶ آیات ۴۷ تا ۵۰ و باب ۲۷ آیات ۱ تا ۱۰ را بخوانید. ما باید چه درس‌هایی از روایت غم‌انگیز یهودا بیاموزیم؟

در آیات ۴۷ تا ۵۰ باب ۲۶ متی هدایت دسته‌ای از سربازان (حدود ۶۰۰ سرباز)، کاهنان اعظم و مشایخ توسط یهودا را می‌بینیم. چه لحظه قدرتمند فوق‌العاده‌ای برای یهودا است! وقتی شما چیزی را دارید که مردم واقعاً می‌خواهند، مانند یهودا در اینجا دارای قدرت فوق‌العاده‌ای می‌شوید. دست کم تا وقتی که آنچه آن‌ها می‌خواهند را داشته باشید، مشکلی وجود ندارد. اما اگر آن‌ها فقط به خاطر آنچه که دارید برای شما اهمیت قائل باشند و در نهایت چیزی که می‌خواهند را از شما بگیرند، دیگر به شما نیازی نخواهند داشت. در عرض چند ساعت، یهودا تنها و بی چیز خواهد شد.

درس مهم دیگر، بر چیزی تمرکز دارد که یهودا نفسش را برای آن از دست داد. سی سکه نقره؟ امروزه، این مقدار با توجه به نوع سکه نقره‌ای که مد نظر بوده است، حدوداً به اندازه یک تا چهار ماه دستمزد تخمین زده شده است. حتی اگر این مقدار ده یا صد برابر هم بود، ببینید که چه نتیجه‌ای برای یهودا داشت! و همانطور که روایت نشان می‌دهد، حتی آن مقدار را نیز از دست داد. فرصت لذت بردن از آن را نیافت؛ در عوض، سکه‌ها را جلوی پای همان‌هایی که آن‌ها را به او داده بودند، ریخت. چه مثال قدرتمندی از اینکه چگونه در انتها، هر چیزی که باعث روی گرداندن ما از عیسی شود، هر چیزی که باعث از دست رفتن روحمان بشود، به اندازه بی استفاده بودن آن پول برای یهودا خواهد شد. یهودا بسیار به زندگی ابدی نزدیک بود؛ و با این حال انتخاب کرد که آن را برای هیچ از دست بدهد.

۱۶ ژوئن

پنجشنبه

انکار کردن پطرس

عیسی از پیش درباره انتخاب آزادانه یهودا برای خیانت به او با خبر بود، یکی از نمونه‌های بسیار کتاب مقدس که نشان می‌دهد دانش از پیش خدا در مورد انتخاب‌های آزاد ما به هیچ وجه دخالتی در آزادی آن تصمیمات ندارد. و او نه تنها از خیانت یهودا با خبر بود بلکه می‌دانست پطرس با وجود دلیری اش، در لحظه‌ای بسیار مهم فرار کرده و او را انکار خواهد نمود.

آیات ۵۱ تا ۷۵ باب ۲۶ متی را بخوانید. به نظر شما چرا پطرس عیسی را انکار نمود؟

اغلب ما فکر می‌کنیم پطرس تنها به دلیل اینکه وحشت کرده بود، عیسی را انکار کرد. اما این همان پطرس بود که (بر اساس یوحنا باب ۱۸ آیه ۱۰) شجاعت

این را داشت که بر روی سربازان رومی شمشیر بکشد! پطرس مایل بود که در شکوه جلال خارج شود، تا این که عیسی مانع او شد.

بنابراین چه چیزی در پطرس از زمان شمشیر زدنش تا اندکی بعد که انکار کرد عیسی را می‌شناسد، تغییر کرد؟ چرا او گفت که یکی از حواریون نیست؟ چرا پطرس می‌گوید ”این مرد را نمی‌شناسم“ (متی باب ۲۶ آیه ۷۲)؟

شاید به این دلیل بود که پطرس متوجه شد که آن مرد را نمی‌شناسد، نمی‌دانست آمدنش برای چه بوده است و نمی‌دانست دستگیری اش به چه مفهوم بوده است. بنابراین در لحظه ای از اضطراب، او انکار می‌کند که هرگز عیسی را می‌شناخته است. شاید زمانی که پطرس متوجه شد کاری که عیسی انجام می‌دهد را درک نمی‌کند، او را انکار نمود. او وقتی که آنچه فکر نمی‌کرد عیسی از دست می‌دهد را دید، نا امید شد. پطرس به جای اینکه ایمانش را کاملاً در عیسی بگذارد، حتی با وجود همه نشانه های باور نکردنی که دیده بود و با وجود اعتراف شجاعانه اش به مسیح موعود بودن عیسی (متی باب ۱۶ آیه ۱۶)، بیشتر به شعور خود ایمان داشت. انکار پطرس باید این را به ما بگوید که تمام معجزات و نشانه های این جهان تا زمانی که قلب هایمان کاملاً تسلیم خدا نشوند، نمی‌توانند ما را وفادار به خدا نگه دارند.

در روایت لوقا، سومین باری که پطرس شاگرد عیسی بودنش را انکار کرد، خود عیسی ”روگردانیده، به پطرس نظر افکند“ (لوقا باب ۲۲ آیه ۶۱). این واژه *emblepo* است که برای توصیف نحوه نگاه کردن عمیق عیسی در روح پطرس، وقتی که نخستین بار یکدیگر را ملاقات کردند، به کار برده شده است (یوحنا باب ۱ آیه ۴۲ را ببینید). ما از این واقعه درباره محبت خدا نسبت به خود، حتی اگر مانند پطرس شکست بخوریم، چه امیدی می‌توانیم بدست آوریم؟

۱۷ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر:

در سال ۱۹۵۹ دو فرد اوباش وارد خانه ای در شهر کانزاس شده و پدر و مادر و دو فرزند نوجوانشان را به قتل رساندند. قبل از اینکه قاتلان پیدا بشوند، برادر مرد مقتول این نامه را به روزنامه محلی نوشت. ”خشونت در این جامعه از حد گذشته است. من بارها شنیدم که گفتند اگر آن مرد پیدا شد، باید از نزدیکترین درخت آویزان شود. بیاید چنین احساسی نداشته باشیم. دیگر کار

انجام شده است و گرفتن یک زندگی دیگر، نمی‌تواند چیزی را تغییر دهد. در عوض بیاید همان طور که خدا می‌خواهد، ببخشیم. این درست نیست که در قلب‌هایمان کینه داشته باشیم. حقیقتاً زندگی کردن در این حالت برای عامل این عمل، بسیار دشوار خواهد بود. او تنها زمانی آرامش ذهنی خواهد یافت که از خدا طلب بخشش نماید. بیاید که ما مانع این امر نشویم و بلکه در عوض دعا کنیم که او آرامش خود را بدست آورد.“

- Truman Capote, *In Cold Blood* (New York: Modern Library, 2013) p. 124

اگر مجازات اعدام را کنار بگذاریم، در اینجا می‌توانیم ابراز قدرتمندی از فیضی را ببینیم که مسیح به همه ما پیشنهاد می‌کند. حتی پس از انکار غیر قابل توجیه پطرس، مسیح او را بخشید و خدمت بشارت دادن را به او سپرد. ”پطرس عیناً اعلام کرده بود که عیسی را نمی‌شناخت، اما اینک با اندوهی تلخ متوجه شده بود که خداوندش به خوبی او را می‌شناسد و دقیقاً قلب او را خوانده است، اشتباهی که حتی برای خودش نیز ناشناخته بود.“ - الن جی. هوایت، *The Desire of Ages*, p. 713. عیسی حتی قبل از خود پطرس، از آنچه در قلبش وجود داشت با خبر بود؛ و قبل از پطرس، می‌دانست او چه کاری انجام خواهد داد. و با این حال، در محبت و رحمتش تغییری ایجاد نشد، با وجود اینکه پطرس فقط می‌توانست خود را برای اعمالش مقصر بداند. بسیار مهم است که ما بیاموزیم، با مردمی که اشتباهات مشابهی مرتکب می‌شوند، همان طور که نسبت به خود انتظار داریم، محبت کنیم.

سوالاتی برای بحث

۱. سی. اس. لوئیس (C. S. Lewis) نوشت، ”هر روایت ایمان آوردن، روایتی از یک شکست پر برکت است.“ این جمله به چه معناست؟ شما چگونه این ”شکست“ را تجربه کرده اید؟ چه چیزی مغلوب و چه چیزی پیروز می‌شود؟

۲. در روایت عیسی در جتسیمانی، او در خواست می‌کند که تنها ”اگر امکانش وجود دارد“، جام را ننوشد. این علاوه بر اینکه اگر قرار بود انسانیت نجات پیدا کند، عیسی باید از زندگی‌اش می‌گذشت، بر چه مفهوم دیگری دلالت دارد؟ چرا؟ چرا مرگ عیسی که حامل گناه بود، کاملاً ضروری بود؟ چرا نمی‌توانست راه دیگری وجود داشته باشد، که خدا مشکل گناه را در زمینه نبرد بزرگ حل کند؟

مصلوب شده و قیام نموده



بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: متی باب ۲۷ آیات ۱۱ تا ۲۶؛ یوحنا باب ۳ آیه ۱۹؛ اشعیا باب ۵۹ آیه ۲؛ متی باب ۲۷ آیات ۴۵ و ۴۶، ۴۹ تا ۵۴؛ عبرانیان باب ۸ آیات ۱ تا ۶؛ متی باب ۲۸ آیات ۱ تا ۲۰.

آیه حفظی: “تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است” (متی باب ۲۸ آیه ۱۸).

یک آگهی در مجله بریتانیایی چنین بود که آیا کسی حاضر خواهد شد جسمش را به علم اهدا کند. گفته شده است که دانشمندان مومیایی کردن مصریان را مطالعه می کردند و به دنبال داوطلبی با یک بیماری ناعلاج بودند که آماده اهدای بدنش پس از مرگ باشد. این دانشمندان معتقد بودند که راز مومیایی کردن مصریان را یافته اند و اینکه جسم “امکاناً به مدت صدها و یا هزاران سال محفوظ خواهد ماند.”

ما به عنوان مردمی مسیحی، لازم نیست نگران محفوظ نگه داشتن اجسادمان باشیم. خدا چیزی بسیار بهتر از آن را به ما وعده داده است. مرگ عیسی که بواسطه آن، او کفاره گناهان ما را داد و سپس رستاخیزش که او “نوبر خوابیدگان شده است” (قرنتیان اول باب ۱۵ آیه ۲۰) - راه را برای اجساد ما هموار نمود، نه برای اینکه جسممان مانند بعضی از فراعنه باستان محفوظ بماند (علاوه بر آن اگر تاکنون برخی از آن جسدها را دیده باشید، می دانید که در هر صورت زیبا نیستند)، بلکه به جسم هایی فاسد نشدنی تبدیل بشویم که تا ابد زندگی خواهند کرد.

این هفته، در آخرین باب های متی، ما به مطالعه حقایق پایان ناپذیر مربوط به مرگ و رستاخیز خداوندمان و امیدی که این دو واقعه به ما ارائه می دهند، خواهیم پرداخت.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۵ ژوئن آماده شوید.

عیسی یا باراباس

آیات ۱۱ تا ۲۶ باب ۲۷ متی را بخوانید. برخی از پیامدهای عمیق تر تصمیمی که به مردم سپرده شد و تصمیمی که گرفتند، کدامند؟

این باراباس قاتل بود که قرار بود بر روی صلیب میانی مصلوب شود. مجرمان در طرفین آن احتمالاً از همدستان او بودند. باراباس یک نام خانوادگی بود. بار (*Bar*) به معنی "پسر" است درست همان طور که "Simon bar Jonah" به معنی پسر یونس است یا Bartholomew به معنی "پسر تولومئو" بود. باراباس به معنی "پسر آباس" بود - یعنی "پسر پدر". بسیاری از دست نوشته های نخستین، نام کوچک باراباس را یسوعا (عیسی) ثبت می کنند. یسوعا نامی رایج در آن زمان به معنی "یهوه نجات می دهد"، بود. بنابراین نام باراباس در راستای "یهوه نجات می دهد پسر پدر" بود. چه مقایسه مضحکی!

"این مرد مدعی شده بود که مسیح موعود است. او مدعی اختیاری برای تعیین نظام متفاوت و اصلاح کردن دنیا شده بود. او تحت توهمی شیطانی، ادعا کرد که هر چیزی را که بتواند از طریق دزدی و سرقت بدست آورد، مال خودش خواهد بود. او از طریق عوامل شیطانی، کارهای فوق العاده ای انجام داده بود، پیروانی در میان مردم بدست آورده بود و شورش در برابر دولت رم برانگیخته بود. او در زیر پوشش اشتیاق مذهبی، تبهکاری فرومانده و رذل بود که کمر در شورش و ظلم و ستم بسته بود. پیلاتس با دادن حق انتخاب میان این مرد و نجات دهنده بی گناه به مردم، خواست حس عدالت را در آنها بیدار کند. او امید داشت که حس هم دردی ایشان با عیسی را در مقابل کاهنان و حاکمان بدست آورد." - الن جی. هوایت، Ellen G. White, *The Desire of Ages*, p. 733

پیلاتس در اشتباه بود. مردم اگر تسلیم به روح القدس نشده باشند، به ناچار تصمیمات روحانی اشتباه می گیرند، درست همانطور که انبوه مردم در اینجا این کار را انجام دادند. در نهایت، همگی ما باید میان مسیح و باراباس، میان مسیح و جهان سقوط کرده فاسد و میان زندگی یا مرگ انتخاب کنیم. "و حکم این است که نور در جهان آمد و مردم ظلمت را بیشتر از نور دوست داشتند، از آنجا که اعمال ایشان بد است" (یوحنا باب ۳ آیه ۱۹).

چرا مردم تاریکی را به نور ترجیح می دهند؟ شما چگونه در خودتان این گرایش ذاتی را می بینید؟ این درباره حقیقت طبیعت سقوط کرده ما و مهمتر از آن درباره نیاز ما به تسلیم شدن کامل به خداوند، چه می گوید؟

۲۰ ژوئن

دوشنبه

جایگزین مصلوب ما

”و از ساعت ششم تا ساعت نهم، تاریکی تمام زمین را فرو گرفت. و نزدیک به ساعت نهم، عیسی به آواز بلند صدا زده گفت: «ایلی ایلی لَمَا سَبَقْتِنِي.» یعنی الهی الهی مرا چرا ترک کردی؟“ (متی باب ۲۷ آیات ۴۵ و ۴۶). مفهوم این فریاد چیست؟ چگونه دلالت های آن را از لحاظ نقشه نجات متوجه می شویم؟

متی آنچه علمای الهیات ”فریاد متروود شدن“ نامیده اند را ثبت می کند. متروود شدن، اندیشه رها سازی و ماندن چیزی تنها و نیازمند را بر می انگیزد. در این مورد ما می توانیم حس رها شدن عیسی توسط پدر را ببینیم. تاریکی که در آن زمان سرزمین را احاطه کرده بود، نمادی از داوری الهی بود (اشعیا باب ۱۳ آیات ۹ تا ۱۶، عاموس باب ۵ آیات ۱۸ تا ۲۰، ارمیا باب ۳ آیه ۱۶)؛ عیسی در خود، عاقبت وحشتناک گناه و جدایی کامل از پدر را تجربه می کرد. او به جای ما، در خود داوری الهی علیه گناه را که باید نصیب ما می شد، تحمل می کرد. ”همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات“ (عبرانیان باب ۹ آیه ۲۸، قرنیتیان دوم باب ۵ آیه ۲۱ را نیز ببینید). عیسی بر روی صلیب آیه ۱ باب ۲۲ مزامیر را برای خود بیان نمود، زیرا به نوعی منحصر به فرد، آنچه انسانها تجربه می کنند یعنی جدایی از خدا به دلیل گناه را تجربه می کرد. ”لیکن خطایای شما در میان شما و خدای شما حایل شده است و گناهان شما روی او را از شما پوشانیده است تا نشنود“ (اشعیا باب ۵۹ آیه ۲).

این تظاهر نبود. عیسی واقعاً خشم خدا علیه گناه را تحمل نمود؛ مجازات گناهان ما بر روی دوش او افتاد و در نتیجه روحش را با آشفستگی و وحشت پر نمود، در حالی که بار گناهان ما را بر دوش می کشید. گناه باید بسیار در نظر خدا بد باشد که برای بخشیده شدن ما، لازم بود یکی از اعضای الوهیت مجازات و درد گناه تجربه کند.

و با این وجود، حتی در میان این وحشت، عیسی می توانست فریاد بر آورد ”خدای من، خدای من!“ با وجود همه چیزهایی که برایش اتفاق می افتاد، ایمانش ثابت باقی ماند. صرف نظر از رنج ها و احساس رها شدن از سوی پدر، او تا پایان وفادار باقی می ماند.

احساس جدایی از خدا به دلیل گناه چگونه است؟ چرا مطالبه عدالت مسیح، که همراه با توبه، اعتراف و عزمی برای رها کردن آن گناه است، تنها راه بازگشت می‌باشد؟

۲۱ ژوئن

سه شنبه

پرده پاره شده و سنگ‌های شکسته شده

هر کدام از نویسندگان انجیل، روایت عیسی را از دیدگاه‌های مختلف بیان کردند، اما همگی بر مرگ او تمرکز داشتند. اگرچه فقط متی داستان پرده پاره و قبرهای باز شده را روایت می‌کند.

آیات ۴۹ تا ۵۴ باب ۲۷ متی را بخوانید. مفهوم این وقایع چیست؟ به چه امید هایی برای ما اشاره می‌کنند؟

عیسی دقیقاً پس از آنکه جمعیت در جهل، نسبت به سخنان واقعی او درباره اینکه از ایلاء بخواهد نجاتش دهد، مسخره کردند، درگذشت. تمسخر آن‌ها نمونه قدرتمند و غم‌انگیز دیگری از میزان درک نادرست بسیاری از مردم قوم خودش درباره او بود.

متی سپس می‌نویسد که پرده درون معبد از بالا تا پایین پاره شد. این نمادگرایی غیر قابل اشتباه است: دوره جدیدی در تاریخ نجات آغاز شده بود. مراسم‌های قربانی کردن که برای مدت طولانی به عیسی اشاره داشتند، دیگر الزامی نبودند. دیگر اینک چیزی بسیار بهتر، جایگزین نمونه زمینی قدیمی شده بود.

آیات ۱ تا ۶ باب ۸ عبرانیان را بخوانید. این آیات چه چیزی می‌گویند که به ما در درک آنچه درباره نظام مقدس زمینی اتفاق افتاد و آنچه جایگزین آن شد، کمک می‌کند؟

متی نه تنها پاره شدن پرده بلکه شکافته شدن سنگ‌ها، باز شدن قبور و زنده شدن برخی از مردگان را نیز ثبت می‌کند - وقایعی که تنها به دلیل آنچه عیسی با مرگش، برای گناهان ما انجام داده بود می‌توانستند اتفاق بیافتند. بنابراین اینجا در متی می‌توانیم اتفاق افتادن چیزهایی را ببینیم که نظام گذشته هرگز نمی‌توانست

ایجاد کند "زیرا محال است که خون گاوها و بزها رفع گناهان را بکند" (عبرانیان باب ۱۰ آیه ۴). به طور حتم تنها عیسی می توانست گناهان را از بین ببرد و نتیجه فوق العاده برای ما، وعده عالی عیسی در از بین بردن گناهان، رستاخیز از مرگ است. بدون آن وعده ما چیزی نداریم (قرنیتان اول باب ۱۵ آیات ۱۳، ۱۴ و ۱۹ را ببینید). در این رستاخیزهای اولیه (ما نمی دانیم چه تعداد)، می توانیم امید و وعده رستاخیز خودمان در پایان این عصر را ببینیم.

۲۲ ژوئن

چهارشنبه

مسیح قیام کرده

ایمان مسیحی نه تنها بر روی صلیب بلکه بر قبر خالی نیز تمرکز می یابد. حقیقت این است که اکثریت مردم در این جهان، از جمله غیر مسیحیان، معتقد هستند که مردی به نام عیسی ناصری بر روی صلیب مرد. کمی پس از زندگی عیسی، ارجاعاتی تاریخی مانند این از تاسیتوس مورخ رومی می بینیم: "نرون شدیدترین شکنجه‌ها را بر طبقه‌ای که برای کارهای زشتشان منفور بودند، یعنی مسیحیان تحمیل نمود. کریستوس که نام مسیحیان از او گرفته شد، در طول حکومت تیریوس، بدست یکی از والی‌ها به نام پنطیوس پیلاتس مجازاتی شدید را متحمل شد." -

Tacitus, A.D. 57-117 (www.causeofjesusdeath.com/jesus-in-secular-history)

بحثی زیادی در گذشته و اکنون درباره اینکه آیا شخصیتی تاریخی به نام عیسی محکوم و مصلوب شد، وجود ندارد. قسمت دشوار، رستاخیز است: این اندیشه که عیسی ناصری که یک عصر روز جمعه درگذشت، بار دیگر در صبح یکشنبه زنده می شود. این چیزی است که بسیاری از مردم در درک آن با مشکل مواجه هستند. نباید فراموش کنیم که، مصلوب شدن یک یهودی توسط رومیان در یهودا، اتفاقی نسبتاً شایع بود. اما آیا یک یهودی تا آن زمان از مرگ پس از مصلوب شدن برخاسته بود؟ این کاملاً موضوع متفاوتی است.

با این حال بدون باور به عیسی قیام کرده، ما ایمان مسیحی نخواهیم داشت. پولس چنین نوشت: "اگر مسیح برنخاست، باطل است وعظ ما و باطل است نیز ایمان شما ... اگر فقط در این جهان در مسیح امیدواریم، از جمیع مردم بدبخت‌تریم" (قرنیتان اول باب ۱۵ آیات ۱۴ و ۱۹). مرگ عیسی باید با قیام او دنبال می شد، زیرا در قیام او ما برای خود اطمینان بدست می آوریم.

هنگامی که به روایت رستاخیز عیسی می رسیم، دو گزینه داریم. گزینه اول این است که این روایت را تبلیغی احساساتی، نوشته شده توسط چند تن از پیروان

تنهای عیسی، برای زنده نگه داشتن یادش ببینیم، درست آنگونه که ما امروزه سعی در نگه داشتن خاطره شخص معروف پس از مرگش داریم. گزینه دوم وقتی به روایت رستاخیز می‌رسیم این است که آن را به معنی واقعی کلمه روایتی دست اول و خارق‌العاده که بر زندگی همه انسان‌ها تأثیراتی داشت، بدانیم.

آیات ۱ تا ۱۵ باب ۲۸ متی را بخوانید. چرا عیسی به حواریونش می‌گوید که (در آیه ۹) “شادی کنید؟” به طور حتم آن‌ها می‌توانند از اینکه او قیام کرده و استادشان برگشته است، خوشحال باشند. اما دلیل اصلی شادی در رستاخیز عیسی چیست؟

۲۳ ژوئن

پنجشنبه

مأموریت بزرگ

برای بسیاری از مردم یکی از کارهای عیسی که درکش بسیار سخت است، بازگشت او به آسمان و سپردن مأموریت مژده انجیل به بشریت بود. ما چه اغلب او و خودمان را مایوس می‌کنیم و همان‌طور که انجیل‌ها نشان می‌دهند، پیروان اولیه او نیز از این قاعده مستثنی نبودند. با این حال با سپردن این مأموریت به ماست که عیسی محبتش به ما و نیاز ما به او را نشان می‌دهد.

آیات ۱۶ تا ۱۸ باب ۲۸ متی را بخوانید. کلام عیسی را “تمام اختیارات آسمان و زمین به من داده شده است” (آیه ۱۸) با آیات ۱۳ و ۱۴ باب ۷ دانیال مقایسه کنید. این آیات چگونه با هم مرتبط هستند؟

آیات ۱۹ و ۲۰ باب ۲۸ متی که آخرین آیات این انجیل هستند را بخوانید. عیسی چه چیزی می‌گوید و سخنانش چگونه به ما مربوط می‌شوند؟

خانم الن جی. هوایت چنین حکایت می‌کند که تقریباً پانصد ایماندار در زمان صعود عیسی به آسمان بر روی کوه زیتون جمع شده بودند. (قرن‌تین اول باب ۱۵ آیه ۶ را ببینید) مأموریت انجیل او تنها برای حواریون نبود، بلکه متعلق به تمام ایمانداران بود. او می‌نویسد، این اشتباهی مهلک است که گمان کنیم کار نجات نفس‌ها تنها به واعظ مسح شده متکی است. خدمت انجیل به تمام کسانی که

همه الهامات آسمانی را دریافت کرده‌اند، سپرده شده است. همه کسانی که زندگی مسیح را دریافت می‌کنند، برای خدمت در نجات انسانهای دیگر انتخاب می‌شوند. کلیسا برای این کار برپا شد و همه کسانی که تعهد های مقدس آن را بر عهده می‌گیرند، به موجب آن همکار بودشان با مسیح تضمین می‌شود.

آیا شما تا به حال به خود به عنوان همکار مسیح نگاه کرده اید؟ به چه روش های خاصی می توانید در رساندن مژده انجیل به این جهان مؤثرتر باشید؟

۲۴ ژوئن

جمعه

تفکری فراتر:

متی نیز مانند نویسندگان سایر انجیل‌ها، درباره رستاخیز عیسی نوشت. اما هیچ کدام از آن‌ها تقریباً توضیحی در مورد معنای رستاخیز نداده‌اند. اگرچه متی، مرقس، لوقا و یوحنا روایت رستاخیز را به تصویر کشیدند، اما با این وجود که در ایمان مسیحی از اهمیت زیادی برخوردار است، هیچ توضیح دینی درباره آن ندادند. در نوشته‌های پولس است که دقیق‌ترین توضیحات را درباره معنای صلیب می‌یابیم. ”لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است. زیرا چنانکه به انسان موت آمد به انسان نیز قیامت مردگان. چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت“ (قرن‌تیمان اول باب ۱۵ آیات ۲۰ تا ۲۲). پولس همچنین نوشت که، ”زیرا زمانی که غسل تعمید گرفتید، در واقع طبیعت کهنه و گناهکاران با مسیح مرد و دفن شد؛ سپس با مسیح زنده شدید و حیاتی نوین را آغاز کردید. تمام اینها در اثر این بود که به کلام خدای توانا ایمان آوردید، خدایی که مسیح را پس از مرگ زنده کرد“ (کولسیان باب ۲ آیه ۱۲). پطرس نیز درباره این موضوع بسیار مهم نوشته است: ”که نمونه آن یعنی تعمید اکنون ما را نجات می‌بخشد (نه دور کردن نجاست جسم بلکه امتحان ضمیر صالح سوی خدا) بواسطه برخاستن عیسی مسیح“ (پطرس اول باب ۳ آیه ۲۱). اگرچه ما دلیل اینکه نویسندگان انجیل‌ها توضیحات دقیقی درباره رستاخیز عیسی ندادند را نمی‌دانیم، بعضی از دانشمندان از این موضوع برای حقیقت داشتن استدلال‌های خود بهره برده‌اند. گذشته از هر چیز، چرا آن‌ها که سال‌ها پس از آن واقعه می‌نوشتند، از آن فرصت استفاده نکرده و توضیحی دقیق از آنچه می‌خواستند مردم درباره رستاخیز باور کنند، ندادند؟ در عوض، آن‌ها به سادگی واقعه را روایت کردند تلاشی برای زینت دادن آن با توضیحات دینی برای مفهوم آن نکردند.

